

# چهل حدیث حُسن خُلُق

علیان نژادی

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱۳

### فصل اول: نقش حُسن خُلق در زندگی انسان / ۱۷

۱. کامل ترین مؤمنان ..... ۱۹
رابطهٔ ایمان و حُسن خُلق ..... ۱۹
ظرفیت انسان‌ها متفاوت است ..... ۲۰
جاذبهٔ حُسن خُلق ..... ۲۱
۲. اسباب کمال ایمان ..... ۲۳
بسته شدن راه نفوذ گناهان ..... ۲۳
حُسن خُلق ..... ۲۴
فلسفهٔ حُسن خُلق ..... ۲۵
۳. با فضیلت ترین انسان‌ها ..... ۲۷
نشانه‌های برترین انسان‌ها ..... ۲۷
اخلاق اجتماعی عامل مهم پیشرفت ..... ۲۸
موانع راه ..... ۲۹
۴. صفات نجات بخش ..... ۳۳
صداقت عامل نجات ..... ۳۴

۳۴	..... حیا و خودداری از کارهای زشت.
۳۵	..... حُسن خُلُق.
۳۵	..... نقش شکر نعمت در ترک گناهان.
۳۷	..... ۵. صفات پیامبران.
۴۳	..... ۶. خوشا به حال آنها.
۴۳	..... ۱. تواضع و فروتنی.
۴۴	..... ۲. کسب و کار حلال.
۴۵	..... ۳. پاکی درون.
۴۶	..... ۴. حُسن خُلُق.
۴۷	..... ۷. حیات طیبه.
۴۷	..... اهمیت قناعت.
۴۹	..... معنای قناعت.
۵۰	..... حُسن خُلُق.
۵۱	..... تفسیر حیات طیبه.
۵۳	..... ۸. ویژگیهای مؤمن.
۵۳	..... ۱. پاکیزگی در کسب و کار.
۵۵	..... ۲. پاکی درون.
۵۵	..... ۳. انفاق در راه خدا.
۵۵	..... ۴. کم حرفی.
۵۷	..... ۹. اهمیت حُسن خُلُق.
۵۷	..... رابطه کمال عقل و حُسن خُلُق.
۵۸	..... حُسن خُلُق معجزه پیامبر ﷺ.
۵۹	..... حُسن خُلُق در کلام معصومین علیهم السلام.

۶۱	۱۰. برترین حسب و شرف
۶۱	عقل مهم‌ترین سرمایه
۶۲	خودبرتر بینی عامل تنهایی
۶۲	برترین حسب و شرف
۶۳	سرچشمهٔ عجب
۶۳	عُجب در کلام معصومین <small>علیهم‌السلام</small>
۶۷	۱۱. بهترین‌ها
۶۷	اهمیت اخلاق
۶۸	اخلاق نیکو از معجزات پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>
۶۸	پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> و جوان خشن
۶۹	چرا خشونت؟
۷۱	۱۲. نشانه‌های کرامت
۷۱	معنای کرم

### فصل دوم: نمونه‌هایی از حُسن خُلق / ۷۵

۷۷	۱۳. درهای نیکوکاری
۷۷	مفهوم گستردهٔ نیکوکاری
۸۱	۱۴. اظهار محبت
۸۱	نقش محبت در جامعهٔ اسلامی
۸۲	عقل به چه معناست؟
۸۳	روش محبت کردن
۸۳	تبلیغ چهره به چهره

۱۵. شوخی در حدّ اعتدال ..... ۸۵
- شوخی مجاز است یا غیر مجاز ..... ۸۵
- رعایت اعتدال، سفارش اسلام در هر چیز ..... ۸۷
۱۶. ادخال سرور در قلب مؤمن ..... ۸۹
- محبت یا خشونت؟ ..... ۸۹
- افسردگی، مشکل عصر ما ..... ۹۰
- ادخال سرور عملی ..... ۹۱
۱۷. روی گشاده؛ سرمایه تمام نشدنی ..... ۹۳
- چگونه توقعات نامحدود را پاسخ دهیم؟ ..... ۹۳
- راز موفقیت عالم روستایی! ..... ۹۴
- معمولاً برعکس عمل می‌کنیم! ..... ۹۵
- پذیرش اسلام ثمره اخلاق خوش ..... ۹۶
۱۸. دعوت به نیکی‌ها با اعمال نیک ..... ۹۹
۱. اجتهاد ..... ۱۰۰
۲. صدق ..... ۱۰۰
۳. ورع ..... ۱۰۱
- تفاوت تبلیغ زبانی و عملی ..... ۱۰۱
- میوه‌های درخت عمل ..... ۱۰۱
۱۹. بهترین فضایل اخلاقی ..... ۱۰۳
- مقابله به مثل، یا مقابله به ضد؟ ..... ۱۰۴
- داستانی از امام مجتبی علیه السلام ..... ۱۰۴
۲۰. خداوند، مهربانان را دوست دارد ..... ۱۰۷
- اقسام صفات خداوند ..... ۱۰۷
- صفات جمال و جلال ..... ۱۰۷

۱۰۸	صفات فعل
۱۰۹	وظیفه ما چیست؟
۱۰۹	سیر و سلوک
۱۱۱	<b>۲۱. خوشرویی و محبت</b>
۱۱۲	عامل جلب محبت
۱۱۳	پوشش خوبی برای عیوب
۱۱۵	<b>۲۲. صفات مؤمن</b>
۱۱۶	نرمش کردن و سخت‌گیری نکردن
۱۱۷	مؤمنان نرم‌خو هستند
۱۱۹	<b>۲۳. سه صفت مهم</b>
۱۲۰	الف) رابطه انسان و خدا
۱۲۰	چگونه بدانیم ملکه عدالت داریم؟
۱۲۱	ب) رابطه انسان و دوستان
۱۲۲	ج) رابطه انسان با دشمنان
۱۲۳	حلیم کیست؟
۱۲۳	بردباری در روایات اسلامی
۱۲۷	<b>۲۴. آبروی ما را حفظ کنید!</b>
۱۲۷	دو مطلب مهم
۱۲۸	اهمیت زبان
۱۲۸	راه کنترل زبان
۱۳۱	<b>۲۵. ألفت قلب</b>
۱۳۱	معانی قلب
۱۳۲	انسان اجتماعی است یا نه؟
۱۳۳	راه‌های نفوذ در دیگران

## فصل سوم: میوه‌های مادی (دنیوی) این شجره طیبه / ۱۳۵

- ۱۳۷..... ۲۶. گنج‌های روزی
- ۱۳۷..... جایگاه حُسن خُلق در اسلام و قرآن.....
- ۱۳۸..... حُسن خُلق و رونق کسب و کار .....
- ۱۳۹..... ارتباط حُسن خُلق و وسعت رزق و روزی .....
- ۱۴۱..... ۲۷. بهترین رفیق .....
- ۱۴۱..... زندگی دستجمعی و ضرورت داشتن دوست .....
- ۱۴۲..... چرا بهترین رفیق حُسن خُلق است؟ .....
- ۱۴۵..... ۲۸. مشایعت همسفر .....
- ۱۴۶..... معجزه اخلاق .....
- ۱۴۷..... چگونگی برخورد با غیر مسلمانان.....
- ۱۴۹..... ۲۹. صفات چهارگانه مؤمن .....
- ۱۴۹..... سخت‌گیری.....
- ۱۵۳..... ۳۰. چگونگی معاشرت با مردم .....
- ۱۵۳..... اسلام دین اجتماعی.....
- ۱۵۴..... حُسن معاشرت.....
- ۱۵۷..... ۳۱. راه نفوذ در دیگران .....
- ۱۵۸..... چگونه می‌توان در دیگران نفوذ کرد؟.....
- ۱۶۱..... ۳۲. بهترین زندگانی .....
- ۱۶۱..... زندگی همراه با حُسن خُلق .....
- ۱۶۲..... انتقادپذیری و سعه صدر .....
- ۱۶۳..... اسباب ورود به بهشت .....
- ۱۶۵..... قناعت، بهترین ثروت‌ها .....
- ۱۶۷..... جهالت عجب و خودپسندی .....

## فصل چهارم: ثمرات معنوی (اخروی) حُسن خُلق / ۱۶۹

- ۱۷۱ ..... ۳۳. غرفه‌های خاص بهشتی
- ۱۷۲ ..... ۱. سخنان نرم و مؤدبانه
- ۱۷۲ ..... ۲. کمک به دیگران
- ۱۷۲ ..... ۳. افشای سلام
- ۱۷۳ ..... ۴. مداومت بر صیام
- ۱۷۳ ..... ۵. نماز شب و راز و نیازهای شبانه
- ۱۷۵ ..... ۳۴. همسایگان پیامبر ﷺ در جهان آخرت
- ۱۷۶ ..... راز اهمیت اخلاق پسندیده
- ۱۷۹ ..... ۳۵. روش جلب محبت
- ۱۸۰ ..... تقابل ثروتمندان مغرور با پیامبران الهی
- ۱۸۱ ..... توطنه خطرناک دشمن
- ۱۸۳ ..... ۳۶. نزدیکترین افراد به پیامبر ﷺ
- ۱۸۳ ..... رابطه اعمال با قرب به پیامبر ﷺ
- ۱۸۴ ..... اهمیت صداقت و امانت‌دار بودن
- ۱۸۵ ..... حُسن خُلق و ارتباط نزدیک با مردم
- ۱۸۶ ..... خدمات انقلاب اسلامی
- ۱۸۶ ..... وهابیت از اسلام بیگانه است
- ۱۸۹ ..... ۳۷. سنگین‌ترین عمل
- ۱۸۹ ..... «میزان» در معارف دینی
- ۱۹۰ ..... چیزهایی که میزان اعمال را سنگین می‌کند
- ۱۹۱ ..... مؤمن عبوس نیست
- ۱۹۱ ..... سه مصداق حُسن خُلق



## فصل پنجم: آثار شوم بد اخلاقی / ۱۹۳

۳۸. ثمرهٔ ترشروی... ۱۹۵
- اسباب تنهایی و دشمنی... ۱۹۵
- وهابی‌های خشن، بویی از اسلام نبرده‌اند... ۱۹۶
- ترشروی مکره است یا حرام؟... ۱۹۷
- ترشروی واجب!... ۱۹۷
۳۹. سرانجام مکر و خدعه و غش و خیانت... ۱۹۹
- تفسیر مکر... ۲۰۰
- معنای خدعه... ۲۰۰
- غش و خیانت... ۲۰۱
- سوء خلق... ۲۰۱
- دنیای بدون این صفات رذیله... ۲۰۱
۴۰. بد اخلاقی... ۲۰۳
- آثار سوء خلق... ۲۰۳
- عوامل روحی و روانی بد اخلاقی... ۲۰۴
- عوامل اجتماعی و جسمانی سوء خلق... ۲۰۶
- روایت علی رضی الله عنه از خلق و خوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله... ۲۰۷
- بدخویی در روایات اسلامی... ۲۰۹
- منابع و مأخذ... ۲۱۱

## مقدمه:

«اهمیت حُسن خُلق» بر هیچ کس پوشیده نیست؛ چرا که «خوش‌رویی و محبّت» از جمله «صفات پیامبران» و از «بهترین فضایل اخلاقی» و جزء «صفات نجات‌بخش» و یکی از «اسباب کمال ایمان» و از «ویژگی‌ها و صفات مؤمن» محسوب می‌شود. «خوشا به حال آن‌ها» که «چگونگی معاشرت با مردم» و «روش جلب محبّت» را فرا گرفته و با اظهار محبّت و رعایت موازین اخلاقی و خُلق حَسَن «ألفت قلب» ایجاد کرده و «راه نفوذ در دیگران» را یافته و به «بهترین زندگانی» و «سنگین‌ترین عمل» و «درهای نیکوکاری» و «بهترین رفیق» رسیده‌اند و در نتیجه «گنج‌های روزی» را فتح کرده و «نزدیک‌ترین افراد به پیامبر ﷺ» شده و صاحب «حیات طیّبه» گردیده و «غرفه‌های خاصّ بهشتی» را از آن خود کرده‌اند.

آیا می‌دانید که چرا «خداوند مهربانان را دوست دارد» و مؤمنان

را به رعایت مسایل اخلاقی از جمله «سه صفت مهم»: «ادخال سرور در قلب مؤمن» و «مشایعت همسفر» و «شوخی در حدّ اعتدال» سفارش کرده است؟

زیرا «روی گشاده سرمایه تمام نشدنی» و از جمله «صفات چهارگانه مؤمن» و از «نشانه‌های کرامت» و «برترین حسب و شرف» است و انسان را در ردیف «کامل‌ترین مؤمنان» و «با فضیلت‌ترین انسان‌ها» و «بهترین‌ها» قرار داده و جزء «همسایگان پیامبر ﷺ در جهان آخرت» خواهد کرد.

پس بیایید از «بداخلاقی»ها دست برداشته و «دعوت به نیکی‌ها با اعمال نیک» را شعار خود قرار داده و به سفارش حضرات معصومین علیهم‌السلام که فرمودند: «آبروی ما را حفظ کنید» عمل نموده، تا از «ثمره ترش‌رویی» در امان بوده و به «سرانجام مکر و خدعه و غش و خیانت» گرفتار نشویم.

\* \* \*

با توجه به اهمیت فوق‌العاده برخوردار خوب و صحیح با دیگران، و شکایت‌های فراوانی که از کج خلقی‌ها و بداخلاقی‌ها و سوءرفتارها در نامه‌های استفتاء و به صورت حضوری و شفاهی مطرح می‌شد، تصمیم گرفته شد کتابی در این زمینه نوشته شود. بدین جهت مباحث اخلاقی مختلف استاد اخلاق، مرجع عالیقدر، حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه العالی) که در منابع مختلف وجود داشت، پس از تحقیق و بازنگری و حذف

مباحث تکراری و توضیحات لازم و ذکر منابع، به شکل کنونی تقدیم شما خوانندگان محترم می‌شود.

از خداوند متعال، که اخلاق فوق‌العاده زیبای پیامبر ﷺ و خلق نیکوی او را عامل گسترش اسلام بیان کرده، می‌خواهیم که به ما توفیق تخلّق به این صفت زیبای اخلاقی را عنایت کرده، و این خدمت کوچک را به لطف و بزرگواریش قبول فرماید.

ابوالقاسم علیان‌نژادی

قم - حوزه علمیّه - مدرسه امام سجّاد علیه السلام

۹۳/۱۰/۶







## کامل‌ترین مؤمنان

امام باقر علیه السلام مطابق حدیث معتبری فرمودند:  
 «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا؛ إيمان کسی از همه قوی‌تر  
 است که اخلاقش از همه بهتر باشد».<sup>۱</sup>  
 از روایت مذکور استفاده می‌شود که خلق نیکو نشانه ایمان،  
 و کج خلقی و بداخلاقی علامت ضعف ایمان است.

### رابطه ایمان و حُسن خلق

ارتباط بین ایمان و اخلاق نیکو، دقیق و روشن است؛ زیرا  
 رذایل اخلاقی، غالباً نتیجه ضعف توحید افعالی است و توحید  
 افعالی یکی از شاخه‌های توحید، بلکه از اساسی‌ترین آنهاست.  
 چرا فلان شخص حریص است؟ چون ایمانش متزلزل است؛  
 مثل این‌که می‌گوید: امروز که توانایی جمع‌آوری و ذخیره‌سازی  
 مواد غذایی را دارم، باید این کار را انجام دهم؛ چون ممکن است

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۴، ح ۱.



فردا و فرداها روزی ام نرسد! اما انسان مؤمن می‌گوید: «خداوند متعال طبق آیه شریفه ششم سوره هود ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾ ضامن روزی همه موجودات است. خداوندی که مرا در شکم مادر و پس از تولد و در دوران نوزادی، که معده‌ام نمی‌توانست غذاهای معمولی را هضم کند، فراموش نکرد؛ اکنون و در آینده هم فراموش نخواهد کرد. بنابراین، جایی برای حرص باقی نمی‌ماند. همچنین نسبت به بقیه رذایل اخلاقی.

بر این اساس، جای تردیدی نیست که هرگاه ایمان کسی رو به کمال داشته باشد، از حرص و بخل و غرور و دروغ و سایر بداخلاقی‌ها مبرا است و دارای اخلاق نیکوست. رابطه ایمان و اخلاق نیکو از همین زاویه توجیه می‌یابد.

#### ظرفیت انسان‌ها متفاوت است

علاوه بر این، انسان بداخلاق کم ظرفیت است؛ با کوچک‌ترین ناراحتی رو ترش کرده و چهره‌ای عبوس به خود می‌گیرد و بدین وسیله ناراحتی‌اش را به دیگران منتقل می‌کند؛ اما انسان با ایمان پر ظرفیت است؛ زیرا به دریای لطف خدا متصل است و به گفته علی عليه السلام: «الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ؛ مؤمن همچون کوه در برابر تندباد حوادث استقامت به خرج می‌دهد».<sup>۱</sup>

۱. شرح اصول کافی، مولی محمد صالح مازندرانی، ج ۹، ص ۱۷۲. شبیه این روایت در اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۷ و بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۶۵، ح ۴۱ آمده است.

نه تنها تندبادها کوه‌ها را حرکت نمی‌دهند، بلکه کوه‌ها مسیر حرکت تندبادها را تغییر می‌دهند. طبیعی است وقتی حوادث بر روح مؤمن اثر نکند، بد اخلاقی پیشه نمی‌سازد، بلکه حزن و اندوهش را در دل نگه می‌دارد و لبخند را بر لبانش می‌نشانند: «الْمُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ»<sup>۱</sup>.

### جاذبه حسن خلق

آن اندازه که حسن خلق و رفتار پسندیده در جذب و جلب دل‌ها تأثیرگذار است، هیچ چیز دیگر آن اندازه تأثیر ندارد؛ لذا حضرت رسول ﷺ خطاب به فرزندان عبدالمطلب فرمود: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْتَوَهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ الْبَشْرِ؛ با اموال و دارایی تان نمی‌توانید رضایت مردم را جلب کنید؛ اما می‌توانید با اخلاقتان قلب‌های آن‌ها را فتح نمایید»<sup>۲</sup>.  
پروردگارا! به ما توفیق حسن خلق عنایت کن تا به اوج قلّه ایمان دست یابیم.<sup>۳</sup>

\* \* \*

۱. نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۴۸، حکمت ۳۳۳.  
۲. کافی، ج ۲، ص ۱۰۳، باب حسن البشر، ح ۱.  
۳. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۵۴-۱۵۶، ح ۲.



## اسباب کمال ایمان

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِيمَانُهُ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبًا لَمْ يَنْتَفِضْهُ ذَلِكَ قَالَ: وَهُوَ الصِّدْقُ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ؛  
چهار صفت در هر کس باشد ایمانش کامل خواهد بود، هرچند غرق در گناه باشد: صداقت، ادای امانت، حیا، حُسن خُلُق».<sup>۱</sup>

### بسته شدن راه نفوذ گناهان

معنی روایت این نیست که اگر انسانی صادق و با حیا و خوش اخلاق و امانت دار بود، به انجام دادن گناهان دیگر مجاز هست، بلکه معنای آن این است که اصولاً با وجود این صفات چهارگانه، راه نفوذ گناهان برای شخص بسته شده و انسان در مقابل معاصی و وسوسه‌های شیطان بیمه می‌گردد؛ زیرا بیش‌تر گناهان با فقدان

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۴، ح ۲.

این چهار خصلت حاصل می‌گردد. آری بسیاری از گناهان بر اثر بد اخلاقی‌ها، خشمگینی‌ها، کج خلقی‌ها، پرده دری‌ها، خیانت در امانت و دروغ انجام می‌شود.

### حُسْنُ خُلُق

با توجه به اهمیت اخلاق نیکو، به شرح و تفسیر بیش تر این خصلت می‌پردازیم. در روایت دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُعْطِي الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطِي الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ خداوند متعال به انسان خوش اخلاق پاداش مجاهد فی سبیل الله را می‌دهد».<sup>۱</sup>

از آن جا که شخص متخلّق به اخلاق حسنه، در سایه مبارزه با نفس و مجاهدت با هوای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی به این خصلت دست یافته؛ خداوند پاداش کسی که کار بسیار مهم، پیچیده، سخت و خطرناک جهاد را انجام داده، به وی عطا می‌کند. در روایت دیگری از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ؛ نیمی از ایمان را اخلاق نیکو تشکیل می‌دهد».<sup>۲</sup>

در روایت چهارم می‌خوانیم:

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۴، ح ۱۵.  
۲. همان، ح ۲۷.

«أَوَّلُ مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسْنُ خُلُقِهِ؛ أَوَّلِينَ چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال انسان قرار می‌گیرد، حُسن خُلُق است»<sup>۱</sup>.

### فلسفه حُسن خُلُق

افراد جامعه همچون آجرهای یک ساختمانند و جامعه زمانی قوام و استحکام می‌گیرد که آجرها با ملاطی مناسب با هم پیوند بخورند. ملاط جامعه محبت است. اگر جامعه فاقد محبت باشد، بسان ساختمانی خواهد بود که آجرهای آن بدون ملاط روی هم نهاده شده، طبعاً با کوچک‌ترین حادثه‌ای فرو می‌ریزد.

نشانه محبت، اخلاق خوش، پرهیز از سخنان درشت و خشن و لبخند زدن است. محبت و حُسن خُلُق در همه جا لازم است: در خانواده، بین پدر و فرزندان، بین زن و شوهر، در محل کار و خلاصه در همه جای جامعه و در هر رویکرد اجتماع.

بسیاری از طلاق‌ها و جدایی‌ها بر اثر سوء خلق است؛ چون زن حرف خشنی می‌گوید و مرد با سخن خشن‌تری پاسخ او را می‌دهد. این جرّ و بحث ادامه می‌یابد و به نزاع و دعوا منجر می‌شود. تدریجاً پای خانواده دو طرف به درگیری این خانواده کشیده می‌شود و کار به دادگاه و شکایت و در نهایت طلاق منتهی می‌گردد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۴، ح ۳۶.

در ادارات، کارمندان با ارباب رجوع - که ولی نعمت‌های آن‌ها هستند - باید برخورد صحیح همراه محبت داشته باشند. ارباب رجوع هم بایستی با کارکنان و کارگزاران مؤدبانه برخورد کنند. در اجتماع هم مردم باید این‌گونه باشند؛ جناح‌ها، مذاهب، ادیان، همه و همه اگر با حُسن خُلق و رفتار پسندیده با یکدیگر رفتار کنند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.<sup>۱</sup>

\* \* \*

---

۱. آداب معاشرت، ص ۱۵۶-۱۵۸، ح ۳.

## با فضیلت‌ترین انسان‌ها

حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«أَفْضَلُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقاً الْمُوْطَّئُونَ أَكْنَافاً الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَ يُؤْلَفُونَ وَتَوْطَأُ رِحَالُهُمْ؛ با فضیلت‌ترین شما از نظر ویژگی‌های اخلاقی کسانی هستند که خوش اخلاق‌ترین مردم بوده، متواضع باشند، با دیگران بجوشند و در خانه‌شان به روی مردم باز باشد»<sup>۱</sup>.

### نشانه‌های برترین انسان‌ها

بر اساس روایت مذکور، پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای فاضل‌ترین مردم چهار ویژگی بیان کرده است:

۱. اخلاقش از همه بهتر و برخوردارش از همه خوب‌تر است.
۲. شانه‌هایش را پایین می‌اندازد. این صفت ظاهراً اشاره به تواضع اشاره دارد. انسان‌های متواضع شانه‌های خود را بالا نمی‌گیرند.
۳. دارای الفت و جوشش است. هم خودش الفت دارد و هم

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۵، ح ۱.



الفت دیگران را پذیراست. به تعبیر دیگر، با مردم می‌جوشد و جوشش مردم را نیز پذیرا است.

۴. در خانه‌اش به روی مردم باز است. جمله «مردم روی فرش‌های او قدم می‌گذارند» کنایه از میهمان‌نوازی چنین افرادی است.

خلاصه این‌که با فضیلت‌ترین مردم کسانی هستند که با مردم انس می‌گیرند، همان‌گونه که مردم با آن‌ها مأنوسند؛ به علاوه با مردم خوش برخورد و متواضعند.

### اخلاق اجتماعی عامل مهم پیشرفت

داشتن اخلاق نیکوی اجتماعی، باعث پیشرفت می‌شود، و بدون بهره‌مندی از این اخلاق، توقف و رکود قطعی است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف) اگر قطعات یک کشتی غول پیکر اقیانوس پیما، یا قطعات هواپیمای عظیمی که همچون یک مجتمع بزرگ مسکونی است، یا قطعه‌های اتومبیل تندروی را که با سرعتی همچون سرعت باد حرکت می‌کند، روی هم گذاشته باشند؛ با این کار نه اتومبیلی ساخته می‌شود که بتواند صحراها و بیابان‌ها را طی کند؛ نه هواپیمایی که دل آسمان‌ها و ابرها را بشکافد و نه کشتی که امواج خروشان دریا را پشت سر بگذارد؛ مگر این‌که پس از روی هم نهادن قطعات، آن‌ها را به هم «متصل» کنند. آن‌جا که به چسب

و جوش نیاز است، از عامل اتصال استفاده نمایند و جایی که به پیچ و مهره نیاز است، با پیچ و مهره آن‌ها را به هم متصل کنند.

لفت و محبت و جوشی که در روایت نسبت به آن تأکید شده، همانند پیچ‌ها و دیگر عوامل اتصال قطعات مختلف وسایل مذکور است که از ابزار مختلف وسیله واحدی تشکیل داده و آن را به حرکت در می‌آورد.

ب) اگر صدها ماشین آجر و ده‌ها تن آهن و مقدار زیادی در و پنجره را روی هم بریزند، ساختمان مسکونی ساخته نمی‌شود. زمانی این اجزا، ساختمانی را تشکیل می‌دهند که ملاط، آجرهای آن را به یکدیگر اتصال دهد.

کاخ اجتماع و ساختمان جامعه هم به چنین ملاطی نیاز دارد که همان الفت و جوش حاصل از اخلاق خوش است. و در واقع الفت و مهربانی و تعامل نیکوی افراد جامعه ابزار اصلی ساخت جامعه انسانی است.

### موانع راه:

#### ۱. سوء ظن

امور مختلفی باعث عدم جوشش و اتحاد افراد جامعه می‌شود که یکی از آن‌ها سوء ظن است. بدبینی و سوء ظن باعث تفرقه و انزوای افراد جامعه می‌شود. و مبتلایان به این بیماری با خود

می‌گویند: «نکند فلان کس خائن باشد!»؛ «نکند منافق یا جاسوس باشد»، و سخنانی مانند آن. این‌گونه افراد با هیچ کس نمی‌جوشند. احتیاط خوب است، اما سوء ظن بلائی بزرگی است که خداوند از آن نهی کرده است<sup>۱</sup> و در روایات این ویژگی مذمت شده و به عنوان یکی از عواملی که افراد از گرد انسان‌ها پراکنده می‌شوند، یاد شده است.<sup>۲</sup>

## ۲. وسواس در همه چیز

مانع دیگر جوشش و یکی شدن اعضای یک جامعه «وسواس» است. احتیاط صحیح و مشروع، اما وسواس، غلط و نامشروع است. این بیماری نیز افراد جامعه را از هم دور کرده و سبب عدم جوشش و الفت میان آن‌ها می‌گردد.

## ۳. توقع بیش از اندازه

برخی تصور می‌کنند گل سرسبد آفرینش هستند و همه باید به آن‌ها احترام بگذارند؛ در حالی که امتیازی بر دیگران ندارند، و این رذیله اخلاقی مشکلاتی به دنبال دارد که همگام نشدن با مردم و انزوا و جدا شدن از دیگران از جمله این مشکلات است.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۲. میزان الحکمة، ج ۵، ص ۳۲۲، باب ۲۴۴۲، ح ۱۱۷۰۵-۱۱۷۱۴.

**۴. تکبر**

افراد متکبر با مردم نمی‌جوشند، و مردم هم علاقه‌ای به جوشش با آن‌ها ندارند.

اگر سوء ظن، وسواس، توقع زیاد و تکبر را از خود دور کنیم، با همه رفیق خواهیم شد و از این رهگذر تعامل میان افراد جامعه شکل بهتری به خود می‌گیرد.<sup>۱</sup>

\* \* \*

---

۱. آداب معاشرت اسلامی، ص ۱۶۰-۱۶۳، ح ۵.



## صفات نجات بخش

امام صادق علیه السلام فرمود: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُؤْمِنًا وَإِنْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبًا: الصَّدْقُ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالشُّكْرُ»<sup>۱</sup>.

معنای ابتدایی این حدیث غیر قابل پذیرش است و آن این‌که: «هرکس واجد صفات صداقت و حیا و حُسن خُلق و شکرگزاری باشد، مؤمن محسوب می‌شود، هرچند سر تا به پا گناه باشد، یعنی چنین انسانی هر گناهی بکند، به بهشت می‌رود!».

ولی آنچه ذکر شد، معنای حقیقی روایت نیست؛ بلکه معنای آن چنین است:

«اگر کسی آلوده تمام گناهان باشد اما به این چهار صفت متّصف شود، به ترک همه گناهان موفق می‌گردد. یعنی بین این اوصاف چهارگانه و ترک گناهان رابطه‌ای وجود دارد».

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۳، ح ۱۱۱.

### صداقت عامل نجات

صداقت و راستگویی، انسان متقلّب و سارق و خائن و مانند آن را از گناه باز می‌دارد؛ چون بدون دروغ نمی‌تواند مرتکب این معاصی شود. شاهد این مطلب، حدیث زیر است:

مردی خدمت پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من به چهار کار زشت مبتلا هستم: زنا، شرابخواری، دزدی و دروغ؛ اما هر کدام را که بفرمایید به خاطر شما ترک می‌کنم. حضرت فرمود: دروغ را رها کن. آن مرد از خدمت حضرت مرخص شد و تصمیم گرفت زنا کند. با خودش گفت: پیامبر از من در مورد کارم می‌پرسد. اگر انکار کنم، قولی را که به ایشان داده‌ام، شکسته‌ام و اگر اقرار کنم، حدّ می‌خورم. سپس تصمیم گرفت دزدی کند، بعد تصمیم گرفت شراب بخورد؛ اما هر بار همین فکر را با خود کرد. لذا نزد رسول خدا ﷺ برگشت و عرض کرد:

«قَدْ أَخَذْتُ عَلَى السَّبِيلِ كُلَّهُ؛ فَقَدْ تَرَكْتُهُنَّ أَجْمَعٍ؛ شما راه را به کلی بر من بستید، من همه این کارها را رها کردم».<sup>۱</sup>

### حیا و خودداری از کارهای زشت

«حیا» به معنی خودداری از انجام دادن کارهای زشت است. کسی که حیا دارد و از کارهای زشت و پلید دوری می‌گزیند، به سراغ بسیاری از گناهان نخواهد رفت و آن‌ها را ترک می‌کند.

۱. میزان الحکمة، ج ۷، ص ۴۵۲، باب ۳۴۰۳، ح ۱۷۵۲۵.

**حُسن خُلُق**

«حُسن خُلُق» نیز عامل قطع بسیاری از گناهان است؛ زیرا تعداد زیادی از معاصی هنگام خشم و ناراحتی صورت می‌پذیرد. و کسی که خلق نیکویی دارد خشمگین نمی‌شود و در نتیجه آلوده گناه نمی‌گردد.

**نقش شکر نعمت در ترک گناهان**

«شکر نعمت» نیز در ترک گناهان نقش دارد؛ چون معنای شکر نعمت بر اساس برخی روایات، استفاده از هر نعمت در جای خود است. اگر انسان از زبان خود در جایی که خداوند اجازه داده، استفاده کند زبانش به گناهان آلوده نمی‌شود و اگر از گوشش در موارد مجاز بهره بگیرد، به گناهان مربوط به این عضو آلوده نخواهد شد و همچنین در مورد سایر نعمت‌ها.

این حدیث، طبق تفسیر دوم، بسیار زیبا و پرمعنی می‌شود. بارخدا یا! به ما توفیق صداقت و حیا و حُسن خُلُق و شکر نعمت‌ها را عنایت فرما، تا هرچه بیش‌تر از گناه فاصله بگیریم و به تو نزدیک‌تر شویم!<sup>۱</sup>

\* \* \*

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۸۱-۱۸۳، ح ۲.





## صفات پیامبران

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند فرستادگان و پیامبرانش را به صفات برجسته اخلاقی مجهز کرد. پس شما خود را بیازمایید، اگر واجد آن صفات و ویژگی‌های اخلاقی باشید باید خدا را برای آن شکر کنید که نعمت بزرگی نصیبتان شده است، و اگر همه یا قسمتی از آن را ندارید، باید به درگاه الهی روی آورده و آن‌ها را از او بخواهید تا خداوند آن صفات را به شما عنایت کند. (البته این صفات، اکتسابی است و منظور از این‌که خداوند آن صفات را عطا کند آن است که توفیق اکتسابش را عنایت فرماید)».

راوی می‌گوید: امام علیه السلام آن‌ها را ده چیز به شرح زیر بیان فرمودند:

«الْيَقِينُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءُ وَالْغَيْرَةُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْمُرُوَّةُ؛ يقين و قناعت و صبر و شکر و حلم و اخلاق خوش و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروّت»، و بعضی از راویان

پس از ده صفت فوق، صداقت و ادای امانت را نیز اضافه کرده‌اند.<sup>۱</sup> طبق این روایت، امام صادق علیه السلام ده (دوازده) صفت از صفات شایسته را به‌عنوان مکارم اخلاق بیان کرده که درحقیقت تمام کتاب‌های اخلاقی در همین صفات خلاصه می‌شود. توجه بفرمایید:

### ۱. یقین

«یقین» نقطه مقابل «شک» است، همان‌گونه که «علم» نقطه مقابل «جهل» است، و به معنی وضوح و ثبوت چیزی آمده، و طبق آنچه از روایات استفاده می‌شود به مرحله عالی ایمان، «یقین» گفته می‌شود. از تعبیراتی که در روایات درمورد یقین آمده استفاده می‌شود که وقتی انسان به مقام یقین برسد، آرامش خاصی سراسر قلب و جان او را فرامی‌گیرد.<sup>۲</sup>

### ۲. قناعت

دومین صفت از صفات ویژه‌ای که خداوند پیامبرانش را به آن آراسته، ویژگی قناعت است. انسان قانع کسی است که به آنچه برای زندگی‌اش کفایت می‌کند قناعت کرده، و برای جمع‌آوری مال از راه حلال و حرام حرص نمی‌ورزد.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۶، باب المکارم، ح ۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۰۸ و ۳۰۹، ذیل آیه ۷ سوره تکوین.

اگر قناعت بر کشوری حاکم گردد همه مردم از امکانات آن بهره‌مند می‌شوند نه مثل برخی از کشورهای دنیا که ۹۹٪ ثروت در اختیار ۱٪ مردم، و تنها ۱٪ ثروت سهم ۹۹٪ مردم است! که به‌عنوان نمونه می‌توان از آمریکا نام برد.

### ۳. صبر

استقامت در برابر حوادث ناگوار از دیگر مکارم اخلاق محسوب می‌شود. استقامت در مقابل مشکلات اطاعت، استقامت در برابر هوای نفس و وسوسه‌های شیطان از صفات برجسته اخلاقی است.

### ۴. شکر

انسان باید در برابر نعمت‌های نامحدود پروردگارش شاکر باشد. معنای شکر این است که نعمت‌های الهی را در همان مسیری که خداوند معین کرده مصرف کند؛ از «چشم» برای دیدن صحنه‌های حرام استفاده نکند. از «پا» برای رفتن به مجلس گناه کمک نگیرد. با «گوش» نواهای حرام و موسیقی‌های نامشروع را نشنود. همچنین درباره دیگر نعمت‌ها.

### ۵. بردباری

انسان در طول زندگی به افرادی برخورد می‌کند که بدزبان و بدبرخورد هستند. در مقابل چنین کسانی نباید از کوره در رفت

و همانند آن‌ها عمل کرد، بلکه باید با حلم و بردباری از کنار آن‌ها گذشت.

شاعر عرب به زیبایی مطلب فوق را در شعر زیر بیان کرده است:

وَلَقَدْ أَمَرْتُ عَلَىٰ اللَّيْمِ يَسْتَبِنِي فَصَصَيْتُ ثَمَّةً قُلْتُ لَا يَغْنِيبُنِي

از کنار انسان پستی می‌گذشتم که به من ناسزا گفت. اما من اعتنایی نکردم و گفتم: منظورش من نبودم!<sup>۱</sup>

در مقابل برخی از افراد جز با حلم و بردباری نمی‌توان عمل کرد و باید حلیم بود، مخصوصاً کسانی که مسئولیتی دارند باید حلم داشته باشند، چه در حدّ وسیع و چه در مقیاس کوچک، چون اگر مدیران حلیم نباشند نمی‌توانند زیر مجموعه خود را اداره کنند. رئیس یک خانواده نیز که مجموعه کوچکی را مدیریت می‌کند، از این قاعده مستثنی نیست.

#### ۶. حُسْنُ خُلُق

حُسْنُ خُلُق یا نرمش و مدارا، گشاده‌رویی، زبان خوب و اظهار محبّت، رعایت ادب، چهره خندان و تحمل و بردباری در مقابل مزاحمت‌های دیگران، آثار مادی و معنوی فراوانی دارد که این‌جا جای شرح آن نیست.<sup>۲</sup>

به یقین حُسْنُ خُلُق یکی از ارکان اصلی مدیریت قوی و کارآمد

۱. جامع الشواهد، ص ۳۳۲.

۲. شرح آن را در کتاب اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۴۵، به بعد مطالعه فرمایید.

است و اگر ده‌ها شرط مدیریت در کسی جمع باشد، اما دارای حُسن خُلق نباشد، شکست خواهد خورد. در حالی که حُسن خُلق او می‌تواند بسیاری از ضعف‌هایش را بپوشاند، یا جبران کند.

#### ۷. سخاوت

انسان نباید هر آنچه را که خدا در اختیارش قرار داده تنها برای خود بداند و به دیگران اجازه ندهد از امکانات و دارایی‌اش بهره‌مند شوند. بلکه باید زمینه استفاده دیگران را از امکانات و دارایی و نفوذ و قوت و قدرت بازو و علم و دانش و اعتبارش فراهم کند. اگر هر آنچه را که داری فقط به خود اختصاص دهی درحقیقت محتکری!

#### ۸. غیرت

غیرت اجازه نمی‌دهد که دیگران به حریم شخصی انسان وارد شوند. خانواده حریم خصوصی انسان است و لذا غیرت به دیگران اجازه ورود به این حریم را نمی‌دهد. کشور اسلامی نیز حریم خصوصی اهالی آن کشور است، اگر اجازه ورود بیگانگان را به این حریم بدهیم بی‌غیرت محسوب خواهیم شد.

#### ۹. شجاعت

درست است که انسان نباید بی‌حساب و کتاب عمل کند و بی‌گدار به آب بزند، اما درمقابل هرکسی هم نباید تسلیم شود.

باید در برابر دشمن ایستادگی کرد و شجاعت به خرج داد، که دشمن از انسان‌های شجاع می‌ترسد. اگر عنصر شجاعت در انقلاب اسلامی ایران نبود، هرگز منتهی به پیروزی نمی‌شد. از صفات بارز امام خمینی علیه السلام شجاعت فوق‌العاده معظم‌له بود.

#### ۱۰. مروّت

«مروّت» از ماده «مرء» به معنای «شخص» در اصل به معنای شخصیت است و در واقع مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی و اعتقادات و ایمان و علم و دانش و تقوا است و این‌که در فارسی فقط به معنای انصاف به کار می‌رود بیان‌کننده معنای حقیقی آن در لسان عرب نیست.

#### ۱۱ و ۱۲. صداقت و امانت

در اهمیت صداقت و امانت نیز همین بس که خداوند به همه پیامبرانش درباره آن‌ها سفارش کرده است. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْإِمَانَةِ إِلَى الْبُرِّ وَالْفَاجِرِ».<sup>۱</sup> خلاصه این‌که این دوازده صفت، اصول مکارم اخلاق است، که هرکس تمام یا بیشتر آن‌ها را داشته باشد خوشا به حالش، و هرکس ندارد به درگاه الهی تضرع کرده، و تلاش کند تا به آن برسد.<sup>۲</sup>

۱. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۳۱۸، باب ۳۰۳، ح ۱۵۳۹.

۲. چهل حدیث اخلاقی، ص ۱۷۳-۱۷۸، ح ۳۴.

## خوشا به حال آنها

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«طَوْبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، وَ طَابَ كَسْبُهُ، وَ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَ حَسَنَتْ خَلِيقَتُهُ؛ خوشابه حال کسی که در نزد خود کوچک (و متواضع) است (و در نظر مردم بزرگ و عزیز) و کسی که کسب و کار او طیب و حلال باشد و باطنش پاک و صالح، کسی که اخلاق او نیکو باشد.»<sup>۱</sup>

امام علیه السلام در حدیث فوق چهار ویژگی را از صفات سعادت‌مندان می‌شمارد:

### ۱. تواضع و فروتنی

امام علیه السلام نخستین وصف را همان تواضع و فروتنی ذکر کرده است، زیرا تکبر که نقطه مقابل آن است سرچشمه انواع گناهان

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۲۳، ج ۳، ص ۲۶۶.



است. نخستین معصیتی که در زمین شد تکبّر شیطان بود که منشأ همه بدبختی‌ها برای خود و دیگران گردید.<sup>۱</sup>

در بعضی از دعاهای ماه مبارک رمضان همین مضمون به صورت یک دعا از خداوند آمده است؛ مرحوم سید بن طاووس در دعای روز هفدهم ماه مبارک رمضان چنین نقل می‌کند:

«اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا... وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي؛ خداوندا! هرگز لحظه‌ای مرا به خودم وامگذار... و مرا در درون خود کوچک و متواضع کن و در نظر مردم مرا بزر دار.»<sup>۲</sup>

## ۲. کسب و کار حلال

یکی از عوامل موفقیت و نشاط عبادت و استجاب دعا، کسب حلال است تا آنجا که در کتاب شریف کافی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ دَعْوَتُهُ فَلْيَطْبُ مَكْسَبَهُ؛ کسی که خوشحال می‌شود از این که دعایش مستجاب گردد باید کسب خود را پاک و حلال کند.»<sup>۳</sup>

شبهه همین معنا با عبارت دیگر از پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

۱. شرح این مطلب را در کتاب اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۹ به بعد مطالعه فرمایید.  
 ۲. الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۱، ص ۳۰۶. مرحوم علامه مجلسی نیز آن را در بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۷ آورده است.  
 ۳. کافی، ج ۲، ص ۴۸۶، ح ۹.

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيَطْبُ مَطْعَمَهُ وَمَكْسَبَهُ»<sup>۱</sup>.

در حدیثی که در کتاب اسد الغایة در حالات «سعد بن معاذ انصاری» نقل شده، آمده است: هنگامی که پیغمبر ﷺ از غزوه تبوک باز گشت، «سعد انصاری» به استقبال پیامبر آمده. حضرت با او مصافحه کرد و (چون دست او را بسیار خشن دید) فرمود: چه چیز دستت را این گونه خشن کرده است؟ عرض کرد: «ای رسول خدا! من با داس و بیل کار می کنم تا زندگی عیالم را فراهم سازم». نقل شده است که: «فَقَبِلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ: هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهَا النَّارُ؛ پیغمبر ﷺ دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که هرگز آتش دوزخ به آن اصابت نمی کند»<sup>۲</sup>.

### ۳. پاکی درون

حضرت در سومین وصف می فرماید: «خوشا به حال کسی که باطن او پاک و صالح است». صلاح باطن عبارت از خلوص نیت، پاکی فطرت و خیرخواهی برای همه انسان هاست. از آنجا که اعمال و اقوال انسان تراوشی از صفات درونی اوست، کسی که درونی پاک داشته باشد اعمال و رفتار و اقوالش نیز پاک و شایسته است.

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۲، ح ۱۶.

۲. اسد الغایة، ج ۲، ص ۲۶۹.

#### ۴. حُسْنُ خُلُق

در چهارمین وصف می فرماید: «و خوشا به حال کسی که اخلاق او نیکو است».

«خلیقة» که به معنای خلق و خوست دو گونه تفسیر شده است: بعضی آن را به معنای خلق و خوی باطنی تفسیر کرده‌اند که اشاره به کسانی است که باطنی پاک دارند و به کسی شر نمی‌رسانند. بعضی نیز آن را به معنای برخورد خوب و گشاده‌رویی با مردم تفسیر کرده‌اند و معنای دوم مناسب‌تر به نظر می‌رسد، زیرا در جمله قبل «صَلَحَتْ سَرِیرَتُهُ» به حسن باطن اشاره شده بود. بنابراین، جمله مورد بحث اشاره به حسن ظاهر و برخورد خوب با مردم است. حُسْنُ خُلُق به اندازه‌ای در اسلام اهمیت دارد که در بعضی از روایات، از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان «نصف دین» معرفی شده است: «حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّینِ» و در ادامه این حدیث آمده است: کسی از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال کرد: برترین چیزی که خداوند به فرد مسلمانی داده است چیست؟ پیغمبر اکرم فرمود: «الْخُلُقُ الْحَسَنُ».<sup>۱</sup> پروردگارا! به ما توفیق تَخَلَّقْ به این صفات نیک را عطا فرما، تا جزء سعادت‌مندان شویم.<sup>۲</sup>

\* \* \*

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۳، ح ۶۲.

۲. پیام امام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱۳، ص ۲۵-۲۹.

## حیات طیبه

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكاً، وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيماً؛ ملك قناعت برای انسان کافی است و حُسن خُلق به عنوان نعمت نیز کفایت می‌کند».<sup>۱</sup>

سپس مرحوم سید رضی می‌افزاید: «از امام علیه السلام از تفسیر آیه ﴿فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾<sup>۲</sup> سؤال کردند فرمود: «منظور از حیات طیبه قناعت است»؛ (وَسئِلَ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ).

امام علیه السلام در این گفتار حکیمانه به دو نکته مهم به زبان کنایه اشاره کرده است:

### اهمیت قناعت

نخست ملک قناعت را برای انسان کافی می‌داند، زیرا کسی که

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۲۹، ج ۳، ص ۳۰۲.

۲. سوره نحل، آیه ۹۷.

به حداقل زندگی قانع شود نه نیازی به خلق روزگار دارد و نه محتاج به حاجت بردن نزد این و آن، آرامشی بر وجود او حکمفرماست و لذتی را که او از زندگی توأم با قناعت خود می برد هیچ سلطانی از مملکت وسیع و گسترده خود نخواهد برد و به گفته شاعر:

گنج آزادگی و گنج قناعت ملکیت

که به شمشیر میسر نشود سلطان را<sup>۱</sup>  
 تعبیر به «ملک» (مملکت و کشور) اشاره به اهمیت فوق العاده قناعت است که گویی زندگی قانعانه معادل حکمرانی بر کشوری پهناور است.

در حدیث پرمعنایی از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی می خوانیم:  
 «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا؛  
 خدای متعال پیامبر خود را به فضایل اخلاقی اختصاص داده است.  
 کسی که آن فضایل را داشته باشد خدا را به سبب آن شکر گوید و کسی که نداشته باشد از پیشگاه خداوند متعال آن را تقاضا کند».  
 راوی می گوید: از امام علیه السلام پرسیدم آن فضایل اخلاقی چیست؟  
 امام علیه السلام فرمود: «الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ وَالْغَيْرَةُ وَالْبِرُّ وَصِدْقُ الْحَدِيثِ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ؛ تقوا و قناعت و صبر و شکیبایی و شکر و بردباری و حیا و سخاوت

۱. مواعظ سعدی، ص ۱۱۴.

و شجاعت و غیرت و نیکوکاری و راستگویی و ادای امانت. (که مجموعاً دوازده صفت برجسته می‌شود).<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم: «مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ؛ کسی که به آنچه خدا به او روزی داده قانع باشد از غنی‌ترین مردم است».<sup>۲</sup>

سعدی گویا از همین احادیث بهره گرفته که در گلستان خود از سائلی نقل می‌کند که خطاب به گروهی از ثروتمندان چنین می‌گفت:

ای خداوندان نعمت! اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت  
رسم، سؤال از جهان برخواستی.

ای قناعت توانگرم گردان

که ورای تو هیچ نعمت نیست

گنج صبر اختیار لقمانست

هر که را صبر نیست حکمت نیست<sup>۳</sup>

### معنای قناعت

در تفسیر «قناعت» تعبیّرات مختلفی در منابع لغت و تعبیّرات بزرگان آمده که تضادی با هم ندارند:

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۶، ح ۳.

۲. همان، ص ۱۳۹، ح ۹.

۳. کلیّات سعدی، ص ۱۳۳.

بعضی قناعت را به معنای رضایت به آنچه خدا به انسان داده تفسیر کرده‌اند و برخی به راضی بودن به کمتر از نیازها و عده‌ای به رضایت به حداقل زندگی و گاه گفته‌اند قناعت آن است که انسان در برابر آنچه خدا به او داده است خشنود باشد و بیش از آن را طلب نکند و این همان حقیقتی است که بسیاری از بارهای زندگی را از دوش انسان بر می‌دارد.

### حُسْنُ خُلُق

دومین نکته‌ای را که در اینجا امام علیه السلام به آن اشاره فرموده همان حُسْنُ خُلُق است که آن را نعمتی مهم و با عظمت شمرده و به راستی حُسْنُ خُلُق هم نعمتی است در دنیا، چرا که قلوب مردم را به انسان متوجه می‌سازد و همه به عنوان انسانی با فضیلت به او می‌نگرند و هم مایه نجات وی در آخرت است، زیرا در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «أَكْثَرُ مَا تَلِيحُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ؛ بیشترین چیزی که امت من به وسیله آن وارد بهشت می‌شوند پرهیزگاری و حُسْنُ خُلُق است».<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است: «مَا يُوَضَّعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ؛ در ترازوی اعمال هیچ کس در قیامت چیزی بهتر از حُسْنُ خُلُق گذارده نمی‌شود».<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۶.

۲. همان، ص ۹۹، ح ۲.

## تفسیر حیات طیبه

اما جملهٔ اخیر امام علیه السلام اشاره به آیهٔ ۹۷ سورهٔ نحل است که می‌فرماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، به طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم». مفسران در تفسیر «حیاء طیبه» عبارات مختلفی دارند: بعضی آن را به قناعت آن‌گونه که امام علیه السلام در اینجا تفسیر فرموده، تفسیر کرده‌اند و برخی به عبادت توأم با روزی حلال و یا توفیق به اطاعت فرمان خدا<sup>۱</sup> و روشن است که این امور با هم منافاتی ندارد و حیات طیبه همهٔ آنها مخصوصاً قناعت را شامل می‌شود، زیرا قناعت، انسان را بی‌نیاز از مردم و آزاد از پیچ و خم‌های زندگی ثروتمندان می‌سازد و فرد می‌تواند آسوده خاطر و سربلند زندگی کند.<sup>۲</sup>

\*\*\*

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۲۷، ذیل آیهٔ ۹۷ سورهٔ نحل.

۲. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۳، ص ۷۵۱-۷۵۴.





## ویژگیهای مؤمن

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ، وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ، وَصَحَّتْ سِرِّيْرَتُهُ، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ كَلَامِهِ؛ مؤمن کسی است که کسب و کارش پاک و پاکیزه، اخلاقش خوب، و درون، نیت و باطنش درست است، اگر اضافه‌ای بر نیاز زندگی دارد می‌بخشد، و اضافات سخن را حذف می‌کند»<sup>۱</sup>.

ادّعی ایمان بسیار ساده، ولی رسیدن به حقیقت آن بسیار مشکل است. در این روایت امام علیه السلام پنج صفت برای مؤمن بیان می‌کند:

### ۱. پاکیزگی در کسب و کار

انسان باید بداند درآمدش از کجاست؟ آیا حلال است یا حرام؟ بسیاری کسانانی که ادّعی ایمان می‌کنند، ولی نحوه معیشت آنها

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۸.

شبهه‌ناک است. در زمان ما گروهی مدّعی ایمانند؛ امّا در آخر سال بازار سیاه درست می‌کنند و مردم را به زحمت می‌اندازند تا درآمد بیشتری بدست آورند، که این درآمد طیب مکسب نیست؛ یا در امور مربوط به ارثیه‌ها، دختران یا مادر را از ارث محروم می‌کنند که این برنامه زمان جاهلیت است؛

یا صندوقهایی به نام قرض الحسنه با سود ۲۸٪ یا ۳۰٪ به نام کارمزد درست کرده‌اند، در صورتی که کارمزد حداکثر ۴٪ می‌شود و بیشتر از آن رباست. یا مؤسّساتی مانند گلدکوئست و امثال آن، که یک نوع کلاهبرداری آشکار است.<sup>۱</sup>

در روایتی از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم:

«لَا قَرِينَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ؛ هیچ هم‌نشینی همچون حسن خلق نیست».<sup>۲</sup>

حُسن خُلُق جاذبه‌عجیبی دارد که همه را به سوی خود جلب و جذب می‌کند. انسان‌های بداخلاق، از داشتن دوستان صمیمی محرومند در حالی که افراد خوش برخورد و صاحب حُسن خلق همه افراد به دوستی آن‌ها افتخار می‌کنند.

درباره حُسن خُلُق در احادیث اسلامی تعبیرات بسیار بلندی آمده و نشان می‌دهد گشاده‌رویی و حُسن خُلُق از مهم‌ترین اموری است که اسلام بر آن تأکید دارد.

۱. شرح کار این مؤسّسات و ادلّه حرمت آن را در کتاب «بازاریابی شبکه‌ای یا کلاهبرداری مرموز» نوشته‌ایم.

۲. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۳۴، باب ۱۱۱۱، ح ۵۲۲۸.

## ۲. پاکی درون

مؤمن حسن خلقش ساختگی نیست؛ بلکه ظاهر و باطنش یکی است و در باطن هم خیرخواه مردم است. درون او پاک است و حسود و بخیل نمی باشد.

## ۳. انفاق در راه خدا

مؤمن اضافات اموالش را در راه خدا انفاق می کند. بسیار هستند کسانی که اموال را جمع کرد و فقط انباردار دیگرانند و در روز قیامت فقط باید جواب اموال را بدهند و بهره‌ای از آن نمی برند. باید توجه داشت وقتی انسان انفاق می کند، ابتدا به دست خدا می رسد. عده‌ای در ابتدای سال تمام لوازم منزل را نو می کنند، در مقابل عده‌ای باید حسرت بخورند، آیا اگر انسان وجدان داشته باشد این برایش گواراست؟!

## ۴. کم حرفی

مؤمن حرف زیادی نمی زند، چرا که بدبختی انسان در زیاد سخن گفتن اوست که دشمنی ایجاد کرده و انسان را از خدا غافل می کند و به سبب آن انسان وارد غیبت می شود. این روایت یک برنامه پنج ماده‌ای است که اگر پیاده شود تأثیر فراوانی دارد و بسیاری از مشکلات را حل می کند.<sup>۱</sup>

۱. مشکات هدایت، ص ۵۶-۵۸.



## اهمیت حُسن خُلق

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلاً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً؛ عَقْلُ كَسَىٰ مِنْ هَمِّهِ كَامِلٌ تَرِ اسْتِ كِه

اخلاقش از همه بهتر باشد».<sup>۱</sup>

در مورد حُسن خُلق روایات فراوانی داریم، و به قدری در این روایات به این فضیلت مهم اخلاقی اهمیت داده شده که در کمتر مسأله‌ای دیده می‌شود. تا آنجا که طبق برخی روایات «اسلام» مساوی با «حُسن خُلق» معرفی شده است. (الْإِسْلَامُ حُسْنُ الْخُلُقِ).<sup>۲</sup>

### رابطه کمال عقل و حُسن خُلق

راستی چه رابطه‌ای بین حُسن خُلق و کمال عقل وجود دارد که امام صادق علیه السلام عقل کسی را از همه کامل‌تر می‌داند که اخلاقش از همه بهتر باشد؟

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳، کتاب العقل والجهل، ح ۱۷.

۲. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۳۳، باب ۱۱۱۱، ح ۵۲۲۰.

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم: انسان به تنهایی نمی‌تواند به جنگ مشکلات مادی و معنوی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و مانند آن برود؛ زیرا مشکلات فراتر از نیرو و توان انسان است. در صورتی در این نبرد نابرابر پیروز خواهد شد که بتواند از نیروی دیگران هم استفاده کند و کسانی که توانایی جذب نیرو و کمک دیگران را نداشته باشند و به تنهایی به استقبال این خطرات بروند محکوم به شکست خواهند بود. حال باید دید که چگونه می‌توان این نیروی کمکی را به دست آورد؟ این کار روش‌های مختلفی دارد که یکی از بهترین آن روش‌ها، حُسن خلق و برخورد خوش با مردم است. بنابراین، کامل‌ترین مردم از نظر عقل کسی است که با برخورد خوش با مردم، همیشه آنها را در کنار خود داشته باشد.

#### حُسن خُلق معجزهٔ پیامبر ﷺ

همانگونه که قبلاً اشاره شد خداوند متعال در آیهٔ ۱۵۹ سورهٔ آل عمران حُسن خلق را از معجزات پیامبر اسلام ﷺ ذکر می‌کند ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ﴾ اگر اخلاق عظیم و برخورد فوق‌العاده زیبای پیامبر ﷺ نبود مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند؛ اما به واسطهٔ همان حُسن خلق مردم بر گرد آن حضرت جمع شدند.

یکی از مشکلات جوامع بشری آن زمان، مخصوصاً عرب جاهلی، این بود که نه عقلی داشتند و نه علمی و نه وحدتی؛ اما پیامبر اکرم ﷺ در میان همان مردم و با بهره‌گرفتن از همان

انسان‌ها، پایه حکومتی را گذاشت که اکنون بیش از ۵۰ کشور جهان تابع آن هستند و از مهم‌ترین رموز موفقیت آن حضرت، اخلاق خوش وی بود.

### حُسن خُلق در کلام معصومین علیهم‌السلام

به سه روایت کوتاه توجه فرمایید:

۱. حضرت رسول فرمود: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْإِيمَانَ قَالَ: اللَّهُمَّ قَوِّنِي فَقَوِّهِ بِحُسْنِ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءِ وَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْكُفْرَ قَالَ: اللَّهُمَّ قَوِّنِي، فَقَوِّهِ بِالْبُخْلِ وَسُوءِ الْخُلُقِ؛ هنگامی که خداوند متعال ایمان را آفرید، گفت: خدایا! مرا تقویت کن سپس خداوند او را به حُسن خُلق و سخاوت تقویت کرد و هنگامی که کفر را آفرید، گفت: خدایا! مرا تقویت کن و او را به بخل و اخلاق بد تقویت کرد».<sup>۱</sup>

توضیح این‌که: آنچه در این روایت آمده کنایه از آن است که حُسن خُلق و سخاوت دو رکن اساسی ایمان، و بخل و سوء خلق دو پایه اصلی کفر است، نه این‌که ایمان و کفر قبل از انسان آفریده شده باشند.

۲. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «رُبَّ عَزِيزٍ أَذَلَّهُ خُلُقُهُ، وَذَلِيلٍ أَعَزَّهُ خُلُقُهُ؛ چه بسا انسان عزیزی که سوء خلق او را به خاک ذلت نشانده، و انسان ذلیلی که حُسن خُلق او را عزیز کرده است».<sup>۲</sup>

۱. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۳۳، باب ۱۱۱۰، ح ۵۲۱۸.

۲. همان، ح ۵۲۱۹.



۳. حضرت علی علیه السلام فرمود: «عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ خُلُقِهِ؛ سرلوحه نامه اعمال مؤمن حُسن خُلق اوست».<sup>۱</sup> در روایت دیگر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حَبَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام عنوان صحیفه مؤمن شمرده شده است (عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام).<sup>۲</sup> و از این دو روایت استفاده می شود که مولا علی علیه السلام الگوی حُسن خُلق است که هم محبّت او و هم حسن خلقی که از او گرفته شده تیترا اصلی نامه اعمال است.

حضرت آن قدر خوش اخلاق بود که دشمنان گفتند چون زیاد شوخی می کند به درد خلافت نمی خورد!

راستی جوامع اسلامی و مسلمانان چقدر به این معجزه بزر اهمیت داده اند!<sup>۳</sup>

\* \* \*

۱. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۳۴، باب ۱۱۱۱، ح ۵۲۳۰.  
 ۲. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۲۹، ح ۴.  
 ۳. نخستین آفریده خدا، ص ۲۳-۲۶، ح ۲.

## برترین حسب و شرف

امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمودند:  
 «يَا بَنِيَّ... إِنَّ أَعْنَى الْعِنَى الْعَقْلُ وَأكْبَرُ الْفَقْرِ الْحُمَقُ وَأَوْحَشُ الْوَحْشَةِ  
 الْعُجْبُ وَأكْرَمُ الْحَسَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ؛... بالاترین سرمایه‌ها عقل  
 و بزرگ‌ترین فقر حماقت و بدترین تنهایی و وحشت خودبینی  
 و برترین حسب و نسب اخلاق نیک است».<sup>۱</sup>

### عقل مهم‌ترین سرمایه

انسان سرمایه‌هایی در اختیار دارد، از جمله سرمایه عمر، سلامتی، مال، آبرو و نفوذ اجتماعی و علم؛ ولی اگر این سرمایه‌ها زیر چتر عقل قرار نگیرد، از بین می‌رود: عالم نمی‌تواند از علمش استفاده کند و ثروتمند از ثروتش بی‌بهره می‌ماند همچنین در مورد سایر نعمت‌ها. کسی که همه چیز دارد، الا عقل؛ انسان فقیر

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۸، ج ۳۰، ص ۲۳۶.

و بی‌مایه‌ای است؛ زیرا مسئله مهم در سرمایه، تدبیر آن است، به این معنا که سرمایه را چگونه و در کجا خرج کند و این تنها عقل است که می‌تواند نعمت‌ها را در جای مناسب به کار بگیرد و به جا مصرف کند.

### خودبرترینی عامل تنهایی

امام در سومین جمله فرمودند: وحشت‌ناک‌ترین وحشت‌ها، عجب و خودبرترینی است. بالاترین تنهایی، خودبرترینی است؛ زیرا وقتی که کسی خود را از مردم برتر می‌بیند، مردم او را ترک می‌کنند و از او دور می‌شوند. نتیجه این کار تنهایی و وحشت است.

### برترین حسب و شرف

و در جمله آخر فرمودند: برترین حسب و شرف و شخصیت، اخلاق نیک است. این شرف و بزرگی را گاهی اوقات انسان از پدران خود کسب می‌کند؛ به این معنا که چون فرزند فلان شخصیت است مردم به او احترام می‌کنند؛ اما گاهی اوقات، خودش آن را به دست می‌آورد؛ مثلاً علم و دانش اوست که باعث شرف وی می‌شود. امام می‌فرماید: بالاترین شرف، حُسن خُلُق است که می‌تواند شخص را در دل‌ها جا بدهد؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ با جاذبه اخلاقی خود، در دل‌ها نفوذ کرد.

## سرچشمهٔ عجب

سرچشمهٔ اصلی این صفت ناپسند، عدم شناخت خویشتن است؛ زیرا اگر انسان خود را بخوبی بشناسد و کوچکی خود را در برابر عظمت و بزرگی خداوند در نظر بگیرد، هرگز دچار عجب و خودستایی نمی‌شود. عجب، گویای اعتقاد انسان به کمال خویشتن است؛ لذا باعث عقب ماندگی شخص می‌گردد؛ چون رمز تکامل انسان، اعتراف به تقصیر و قبول ضعف‌هاست.

خداوند در سورهٔ نجم، آیه ۳۲ می‌فرماید: ﴿فَلَا تُرْكَوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾؛ «پس خودستایی مکنید، خداوند پرهیزکاران را بهتر می‌شناسد».

سرچشمه خودستایی، همان عجب و غرور و خودبینی است که از تکبر و برتری جویی سر در می‌آورد.

عجب در کلام معصومین علیهم‌السلام

امام علی علیه‌السلام در خطبهٔ همام دربارهٔ صفات پرهیزکاران می‌فرماید: «لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ وَلَا يَسْتَكْبِرُونَ الْكَثِيرَ فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ إِذَا زُكِّيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ فَيَقُولُ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَرَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنِّي بِنَفْسِي اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ وَاجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَطُنُّونَ وَاعْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ؛ آن‌ها هرگز از اعمال کم خود راضی نیستند و هیچ‌گاه اعمال زیاد خود را بزر نمی‌شمردند و آن‌ها در همه حال خود را

در برابر انجام دادن وظایف متهم می‌شمرند و از اعمال خویش بیمناکند. هنگامی که کسی یکی از آنان را بستاید، از آنچه در حق آن‌ها می‌گوید، وحشت می‌کند و چنین می‌گوید: من به حال خود از دیگران آگاه‌ترم و خدا نسبت به من از من آگاه‌تر است. پروردگارا! به این ستایشی که ستایشگران در حق من می‌کنند، مرا مؤاخذه مکن و مرا از آنچه گمان می‌برند نیز برتر قرار بده و آنچه را آن‌ها از خطاهای من نمی‌دانند، بر من بیخش!»<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: «لَا يَفْتَخِرُ أَحَدُكُمْ بِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ وَصِيَامِهِ وَزَكَاتِهِ وَنُسُكِهِ، لِإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَعْلَمُ بِمَنْ اتَّقَى مِنْكُمْ؛ هَيْجَ كَسٍ مِنْكُمْ نَبَايِدَ بِه زِيَادِي نَمَاز وَرُوزَه وَزَكَات وَمَنَاسِك حَج وَعَمْرَه اش اِفْتَخَار كُنْد؛ چُون خَدَاوَنَد پَرهِيْز كَارَان شَمَا رَا از هَمِه بَهْتَر مِي شَنَاسَد.»<sup>۲</sup>

در حدیث دیگری آمده است که: «الْعُجْبُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ عَجَب، نِيكِي هَاي اَنَسَان رَا از بِيْن مِي بَرَد، هَمَان كُونِه كِه آتَش، هِيْزَم رَا نَابُود مِي كُنْد.»<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ أَنْ تَرْضَى عَنْ نَفْسِكَ فَيَكْثُرَ السَّخَطُ عَلَيْكَ؛ مَبَادَا از خُود رَاضِي بَاشِي كِه در اَيْن صُورَت، نَارَاضِيَان از تُو زيَاد مِي شُونَد!»<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ج ۲، ص ۳۴۲.

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۶۵، ح ۷۷.

۳. روح البیان، ج ۸، ص ۵۲۲.

۴. شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۹۰.

امام صادق علیه السلام فرمود: «قَالَ إِبْلِيسُ - لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ - لَجُنُودِهِ: إِذَا اسْتَمَكَّنْتُ مِنْ ابْنِ آدَمَ فِي ثَلَاثٍ لَمْ أَبَالِ مَا عَمِلَ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ مِنْهُ: إِذَا اسْتَكْتَرَ عَمَلَهُ، وَنَسِيَ ذَنْبَهُ، وَدَخَلَهُ الْعُجْبُ؛ ابليس - که لعنت خدا بر او باد! - به لشکریانش گفت: اگر در سه چیز بر فرزند آدم چیره شوم، دیگر باکی ندارم که چه کاری بکند؛ زیرا از او پذیرفته نمی شود: هرگاه عملش را زیاد بشمارد و گناهش را از یاد ببرد و خودپسند شود».<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: «مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْعُجْبِ؟ وَأَوَّلُهُ نُطْفَةٌ مَذْرُوءَةٌ، وَآخِرُهُ جِيفَةٌ قَذْرَةٌ، وَهُوَ بَيْنَ ذَلِكَ يَحْمِلُ الْعَذْرَةَ؟ آدمیزاد را چه به خودپسندی؟! آغازش نطفه‌ای گندیده است و فرجامش مرداری پلید و او در این میان، حامل کثافت است».<sup>۲</sup>

آری! طبق فرموده امام علی علیه السلام، راهکار معالجهٔ عجب و خودپسندی این است که انسان به خلقت اولیهٔ خود بنگرد که از چه چیز آفریده شده است.<sup>۳</sup>

\* \* \*

۱. الخصال، ص ۱۳۰، ح ۷۷.

۲. شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۹۸، ح ۹۶۶۶.

۳. گفتار معصومین علیهم السلام، ح ۳، ص ۲۹۳-۲۹۶.



## بهترین‌ها

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«خَيْرُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا، الَّذِينَ يَأْتُونَ وَيُؤْتُونَ؛ بهترین شما کسی است که اخلاقش از همه بهتر باشد و آنها کسانی هستند که هم خود با مردم الفت و جوشش دارند و هم بین مردم الفت ایجاد می‌کنند»<sup>۱</sup>.

### اهمیت اخلاق

در این حدیث شریف سخن از علم و دانش و سخاوت و عبادت به میان نیامده؛ بلکه سخن از اخلاق است. حُسن خُلق، جوشش با مردم، محبت و خوشرویی، تبسم، سخنان محبت‌آمیز، ادب در گفتار و مانند آن از مسایلی است که در دین مقدس اسلام اهمیت زیادی به آن داده شده است تا آنجا که خداوند از آن به «رحمت الهی» تعبیر کرده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ»؛ «به سبب رحمت الهی، در برابر مؤمنان، نرم و مهربان شدی» سپس فرمود:

۱. تحف العقول، ص ۳۲.



﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾؛ «و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند».<sup>۱</sup>

### اخلاق نیکو از معجزات پیامبر ﷺ

یکی از ویژگی‌های مهم رهبر هر جامعه‌ای جاذبه و کشش اوست، که با آن می‌تواند مردم را به گرد خویش جمع کند. جاذبه علمی خوب است، جاذبه مالی نیکوست، کشش حاصل از سخاوت شایسته است، ولی مهم‌ترین جاذبه، جاذبه اخلاقی است. یعنی به شکلی باشد که مردم همچون پروانه بر گرد وجود او بچرخند. و پیامبر اسلام ﷺ این ویژگی مهم را در حدّ اعلای آن داشتند، تا آنجا که می‌توان آن را یکی از معجزات آن حضرت دانست. انسانی با این همه محبت و گذشت در میان یک ملت خشن و کینه‌توز، که کینه و خشونت را برای فرزندان خود به ارث می‌گذاشتند، و قساوت قلب آنها به حدّی بود که فرزندان دختر خود را با دست خود زنده به گور می‌کردند، واقعاً معجزه است.

### پیامبر ﷺ و جوان خشن

جوان عربی خدمت آن حضرت رسید. عبای پیامبر ﷺ را با خشونت و عصبانیت گرفت و به دور گردن مبارک مجسمه محبت و مهربانی پیچید و آن قدر آن را فشار داد که آثارش بر گردن

۱. آل عمران، آیه ۱۵۹.

حضرت باقی ماند. سپس از آن حضرت تقاضای کمک مالی کرد! اصحاب پیامبر که از این حرکت گستاخانه و خشن آن جوان بسیار ناراحت شده بودند به او حمله‌ور شدند. پیامبر ﷺ مانع آنها شد و با محبت با او رفتار کرد و نیازش را برطرف ساخت. سپس این نکته روانی تربیتی را بیان فرمود: «یک شتر چموش را اگر تعقیب کنی و دنبالش بروی و فریاد بر سرش بکشی عصبانی‌تر می‌شود، بدین جهت باید آهسته به سراغ او رفت و با محبت و ملایمت او را رام کرد».<sup>۱</sup> بشر نیز چنین است، در مقابل خشونت باید محبت نشان داد، نه خشونت.

### چرا خشونت؟

حال که یکی از معجزات پیامبر ﷺ اخلاق خوش بوده، چرا ما خوش اخلاق نباشیم؟! به چه دلیل متوسل به خشونت می‌شویم؟! چرا در مقابل یک کلمه درشت، چند برابر آن را پاسخ می‌دهیم؟! چرا بی‌محبتی را با محبت جواب نمی‌دهیم؟! باید آن پیشوایان بزرگوار را الگوی خود قرار دهیم و با مردم جوشش و الفت داشته باشیم، بلکه افراد پراکنده را با هم جوشش دهیم. جامعه اسلامی زمانی اسلامی می‌شود که همه افراد با هم بجوشند. با توجه به این که دشمن سعی می‌کند دین اسلام را یک مکتب خشن معرفی کند، باید در عمل ثابت کنیم که دین ما دین محبت و مهربانی است.

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۶، ح ۱۳؛ سفینة البحار، ج ۲، ص ۶۸۲.



## نشانه‌های کرامت

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ثَلَاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى كَرَمِ الْمَرْءِ: حُسْنُ الْخُلُقِ، وَكَظْمُ الْعَيْظِ، وَعَظُّ  
الطَّرْفِ؛ سه چیز دلالت بر کرم انسان دارد: اخلاق خوش و فرو بردن  
خشم و چشم پوشی کردن».<sup>۱</sup>

### معنای کرم

کرم در فارسی امروز، با معنای عربی آن تفاوت دارد. در فارسی  
به معنای بخشش وجود و سخاوت است، اما در عربی هر چند گاه  
به این معنا استعمال می‌شود، ولی معنای اصلی آن شخصیت  
و بزرگواری است.

خداوند متعال در آیه شریفه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ  
كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۲، ح ۳۴.

وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛ و آنها را در صحرا و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) سوار کردیم؛ و از نعمت‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم». در این آیه شریفه، کرم در معنای شخصیت و ارزشمند بودن انسان به کار رفته است.

و در آیه شریفه ۱۳ سوره حجرات می‌خوانیم: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾؛ «به یقین گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

در این آیه شریفه نیز کرم به معنای جود و بخشش نیست. مکارم اخلاق هم به معنای ارزش‌های اخلاقی است. بنابراین، کرم در لغت عرب به معنای شخصیت است و طبق روایت مورد بحث، شخصیت انسان با سه چیز شناخته می‌شود:

#### ۱. اخلاق خوش

برخورد خوب با دیگران و رعایت ادب و حُسن معاشرت بسیار مهم است و اسلام تأکید فراوانی نسبت به آن دارد، و گاه معجزه می‌کند.

**سؤال:** چرا حُسن خُلُق نشانه شخصیت است؟

**جواب:** چون افراد بزرگوار ناراحتی‌های خود را در درون نگه داشته و آن را بروز نمی‌دهند و دیگران را شریک غم خود نمی‌کنند.

در روایتی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ؛ گنج‌های روزی در سایه اخلاق نیکو به دست می‌آید.»<sup>۱</sup> چرا ما از این سرمایه تمام‌نشدنی استفاده نمی‌کنیم. ۵۰٪ اثر تبلیغات یک مبلغ دینی نتیجه حُسن خُلق و ۵۰٪ بقیه، ثمره مطالب علمی است. بنابراین، از حُسن خُلق غافل نشویم.

## ۲. کنترل خشم

نشانه دیگر شخصیت انسان کظم غیظ است. «کظم» در لغت به معنای بستن دهانه مشک است. انسان بی‌شخصیت خشم خود را کنترل نمی‌کند، دهانش را باز و چشمانش را بسته و هر چه بر زبانش جاری شود می‌گوید.

البته خشم‌های مقدسی هم داریم که از این امر مستثنی است. مثلاً در حدیثی آمده که خداوند دستور داد شبانگهان قومی را عذاب کنند. هنگامی که مأموران عذاب به آن محل رسیدند مشاهده کردند پیرمردی در دل شب مشغول راز و نیاز است. از خداوند پرسیدند: همه اهالی این شهر را مجازات کنیم؟ فرمود: بله. پرسیدند: مجازات پیرمرد عابد برای چیست؟ فرمود: «لَمْ يَتَعَمَّرْ وَجْهَهُ غَيْظًا لِي قَطُّ؛ هرگز به خاطر خشنودی من غضبناک نشد!»<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۳، ح ۴.

۲. همان، ج ۵، ص ۵۸، ح ۸.

## ۳. چشم‌پوشی کردن

«غض» به معنای نقصان است و غضُّ بصر به معنای فرونگریستن و نگاه را ناقص کردن می‌باشد. یعنی به طرف مقابل زُل نمی‌زند؛ بلکه نگاهش را می‌شکند و چشم از او فرو می‌بندد. در ضمن، غضُّ بصر در اینجا معنای وسیعی دارد؛ چون متعلّق آن ذکر نشده است. به نامحرم نگاه نمی‌کند. به عیوب مردم چشم نمی‌دوزد. خطاهای کوچک دیگران را نمی‌بیند. از زرق و برق دنیا چشم می‌پوشد. خلاصه این که از هر آنچه سزاوار چشم‌پوشی است، چشم می‌پوشد.

خداوندا! به ما توفیق بده که با حُسن خُلُق و فروبردن خشم و چشم‌پوشی از گناهان و امور ناشایست، شخصیت خود را روزبه‌روز ارتقا بخشیده و انسان‌های کریمی شویم.

\* \* \*







## درهای نیکوکاری

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ، وَطَيْبُ الْكَلَامِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى؛ سه چیز از درهای نیکوکاری محسوب می‌شود: سخاوت نفس، خوش‌زبانی و صبر در مقابل ناملایمات»<sup>۱</sup>.

### مفهوم گسترده نیکوکاری

بِرّ، به معنی نیکوکاری، مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و تمام نیکوکاری‌ها را شامل می‌شود؛ نیکوکاری‌های معنوی، مادی، فردی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن. این که خداوند متعال در آیه شریفه ۴۴ سوره بقره می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»؛ «آیا مردم را به نیکی (و ایمان) به پیامبری که صفات او در تورات آمده) دعوت می‌کنید، امّا خودتان را فراموش می‌نمایید؟!» معنای وسیعی دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۹، ح ۴۱.

یکی از لغویین می‌گوید: «بِرٌّ» از «بَرٌّ» به معنی بیابان گرفته شده است و از آن جا که بیابان وسیع و گسترده است، بدین جهت عرب به هر کاری که زندگی انسان را وسیع کند و گسترش دهد «بِرٌّ» می‌گوید.<sup>۱</sup> «بِرٌّ» یکی از صفات خداوند متعال است: «إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ»<sup>۲</sup>.

به هر حال حضرت علی علیه السلام سه کار را به عنوان در ورودی ابواب برّ معرفی کرده است:

### اوّل: سخاوت نفس

منظور از سخاوت نفس این است که این فضیلت اخلاقی به گونه‌ای در وجود انسان ریشه‌دار شود که قلباً از سخاوت خوشحال شود. چون گاهی انسان سخاوت را بر خویشتن تحمیل می‌کند، برای درک ثواب بخشش می‌کند، ولی با اکراه؛ اما گاهی به هنگام سخاوت قلبش شاد می‌گردد و وجودش آرام می‌شود، چنین سخاوتی در درون جان انسان نفوذ کرده و بسیار عالی است.

ما نباید فراموش کنیم که خداوند حوایج بسیاری از بندگانش را به وسیله ما انجام می‌دهد و تصوّر نکنیم که هر چه داریم مخصوص خود ماست؛ بلکه گاه ما تنها واسطه هستیم. و خوشا به حال بندگانی که واسطه بین خداوند و نیازمندان هستند. خداوند

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ذیل آیه ۲۸ سوره طور.

۲. سوره طور، آیه ۲۸.

متعال این مطلب را به صورت زیبایی در آیه هفتم سوره حدید چنین بیان کرده است:

﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ﴾؛ «به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید».

شرح مسأله انفاق در زندگی ائمه اطهار علیهم السلام کتاب جداگانه‌ای می‌طلبد، برخی از ائمه علیهم السلام در طول عمر بابرکشان چندین بار تمام اموال خود را با فقرا تقسیم کردند<sup>۱</sup> و داستان سوره دهر نمونه بارز این ادعا است.<sup>۲</sup>

### دوم: خوش زبانی

سخن نرم و اخلاق خوش سرمایه‌ای است که تمام نمی‌شود. سرمایه مالی انسان محدود و توقع و نیاز نیازمندان نامحدود است، و روشن است که محدود پاسخ‌گوی نامحدود نیست. اما خداوند حکیم سرمایه نامحدودی به نام زبان خوش به انسان داده تا در مقابل توقع نامحدود نیازمندان پاسخگو باشد.<sup>۳</sup> باید با آنان با زبان

۱. مرحوم حاج شیخ عباس قمی در منتهی الآمال، ج ۱، ص ۴۱۷، به نقل از امام صادق علیه السلام می‌گوید: «امام حسن علیه السلام سه مرتبه تمام دارایی خویش را با فقرا تقسیم کرد، نصف آن را برای خود برداشت و نصف دیگر را به فقرا داد!».

۲. مشروح این داستان را به نقل از منابع اهل سنت در کتاب «آیات ولایت در قرآن» آورده‌ایم.

۳. پیامبر اکرم (ص) در روایت زیبایی، که در مرآت العقول، ج ۸، ص ۱۷۶ آمده، فرمودند:

خوش و به دور از خشونت و تندى برخورد کرد. اگر نمى توان از نظر مادى کمک کرد باید به نرمى و ملاحظت جواب آن‌ها را گفت. کارى که ادب مى کند ده‌ها استدلال نمى کند. طيب کلام، مخصوصاً در زمان ما، که ما را متهم به خشونت مى کنند، جاذبه عجيبي دارد.

### سوم: تحمّل ناملايمات

دنيا محلّ مشکلات و سختى‌ها و ناملايمات است؛ مصيبت، خشکسالى، قحطى، زلزله، سيل، بيمارى‌هاى مختلف و مانند آن، همگى ناملايمات اين دنياست. بچه‌هاى همسايه ايجاد مزاحمت مى کنند، در نانوایى نوبت را مراعات نمى کنند، به هنگام رانندگى برخوردهايى به وجود مى آيد و ناملايمات ديگرى که همه روزه با آن روبرو هستيم، بايد همه اين‌ها را تحمّل کرد و با زبان خوش تذکر داد، تا بتوان به دروازه‌هاى نيكوكارى رسيد.<sup>۱</sup>

\* \* \*

---

→ «ای فرزندان عبدالمطلب! شما با اموال و دارایی تان نمى توانيد مردم را از خود راضى کنید، اما مى توانيد با خوشرویی و اخلاق نيكو به اين هدف مهم دست يابيد».  
۱. صد و ده سرمشق از سخنان حضرت علي عليه السلام، ص ۱۳۳-۱۳۵، ح ۴۸.

## اظهار محبت

حضرت رسول ﷺ فرمود:

«التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ؛ اظهار محبت به دیگران نیمی از عقل است».<sup>۱</sup>

«محبت» با «تودد» که موضوع بحث در روایت مذکور است، تفاوت دارد؛ زیرا محبت دارای مفهوم عامی است که شامل هر دو شکل محبت قلبی و اظهار محبت می‌شود؛ ولی تودد در جایی است که علاوه بر محبت قلبی، آن را اظهار و ابراز کند.

### نقش محبت در جامعه اسلامی

افراد جامعه اسلامی بسان آجرهای یک بنای عظیم هستند. اگر آجرها را بدون چسب و ملاط روی هم بچینند، طوفان یا زلزله ضعیفی همه بنا را ویران می‌کند؛ لذا وجود ملاط یا چسب بین

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۲۹، ح ۵.

آجرها لازم و ضروری است و در این صورت، ساختمان از استحکام بیش تری برخوردار خواهد شد. استحکام سدّ اسکندر که به صورت ضرب المثل درآمده،<sup>۱</sup> به خاطر آن بوده که ملاط آن فلز مذاب بوده است.

جامعه اسلامی باید دارای محبّت و مودّت باشد، محبّتی که آن‌ها را همچون یک ساختمان، مجموعه‌ای واحد و یکدست سازد. به قول سعدی:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند<sup>۲</sup>

### عقل به چه معناست؟

سوال: آیا منظور از عقل در این جا «عقل معاد» است، یا «عقل

معاش»؟

جواب: ظاهراً به هر دو معناست؛ چرا که اگر مودّت داشته باشد، در قیامت هم به شفاعت بر می‌خیزد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: چنان در میان مردم زندگی کن که در حال حیات و زندگی به سراغت بیایند و پس از مرگ برایت اشک بریزند.<sup>۳</sup>

آری نیمی از عقل در تودّد و محبّت و نیم دیگر آن، امور دیگر است.

۱. شرح بیش تر را در لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۲۳۵۶ واژه اسکندر مطالعه فرمایید.

۲. کلیات سعدی، ص ۸۸.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۰، ج ۳، ص ۲۲۶.

### روش محبت کردن

در روایتی از حضرت صادق علیه السلام در مورد روش محبت کردن چنین آمده است: «إِذَا أَحْبَبْتَ أَحَدًا مِنْ إِخْوَانِكَ فَاعْلَمْهُ ذَلِكَ فَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي»؛ هنگامی که شخصی را دوست داری، محبت را به وی ابراز کن؛ به خاطر این که حضرت ابراهیم گفت: پروردگارا! به من بنمایان که چگونه مردگان را زنده می کنی!» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟!» گفت: «آری [ایمان آورده ام] ولی می خواهم قلبم آرامش یابد».<sup>۲</sup>

معنای روایت این است که محبت درجاتی دارد؛ همان گونه که اعتقادات دارای درجاتی است. هرچند دوست می داند که او را دوست داری؛ دوستی ات را به وی اعلان کن، تا قوی تر شود. از جمله اسباب محبت، عیادت بیماران، تسلی دادن مصیبت زدگان، شرکت در غم و شادی مردم، یاری رساندن به مردم در مشکلات، مشورت دادن به آنها، واموری از این قبیل است.<sup>۳</sup>

### تبلیغ چهره به چهره

اخیراً مبلغان مسیحی و برخی از روحانیون اهل سنت، برای

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۱.

۳. آداب معاشرت در اسلام، ص ۶۳ و ۶۴، ح ۱۲.



تبلیغ از روش تبلیغ خانه به خانه و چهره به چهره استفاده می‌کنند؛ یعنی به جای این‌که در مجالس عمومی به سخنرانی و تبلیغ بپردازند، به صورت خصوصی با تک تک افراد چهره به چهره بحث می‌کنند. تجربه نشان داده است که نتیجه این‌گونه تبلیغ‌ها بهتر، و اثر آن بیش‌تر است.

بتازگی در میان مبلغان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیز این روش مورد استفاده قرار گرفته، و برخی از مبلغان علاوه بر روش سنتی، به این نوع تبلیغ نیز روی آورده‌اند. این کار، نوعی «تودّد الی الناس» به شمار می‌رود که نصف عقل شمرده شده است. این روش، مخصوصاً در مورد جوانان که دوست دارند به آن‌ها بها داده شود، تأثیرگذارتر است. البتّه آنچه گفته شد یک مصداق «تودّد» است و تودّد به آنچه گفته شد، منحصر نیست.<sup>۱</sup>

\* \* \*

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۲۴۳ و ۲۴۴، ح ۱.

## شوخی در حد اعتدال

یونس شیبانی می گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید:  
 «كَيْفَ مُدَاعَبَةُ بَعْضِكُمْ بَعْضًا؟ قُلْتُ: قَلِيلٌ قَالَ: فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمُدَاعَبَةَ  
 مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا الشُّرُورَ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ  
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ؛ أَيَا بَا هَمْدِيْغَرِ شُوخِي وَمَزَاحُ  
 مِي كَنِيْد؟ عَرَضَ كَرْدَم: كَم. [مجالس ما خشک است] فرمود: این  
 کار را ترک کنید؛ زیرا شوخی نشانه اخلاق خوش و نیکوست  
 و شما به وسیله مزاح قلب برادر مؤمن خود را شاد می کنید و سیره  
 رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بود که با دیگری شوخی می کرد، تا به این  
 وسیله او را شاد کند»<sup>۱</sup>.

### شوخی مجاز است یا غیر مجاز

یکی از آداب معاشرت، شوخی هایی است که در جلسات

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۸۰، ح ۴.

مختلف صورت می‌گیرد، که در ظاهر مسأله‌ای ساده، اما حقیقتاً مهم و روایات فراوانی<sup>۱</sup> در مورد آن وارد شده است.

روایات مذکور یکسان نیستند. گروهی از روایت -مانند روایت بالا- آن را مجاز دانسته و نسبت به آن تشویق می‌کند، و گروهی دیگر -مانند روایت زیر- از آن نهی می‌کند:

حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَالْمِرَاحَ فَإِنَّهُ يَجْرُ السَّخِيمَةَ وَيُورِثُ الضَّعِيفَةَ وَهُوَ السَّبُّ الْأَصْغَرُ؛ از شوخی پرهیزید که باعث عصبانیت طرف مقابل می‌شود، و از خود کینه به جای می‌گذارد، و فحش کوچک‌تر محسوب می‌شود».<sup>۲</sup>

**سؤال:** چگونه می‌توان بین این دو گروه روایت به ظاهر متناقض جمع کرد و تناقض ظاهری آن را برطرف کرد؟

**جواب:** به دو طریق می‌توان بین آن‌ها جمع کرد:

۱. منظور از گروه اول، یعنی روایاتی که شوخی کردن را مجاز دانسته و نسبت به آن تشویق می‌کند، مزاح‌ها و شوخی‌هایی است که ایجاد سرور می‌کند و با کار خلاف شرع و معصیتی همراه نیست، و لذا مجاز است.

و گروه دوم، ناظر بر به شوخی‌های نیش‌دار است که گوینده به وسیله آن قصد انتقام از طرف مقابل را دارد و لذا باعث عصبانیت او می‌شود و ثمره‌اش کینه است.

۱. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵۸، باب ۱۰۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۸۳، ح ۹.

آری گاه تصفیه حساب‌های شخصی در قالب شوخی صورت می‌گیرد. در تاریخ ملاحظه می‌کنیم که دلک‌هایی در دربار شاهان بودند و اطرافیان شاه هر زمان نمی‌توانستند مقاصد خود را به طور جدی با شاه مطرح کنند، به وسیله دلکک و با استفاده از زبان مزاح و شوخی بیان می‌کردند.

۲. روایات مذکور در مجموع دلالت دارد که در شوخی - همانند دیگر مسایل - افراط و تفریط ممنوع است. نه مجالس خشک و بی‌روح مورد تأیید اسلام است و نه زیاده‌روی در مزاح و شوخی. بنابراین، این‌که بعضی تصور می‌کنند مؤمن باید اخمو و خشک باشد، صحیح نیست. همان‌گونه که زیاده‌روی در مزاح باعث می‌شود شخصیت انسان سبک و آبروی وی در معرض خطر قرار گیرد.

### رعایت اعتدال، سفارش اسلام در هر چیز

علمای اخلاق، صفات «فضیلت» را حدّ وسط دو رذیله در جانب افراط و تفریط می‌دانند. هرچند این مطلب کلیت ندارد؛ اما غالباً چنین است؛ مثلاً محبت به دنیا اگر سر از افراط درآورد، به دنیاپرستی تبدیل می‌شود و شخص دنیاطلب، برای رسیدن به آن، به هر کاری دست می‌زند و اگر جانب تفریط را طی کند و بیش از حدّ، به دنیا بی‌اعتنا شود، دست از کار و فعالیت برداشته، محتاج دیگران می‌شود و به آبرویش هم خدشه وارد می‌گردد. هم افراط و هم تفریط غلط و حدّ اعتدال آن مطلوب است.

این مشکل در نظام اقتصادی دنیا نیز وجود دارد؛ مثلاً کمونیست‌ها، که در حال زوالند، با لغو مالکیت شخصی، انگیزه فعالیت‌های اقتصادی را از بین بردند. بدین جهت روسیه در دوران کمونیست و سوسیالیزم عقب افتاد و از سوی دیگر، نظام سرمایه داری جانب افراط را پیمود و با حاکم کردن مالکیت شخصی بر همه چیز، کار را به جایی رساند که بشر برای کسب درآمد بیش‌تر به بزرگ‌ترین جنایات؛ نظیر تجارت انسان، مواد مخدر، سلاح‌های مرگبار و کشتار جمعی آلوده شد. اسلام هر دو را مایه بدبختی می‌داند و به اعتدال توصیه می‌کند.<sup>۱</sup>

\* \* \*

---

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۱۷-۱۲۰، ج ۲.

## ادخال سرور در قلب مؤمن

امام باقر علیه السلام فرمود:

«تَبَسُّمُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ، وَ صَرْفُهُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ، وَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِمِثْلِ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ؛ لِيَخْنُدَ زَدَنَ فِي رِجْلِ مُؤْمِنٍ حَسَنَةٌ، وَ بِرِطْرَفِ كَرْدَنِ مَوَانِعِ مَزَاحِمِ مِنْ مَسِيرِ رِجْلِ مُؤْمِنٍ نِيز حَسَنَةٌ، وَ خِدَاوَنَدَ بِهٖ هَيْجِ چيز مَانَنَدَ شَاد كَرْدَنِ دَلِ مُؤْمِنَانِ عِبَادَتِ نَشَدَهٗ اسْت.»<sup>۱</sup>

### محبت یا خشونت؟

برخلاف آنچه دشمنان تبلیغ می‌کنند و سعی دارند اسلام را آیین خشونت معرفی کنند، اسلام آیین محبت و برخورد نرم و مؤدبانه است. سه جمله از روایت مذکور به همین مطلب اشاره دارد:

۱. در جمله اول، تبسم و لبخند مؤمن را در برابر برادران مؤمنش

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۸۴، ح ۲.

دارای حسنه و ثواب می‌داند و بدین وسیله مسلمانان را به برخوردی خوب توأم با تبسم و شادی، تشویق و دعوت می‌کند.

۲. در جملهٔ دوم، برطرف کردن «قذی» از مؤمن دیگر را حسنه می‌شمارد. «قذی» در لغت، معنای وسیعی دارد و فقط به معنای خاشاکی که در چشم می‌رود، نیست؛ بلکه عرب هرچیز ریز مزاحمی را که در ظرف آب یا لباس یا در چشم یا غیر آن باشد، «قذی» می‌گوید، که اگر آن را برطرف کنی، ثواب آن را در نامهٔ اعمال می‌نویسند.

۳. در جملهٔ سوم، شاد کردن دل مؤمن را در ردیف عبادات، بلکه از افضل عبادات می‌شمرد، تا آن‌جا که می‌گوید خداوند به هیچ عبادتی همچون شاد کردن قلب مؤمن عبادت نشده است. راستی دل به دست آوردن چقدر مهم است و لذا شاعر می‌گوید:

تا توانی دلی به دست آور      دل شکستن هنر نمی‌باشد<sup>۱</sup>

### افسردگی، مشکل عصر ما

یکی از مشکلات مردم که آن‌ها را از کار و زندگی باز می‌دارد، غم و اندوه و افسردگی است. امروزه متأسفانه هر کس به نوعی گرفتار آن است و این مشکل دارای علل و عوامل مختلفی است؛ نظیر مشکلات اقتصادی، خانوادگی، بیماری، ورشکستگی، عقب

۱. امثال و حکم، ج ۱، ص ۵۳۰.

افتادگی تحصیلی، در دسرهای ازدواج و مانند آن و اگر در رفع آن‌ها تلاش نشود باعث بروز بیماری افسردگی می‌شود.

بدون شک از ابزار مقابله با آن، می‌توان به ایمان به خدا و توکل بر پروردگار نام برد. مؤمن به خدا در مواجهه با مشکلات، می‌گوید: ای خدایی که حلّ مشکل‌ترین مشکلات برای تو سهل و آسان است، مشکل مرا حلّ کن. متوکل بر چنین پروردگاری، هرگز مأیوس و ناامید نمی‌شود چون معتقد است در هر قدمی فرجی است.

انسان‌های مؤمن متوکل نه تنها خود در برابر مشکلات تسلیم نمی‌شوند، بلکه برای حلّ اندوه و غم دیگران نیز سعی و تلاش می‌کنند.

### ادخال سرور عملی

یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام خدمت حضرت عرض کرد: از شیعیان شما و ساکن ری هستم. فرمانداری از شیعیان شماست که تقیّه می‌کند. مالیات سنگین ظالمانه‌ای برای من تعیین شده که اگر شما نامه‌ای برای ایشان بنویسی، مشکل من حل خواهد شد. حضرت نامه‌ای به این مضمون برای او نوشت:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اعْلَمُ أَنَّ لِلَّهِ تَحْتَ عَرْشِهِ ظُلًّا لَا يَسْكُنُهُ إِلَّا مَنْ أَسَدَىٰ إِلَىٰ أَخِيهِ مَعْرُوفًا أَوْ نَفَسَ عَنْهُ كُرْبَةً أَوْ أَدْخَلَ عَلَىٰ قَلْبِهِ سُورًا وَ هَذَا أَحْوَكُ وَ السَّلَامُ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان. آگاه باش که خداوند در زیر عرشش سایبانی دارد که در آن جا سکنا نمی‌گیرند،



مگر کسی که چیز مفیدی برای برادر مؤمنش فراهم کند؛ یا غم و غصّه‌ای را از دل او بردارد؛ یا قلبش را شاد کند و این شخص برادر دینی توست. والسلام».

آن شخص وقتی نامه حضرت را دید، آن را بوسید و بر دیده نهاد و مشکل آن فرد گرفتار را حل کرد.<sup>۱</sup> و این ادخال سرور عملی است.<sup>۲</sup>

\*\*\*

۱. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۷۴، ح ۱۶.

۲. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۲۰-۱۲۲، ح ۳.

## روی گشاده؛ سرمایه تمام نشدنی

پیامبر گرامی اسلام ﷺ خطاب به فرزندان عبدالمطلب فرمود:  
 «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوْمُ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ  
 الْبِشْرِ؛ شما نمی‌توانید همه مردم را با اموالتان راضی کنید؛ بنابراین،  
 با آن‌ها با روی گشاده و چهره‌ای باز و خندان ملاقات و از این طریق  
 رضایتشان را جلب نمایید.»<sup>۱</sup>

### چگونه توقعات نامحدود را پاسخ دهیم؟

در این روایت ارزشمند که با الفاظ مختلف در جلد‌های  
 گوناگون بحارالانوار ذکر شده است<sup>۲</sup> آن حضرت به نکته مهمی  
 اشاره دارد و آن این‌که سرمایه‌های مادی مردم محدود و توقعات  
 آنان نامحدود است؛ لذا پیامبر اکرم ﷺ سرمایه نامحدودی را  
 معرفی می‌کند که می‌توان با آن توقعات نامحدود مردم را پاسخ داد

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۹، ح ۳۶.

۲. همان، ص ۱۵۹؛ ج ۷۷، ص ۱۶۶ و ص ۳۸۴.

و آن عبارت است از برخورد خوب و اخلاق خوش و چهره گشاده توأم با محبت و مهربانی. حقیقتاً حُسن خُلق سرمایه انسان‌ها در موفقیت‌های آنهاست.

کسانی در سیاست و تجارت موفقند که با دیگران برخورد خوبی داشته باشند. استاد و معلّمی در تعلیم و تربیت توفیق خواهد داشت که با دانش‌آموختگان خود رابطه‌ای محبت‌آمیز برقرار کند. روحانی‌ای را می‌توان موفق دانست که با چهره گشاده و زبان خوب و منطق شیرین با مردم سخن بگوید.

به راستی با توجه به این‌که پیامبر اکرم ﷺ با استفاده از همین سرمایه، دل‌ها را تسخیر کرد؛ چرا بعضی از مسلمان‌ها اخمو و خشن و بدزبان هستند؟! آیا این کردار و گفتار برخلاف دستور پیامبر اسلام ﷺ نیست؟

### راز موفقیت عالم روستایی!

یکی از سیاستمداران قدیم که در قم سخنرانی می‌کرد، گفت: سفری به یکی از روستاهای همدان داشتم، دیدم عالم و روحانی آن روستا محبوبیت عجیبی در میان مردم دارد، با این‌که از نظر علمی رتبه بالایی ندارد. تعجب کردم و چندی رفتارش را زیر نظر گرفتم. متوجه شدم راز محبوبیت و موفقیت آن عالم، اخلاق خوب و برخورد زیبای او با مردم است.

هنگامی که یکی از روستاییان برای مسأله‌ای نزد او می‌رفت با

رویی گشاده و چهره‌ای باز از وی استقبال و با او به گرمی احوال‌پرسی می‌کرد و حال خانواده و فرزندان و بستگان او را می‌پرسید؛ حتی اگر یکی از حیوانات آن شخص کسالت داشت، حال حیوان‌مریضش را نیز می‌پرسید! بدون شک علت آن محبوبيت، این رفتار بوده است.

### معمولاً برعکس عمل می‌کنیم!

ما هم می‌توانیم با چنین برخوردهای زیبایی در دل مردم جایی باز کنیم؛ اما معمولاً برعکس عمل می‌کنیم. به عنوان مثال گاه تصادف کوچکی رخ می‌دهد؛ اما بر اثر بداخلاقی به جنایت بزرگی تبدیل می‌شود؛ چون طرفین پس از این واقعه به پرخاشگری شروع کرده، با هم گلاویز می‌شوند و در ادامه، دوستان و بستگان هر یک از آن‌ها به کمک او آمده و در نهایت به قتل یکی از طرفین منجر می‌شود؛ در حالی که می‌توان با گذشت، یا موکول کردن امر به قضاوت پلیس و پرهیز از هرگونه درگیری، از چنین حوادثی پیشگیری کرد.

تشکیل بسیاری از پرونده‌های طلاق موجود در دادگستری‌ها از برخوردهای بد آغاز شده است؛ مثل این که زن به شوهرش اعتراض می‌کند که چرا در رویارویی با اقوام من در فلان میهمانی با آن‌ها گرم نگرفتی؟ شوهر هم به جای عذرخواهی و جبران مشکل، به انکار این مطلب پرداخته، یا به توهین به اقوام زن اقدام می‌کند

و این گفت و گوها ادامه پیدا کرده، در نهایت به طلاق ختم می شود و در نتیجه خانواده‌ای از هم می پاشد؛ آبروی دو فامیل زیر سؤال می رود؛ بچه‌های آن زن و شوهر بی سرپرست می شوند و مشکلات متعدّد دیگری به وجود می آید.

در چنین مواردی اگر زن خشمگین است، مرد باید کوتاه بیاید و خویشتن داری کند و اگر مرد خشمگین است، زن باید گذشت کند و صبر را پیشه خود سازد، تا مشکل همان‌جا خاتمه پیدا کند.

### پذیرش اسلام ثمره اخلاق خوش

در تاریخ اسلام نمونه‌هایی فراوان وجود دارد که شخص غیر مسلمانی بر اثر برخورد شایسته مسلمانان ایمان آورده و مسلمان شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همسایه غیر مسلمانی در مکه داشت که گاه از روی پشت بام بر سر و روی آن حضرت خاکروبه می ریخت. چند روزی از همسایه خبری نشد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جویای حالش شد؛ گفتند: آن مرد بیمار شده و در منزل استراحت می کند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: به ملاقاتش می رویم.

حضرت به خانه اش رفت و در کنار بسترش نشست. مرد مشرک بسیار شرمنده شد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از احوالش پرسید، به گونه ای که گویا آن مرد هیچ توهینی به آن حضرت نکرده است! مرد بیمار بسیار تعجب کرد. پرسید: آیا این اخلاق خوب و برخورد زیبا، جزء دستورات دینی شماست یا از ویژگی های اخلاقی شخصی

خودت می‌باشد؟ پیامبر فرمود: جزء برنامه‌های دینی ما این نکته است که در مقابل بدی‌ها خوبی کنیم.<sup>۱</sup> آن شخص شهادتین را بر زبان جاری کرد و مسلمان شد.<sup>۲</sup> شاید تعداد زیادی از مسلمانان امروز از نسل همان شخص و حاصل برخورد خوش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با او باشند.

چه نیکوست که برخورد خوب را رسم و عادت خود کرده و اسلام را با حُسن خُلق به دنیا معرفی کنیم.<sup>۳</sup>

\* \* \*

---

۱. آیاتی از قرآن مجید، از جمله آیات ۲۲ سوره رعد، و ۵۴ سوره قصص دلالت بر این مطلب دارد.

۲. این داستان به اختصار و با کمی تفاوت در کتاب ابلیس لعین، ص ۲۰۳ و ۲۰۴ آمده است.

۳. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۵۱-۱۵۴، ح ۱.



## دعوت به نیکی‌ها با اعمال نیک

امام صادق علیه السلام فرمود:

«كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْاِجْتِهَادَ وَ الصَّدَقَ وَ اَلْوَرَعَ؛ مردم را با اعمالتان به نیکی‌ها دعوت کنید، تا صداقت و ورع و اجتهاد و تلاش را از شما ببینند».<sup>۱</sup>

**سؤال:** «ناس» که در روایت آمده، به معنای چه کسی است؟ آیا

غیر شیعیان و حتی غیر مسلمانان را نیز شامل می‌شود؟

**جواب:** مانعی ندارد که این واژه شامل هر دو گروه مذکور شود؛

یعنی شیعیان، کسانی را که پیرو مکتب اهل بیت نیستند، به سوی مکتب اهل البیت، و غیر مسلمانان را به سوی اسلام دعوت نمایند و بدین گونه در عمل، اجتهاد و صدق و ورع را به دیگران نشان دهند. به شرح مختصری در مورد این سه واژه توجه فرمایید:

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۸، ح ۱.



## ۱. اجتهاد

«اجتهاد» به معنی جهد و جهاد و کوشش، هرگونه تلاشی را شامل می‌شود. جهاد علمی، جهاد فرهنگی، جهاد اقتصادی، و حتی جهاد با نفس را در بر می‌گیرد. اگر دیگران شما را در مبارزه و جهاد با نفس یا در کمک و دستگیری از نیازمندان، و مسائل علمی و اقتصادی جدی ببینند، از شما پیروی خواهند کرد. اگر نسبت به کمک مالی به دیگران قادر نیستیم؛ ولی می‌توانیم از کسانی که وضع مالی مناسبی دارند، برای آن‌ها کمک بگیریم، باید در این راه تلاش و کوشش کنیم، و یا از اعتبار و نفوذ خود در راه رفع عداوت‌ها و کینه‌ها و ایجاد آشتی و صمیمیت استفاده نماییم.

خلاصه این‌که انواع کوشش‌ها و تلاش‌ها، در این کلمه جمع است.

## ۲. صدق

صداقت و راستی بهترین تبلیغ برای هر کاری، از جمله معرفی اسلام است. کاسبی که صداقت را معیار اصلی کار خود قرار دهد، و حتی در مواردی که راست گفتن برایش ضرر مالی دارد، دروغ نمی‌گوید، این کار یعنی صداقت و راستگویی بهترین معرف شغل اوست و به این طریق بهترین تبلیغ را پیشه کرده است. موارد فراوانی در تاریخ وجود دارد که نشان می‌دهد مردم بر اثر صداقت و راستی مسلمانان، جذب اسلام شده‌اند.

**۳. ورع**

«ورع» پرهیز کامل از گناه است. پرهیز از گناه تقوا نام دارد؛ اما پرهیز کامل از گناه ورع عنوان می‌گیرد. انسان دارای ورع، کارهای شبهه‌ناک هم انجام نمی‌دهد. نتیجه این‌که شیعیان باید در عمل و با اجتهاد و صداقت و ورع مبلغان دین باشند.

**تفاوت تبلیغ زبانی و عملی**

چرا امام علیه السلام تأکید می‌کند که مردم را با عمل به نیکی‌ها دعوت کنید؟ مگر عمل با زبان چه تفاوت‌هایی دارد؟  
چند تفاوت بین این دو وجود دارد:

۱. سخن دلیل بر همراهی دل نیست؛ ولی عمل نشان دهندهٔ هماهنگی زبان با دل است و آنچه از دل برخیزد، بر دل می‌نشیند.
۲. سخن در برخی موارد باعث لجاجت مخاطب می‌شود؛ اما عمل چنین نیست؛ زیرا سخن گفتن نوعی نصیحت کردن است که معمولاً با واکنش افراد همراه است.
۳. سخن چه بسا جزئیات را بیان نمی‌کند؛ ولی عمل جزئیات را نیز بیان می‌کند.

**میوه‌های درخت عمل**

تاریخ نشان می‌دهد در بسیاری از مناطقی که مردم اسلام

آورده‌اند؛ حتی پای یک سرباز به آن جا نرسیده، بلکه بر اثر عمل شایسته جمعی از مسلمانان مهاجر، مردم بومی آن مناطق جذب اسلام شده‌اند.<sup>۱</sup> اندونزی، فیلیپین، مالزی، بنگلادش بر اثر رعایت آداب تجارت تجار مسلمان جذب اسلام شده‌اند. آیه شریفه ﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾<sup>۲</sup> ثمره برخورد عملی پیامبر ﷺ پس از فتح مکه بود، که از عمل به شعار انتقام جلوگیری کرد و بر عکس شعار صلح و دوستی سرداد.<sup>۳</sup>

\* \* \*

۱. حاضر العالم الاسلامی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲. سوره نصر، آیه ۲.

۳. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۶۸-۱۷۰، ح ۸.

## بهترین فضایل اخلاقی

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي خُطْبَةٍ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ الْإِحْسَانُ إِلَيَّ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ؛ پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ضمن خطبه‌ای فرمودند: آیا در مورد بهترین فضایل اخلاقی در دنیا و آخرت به شما خبر دهم؟ بخشش نسبت به کسی که به تو ظلم کرده؛ صلهٔ رحم با خویشاوندی که قطع رابطه کرده؛ احسان به کسی که به تو بدی نموده و کمک به شخصی که کمکش را از تو دریغ کرده است».<sup>۲</sup>

«خلاق» جمع «خلیقه» در این جا به معنی اخلاق است. پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طبق روایت مذکور، چهار چیز را بهترین شاخصه‌های اخلاقی دنیا و آخرت شمرده است؛ یعنی این چهار امر، سودمندترین امور در دنیا و آخرت محسوب می‌شود.

۱. در روایت مشابهی در بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۶۸، ح ۶، به جای «تصل»، «صلة» آمده، که مناسب‌تر است.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۱۳، ح ۱.

### مقابله به مثل، یا مقابله به ضد؟

اسلام در چهار مورد بالا، مقابله به مثل را جایز نمی‌داند، بلکه به مقابله به ضد سفارش می‌کند. اساساً انسان‌ها در برابر حوادث چهارگانه مذکور، ممکن است به یکی از دو روش زیر واکنش نشان دهند:

الف) انسان‌های ضعیف النفس و ضعیف الایمان در این موارد به فکر انتقام می‌افتند؛ مثلاً اگر کسی به آن‌ها فحاشی کند، آن‌ها به او فحش شدیدتری می‌دهند. اگر شخصی به آن‌ها سیلی بزند، با ضربه شدیدتری به طرف مقابل سیلی می‌زند و از آن‌جا که انتقام جویی حالت تصاعدی دارد؛ سبب می‌شود که طرف مقابل هم به فکر انتقام شدیدتر و سخت‌تری بیفتد و از این رهگذر، درگیری و اختلاف و نزاع شدت بیشتری پیدا می‌کند، تا آن‌جا که گاه به قتل منجر می‌شود.

ب) انسان‌های با ایمان و متقی به انتقام نمی‌اندیشند، بلکه به خاطر جلب رضای خدا به عفو و بخشش و احسان و صلۀ رحم و کمک به دیگران فکر می‌کنند. البته روشن است که توصیه‌های این روایت و مانند آن، در مورد دوستانی است که به چنین اشتباهات و خطاهایی دچار هستند، نه در مورد دشمنان.

### داستانی از امام مجتبیٰ علیه السلام

روزی مردی شامی امام حسن علیه السلام را که بر مرکبی سوار بود،

مشاهده کرد. با توجه به تبلیغات سوئی که بنی امیه در شام علیه آن حضرت کرده بودند؛ به محض دیدن آن حضرت، ناسزا گفتن و توهین به امام مجتبی علیه السلام را شروع کرد. هنگامی که سخنان زشت مرد شامی به پایان رسید، امام به او سلام کرد و لبخندی زد و سپس فرمود: ای پیرمرد! فکر می‌کنم در این شهر غریب هستی و شاید شبهه‌ای برای تو به وجود آمده است که این سخنان را گفתי. به هر حال هر کمکی که از ما بخواهی از تو دریغ نمی‌کنیم و اگر به منزل ما بیایی، از تو پذیرایی خواهیم کرد!

آن مرد وقتی که این برخورد کریمانه امام علیه السلام را دید و آن سخنان مهربانانه را شنید، شروع کرد به گریه و گفت: شهادت می‌دهم که تو خلیفه خداوند بر روی زمین هستی و خداوند می‌داند که رسالتش را در چه خاندانی قرار دهد.

سپس گفت:

«كُنْتَ أَنْتَ وَ أَبُوكَ أَبْغَضَ خَلْقِ اللَّهِ إِلَيَّ وَ الْآنَ أَنْتَ أَحَبُّ خَلْقِ اللَّهِ إِلَيَّ؛ شما و پدرت مبغوض‌ترین خلق خدا در نزد من بودید؛ ولی اکنون تو محبوب‌ترین خلق خدا در نزد من هستی!»<sup>۱</sup>

بنابراین، سعی کنیم همچون امام مجتبی علیه السلام مقابله به مثل نکنیم و با حسن خُلق دیگران را به خود جذب نماییم.<sup>۲</sup>

\* \* \*

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۴، ح ۱۶.

۲. آداب معاشرت در اسلام، ص ۲۰۱-۲۰۳، ح ۲.



## خداوند، مهربانان را دوست دارد

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَحِيمٌ يُحِبُّ كُلَّ رَحِيمٍ؛ خداوند عزیز و جلیل رحیم است و هر مهربانی را دوست دارد».<sup>۱</sup>

### اقسام صفات خداوند

برای روشن شدن معنی روایت مذکور باید به صفات خداوند نگاهی بیندازیم. صفات خداوند سه گونه است: «صفات جمال» و «جلال» و «فعل».

### صفات جمال و جلال

صفات جمال «صفات ثبوتیه»؛ و صفات جلال «صفات سلبیّه» است و این صفات، صفات ذات خداست؛ یعنی خداوند منهای هر

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۲۴، ح ۶.



چیز دیگر این صفات را دارد. علم، ازلی و ابدی بودن، از صفات جمالیّه ذاتیه خداست؛ یعنی چه مخلوقی وجود داشته باشد و چه نباشد، خداوند عالم است؛ حداقل به وجود خودش علم دارد. ازلی و ابدی بودن خداوند هم به وجود مخلوقات دیگر وابسته نیست. مرگب نبودن، جسم نبودن، مرئی نبودن، زمان و مکان نداشتن، از جمله صفات جلالیه ذاتیه است.

### صفات فعل

اما صفات فعل، صفاتی است که به فعلی از افعال خارجیه اضافه می شود؛ مثلاً صفت رازقیّت خداوند زمانی تحقّق می یابد که مخلوقی وجود داشته باشد. صفاتی همچون «هادی»، «جوادی»، «کریم»، «ربّ العالمین» و مانند آن از این قبیل است.

صفات ذات، عین ذات است و همچون ذات ازلی و ابدی است؛ اما صفات فعل، خارج از ذات و به یک معنی حادث است و در حقیقت اضافه ای است بین ذات خداوند و موجودات، که وقتی این اضافات و نسبت ها صورت می گیرد، آن عناوین از آن انتزاع می گردد. مثلاً وقتی دیده می شود که خداوند به بنده ای روزی می دهد، او را «رازق» می نامیم. ضمناً نزدیک به تمامی هزار و یک نامی که از خداوند در دعای جوشن کبیر آمده، جزء صفات فعل است، شاید تنها حدود ۲۰ مورد آن از صفات ذات باشد.

در سوره حمد صفاتی چون رحمان، رحیم (هر کدام دو بار) ربّ العالمین، مالک یوم الدین، معبودیت، مستعان بودن، هدایت، عدم غضب همه صفات فعلند. خلاصه این که اکثر صفات و نام‌های خداوند صفات فعل هستند.

### وظیفه ما چیست؟

طبق روایت نبوی «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ؛ به اخلاق خدایی و صفات الهی متخلّق و متّصف شوید»<sup>۱</sup>، باید به اخلاق الهی متخلّق شویم؛ یعنی با شعاع و پرتوی از صفات پروردگار خود را بیاراییم. اگر او را به صفت علم و دانایی وصف می‌کنیم، بکوشیم خود نیز عالم باشیم. اگر او را قادر می‌نامیم، سعی کنیم از ضعف و ناتوانی به سوی قدرت و توانایی حرکت کنیم. اگر او را جواد و کریم می‌دانیم، پرتوی از کرم و جودش را در خود زنده بداریم.

### سیر و سلوک

بعضی از مدّعیان سیر و سلوک راه را اشتباه می‌روند. تصوّر می‌کنند سیر و سلوک آن است که از مردم جدا شده، و برای عبادت به کوه و بیابان رفته، و در خلوت و تنهایی اوراد و اذکار خاصی به زبان آورند! این راه، خطاست. راه ثواب تخلّق به اخلاق الله است.

۱. پیام قرآن، ج ۴، ص ۳۹۳.

اگر عمری عبادت کنیم، اما بویی از مهربانی و رحمانیت خداوند نبرده باشیم و بندگان بی‌گناه خداوند را همچون گوسفندان سر ببریم، نه تنها به خدا نزدیک نمی‌شویم، بلکه روز به روز از او دورتر می‌شویم. کسی که پرتوی از صفات الهی را ندارد، هرچه عبادت کند از خدا دورتر می‌شود.

با توجه به آنچه مطرح شد، معنای حدیث روشن می‌شود: خداوند رحیم و مهربان است و کسانی را دوست دارد که پرتوی از مهربانی او در قلب و روحشان وجود داشته باشد و آن‌ها مظهر رحمانیت وی شده باشند و این چیزی است که دنیای امروز شدیداً به آن نیازمند است و اگر مردم دنیا بدانند اسلام چقدر به رحمت و عطف و مهربانی اهمیت می‌دهد، دسته‌دسته به اسلام می‌گروند.<sup>۱</sup>

\* \* \*

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۳۹۴-۳۹۶، ح ۹.

## خوشرویی و محبت

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقٌ سِرٌّ، وَ الْبِشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ، وَالْإِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ؛ سِينَةُ عَاقِلٍ كَنَجِينَةُ اسْرَارِ اَوْسْتِ، وَخُوشْرُوِيِي وَ بَشَاشَتِ دَامِ مَحَبَّتِ اسْتِ، وَ تَحْمَلُ نَارَاحَتِي هَا كُورِ عَيْبِ هَا اسْتِ»<sup>۱</sup>.

امام علیه السلام در جمله نخست می فرماید: «سینه عاقل گنجینه اسرار اوست».

یعنی همان گونه که صاحبان ثروت اشیاء قیمتی را در صندوق های محکم نگاه داری می کنند، انسان عاقل نیز باید اسرارش را در دل خود پنهان دارد، چرا که اسرار او اگر به دست دوست بیفتد گاه سبب ناراحتی اوست و اگر به دست دشمن بیفتد ممکن است سبب آبروریزی او شود.

به علاوه بعضی از اسرار ممکن است با سرنوشت ملتی ارتباط

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۶، ج ۳، ص ۲۲۴.

داشته باشد که اگر بی‌موقع فاش شود سبب خسارت عظیمی برای جامعه گردد. به همین دلیل در حالات پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: هنگامی که تصمیم بر غزوه و پیکاری با دشمن می‌گرفت کاملاً آن را پنهان می‌داشت. به عنوان نمونه مسئله فتح مکه بود که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حد اکثر پنهان‌کاری را در آن به خرج داد<sup>۱</sup> که اگر این کار را نمی‌کرد و خبر به اهل مکه می‌رسید آنها بسیج می‌شدند و خون‌های زیادی در حرم امن خدا ریخته می‌شد؛ ولی پرده‌پوشی پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر این سر سبب شد که مکه بدون هیچ‌گونه مقاومت و خون‌ریزی تسخیر شود و فصل تازه‌ای در پیشرفت اسلام و بازگشت مخالفان به سوی حق گشوده گردد.

#### عامل جلب محبت

امام در دومین جمله فرمودند: «خوشرویی دام محبت است». بدون شک افراد خوشرو و خوش‌برخورد که با چهره گشاده و لب‌های پرتبسم با دیگران برخورد می‌کنند، دوستان زیادی خواهند داشت و به عکس، افرادی که با قیافه در هم کشیده و عبوس و خشم‌آلود با دیگران روبه‌رو می‌شوند مردم از آنها متنفر می‌گردند. از آنجا که جلب محبت باعث اتحاد صفوف و وحدت کلمه می‌شود، در روایات اسلامی ثواب‌های زیادی برای خوشرویی

۱. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۱۹.

و بشاشت نقل شده است؛ از جمله در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام در بحارالانوار می خوانیم که فرمود:

«إِذَا لَقَيْتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَأَظْهَرُوا لَهُمُ الْبِشَاشَةَ وَالْبِشْرَ تَتَفَرَّقُوا وَمَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ؛ هُنْكَامِي كَمَا بَرَادِرَانِ دِينِي خُود رَا مَلَاقَاتِ مِي كُنِيد بَا هَم مَصَافِحَه كُنِيد وَ بَشَاشَتِ وَ مَسْرَتِ رَا دَر بَرَابَر أَنهَا اظْهَار كُنِيد وَ دَر نَتِيْجَه هُنْكَامِي كَه اَز هَم جَدَا مِي شُوِيْد كَنَاهَانِ شَمَا بَخْشُوْدَه خَوَاهِد شَد.»<sup>۱</sup>

تعبیر به «حباله» (دام) اشاره به این است که حتی افرادی که از انسان گریزانند با اظهار محبت و خوشرویی به سوی وی می آیند و کینه‌ها از سینه‌ها شسته می شود.

در بعضی از کلمات حکما آمده است که سه چیز محبت را در دل برادران دینی آشکار می سازد: با چهره گشاده با آنها روبه‌رو شدن و پیش‌دستی کردن در سلام و جای مناسب را در مجالس برای آنها مهیا ساختن.<sup>۲</sup>

### پوشش خوبی برای عیوب

در سومین جمله می فرماید: «تحمل ناراحتی‌ها گور عیب‌هاست». اشاره به این که بسیار می شود انسان از رفتار بعضی از دوستان و آشنایان و یا حتی افراد عادی ناراحت می گردد، یا مشکلات

۱. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۰، ح ۳.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۸ ص ۹۸.

و مسائلی در زندگی پیش می‌آید که انسان را نگران می‌سازد. کسانی که این‌گونه ناملازمات را تحمل کنند به فضیلت بزرگی دست یافته‌اند که عیوب انسان را می‌پوشاند و به عکس، افراد ناصبور و بی‌حوصله داد و فریاد بر می‌آورند و به سخنان یا کارهایی آلوده می‌شوند که سر تا پا عیب است.

این احتمال در تفسیر این جمله نیز هست که بسیاری از بی‌تابی‌های انسان بر اثر شکست‌هایی است که در زندگی برای او پیش آمده که اگر بی‌تابی نکند دیگران از این شکست‌ها که بر اثر ندانم‌کاری‌ها به وجود آمده باخبر نمی‌شوند و به این ترتیب عیوب او پوشانیده خواهد شد. در غیر این صورت همه از نقطه‌های ضعف او باخبر می‌گردند.<sup>۱</sup>

\* \* \*

۱. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۵۹-۶۲.

## صفات مؤمن

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ، وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ، أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا، وَأَذَلُّ شَيْءٍ نَفْسًا. يَكْرَهُ الرَّفْعَةَ، وَيَشْتَأُ السُّمْعَةَ. طَوِيلُ عَمُّهُ، بَعِيدُ هَمُّهُ، كَثِيرُ صَمْتُهُ، مَشْغُولٌ وَقْتُهُ. شَكُورٌ صَبُورٌ، مَعْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ، ضَمِينٌ بِخَلَّتِهِ، سَهْلٌ أَلْحَلِيْقَةِ، لَيْنٌ أَلْعَرِيْقَةِ! نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ، وَهُوَ أَذَلُّ مِنَ أَلْعَبْدِ؛ انسان با ایمان شادی‌اش در چهره، و اندوهش در درون قلب اوست، سینه‌اش از هرچیز، گشاده‌تر و هوس‌های نفسانی‌اش از هرچیز خوارتر (و تسلیم‌تر) است، از برتری‌جویی بیزار و از ریاکاری متنفر است، اندوهش طولانی و همتش بلند، سکوتش بسیار و تمام وقتش مشغول است، شکرگزار و صبور، بسیار ژرف اندیش است و دست حاجت به سوی کسی دراز نمی‌کند، طبیعتش آسان (و سختگیری در کار او نیست) و برخوردش با دیگران توأم با نرمش است، دلش از سنگ خارا (در برابر حوادث سخت



و دشمنان خطرناک) محکم‌تر و سخت‌تر و (در پیشگاه خدا) از برده تسلیم‌تر است»<sup>۱</sup>.

در این روایت شریف به هیچ‌جده صفت از صفات مؤمن اشاره شده است، که به شرح دو صفت از آن، که مربوط به بحث ماست، می‌پردازیم:

### نرمش کردن و سخت‌گیری نکردن

گرچه این دو وصف، مفهوم نزدیکی با هم دارند؛ ولی با دقت، تفاوت میان آن‌ها روشن می‌شود.

«سَهْلُ الْخَلِيقَةِ» بودن با توجه به این که «خَلِيقَةُ» به معنای خُلُق و طبیعت است این است که انسان در زندگی سختگیر نباشد.

مثلاً فلان وسیله اگر حاصل نشد ناراحتی نکند. اگر فلان غذا به موقع نرسید، نرسد. نظم در زندگی او حاکم است؛ اما چنان نیست که اگر چیزی به موقع حاصل نشد ابراز ناراحتی کند.

به بیان دیگر کسانی هستند که فی‌المثل اگر بر سر سفره، فلان چیز و فلان چیز نباشد دست از سفره می‌کشند و ابراز ناراحتی می‌کنند؛ ولی مؤمنان راستین آسان‌گیرند؛ با هر غذایی سدّ جوع می‌کنند و در زندگی مقید به قیود دنیاپرستان نیستند.

ولی «لَيْسَ الْغَرِيكَةَ» رابطه انسان را با اشخاص دیگر بیان می‌کند،

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۳۳، ج ۳، ص ۳۴۸.

زیرا «عَرِيكَةً» (با توجه به این که در اصل به معنای چرمی است که به واسطه نرم بودن، دباغ را به ناراحتی نمی اندازد و سپس به معنای طبیعت انسانی استعمال شده است) به این معناست که در برخورد با دیگران ملایم و مهربان و تسلیم است و مردم از معاشرت با او لذت می برند.

بنابراین «سَهْلُ الْخَلِيقَةِ» می تواند اشاره به سختگیری نکردن در زندگی شخصی انسان باشد و «لَيِّنُ الْعَرِيكَةَ» اشاره به نرمش او در مقابل بستگان، دوستان و دیگران.

این همان چیزی است که در قرآن مجید یکی از صفات برجسته پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شمرده شده است آن جا که می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ «به سبب رحمت الهی در برابر مؤمنان، نرم و مهربان شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند»<sup>۱</sup>.

بعضی از شارحان نهج البلاغه این دو وصف را به یک معنا برگردانده و مترادف دانسته اند در حالی که ظاهراً چنین نیست.

### مؤمنان نرم خو هستند

در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می خوانیم: «الْمُؤْمِنُونَ هَيَّيُونَ لَيُّونَ كَالْجَمَلِ الْأَنْفِ إِنْ قِيدَ أَنْقَادَ وَإِنْ أُبَيْخَ عَلَى صَخْرَةٍ اسْتَنَاحَ؛ مؤمنان نرمخو

۱. آل عمران، آیه ۱۵۹.

و آسان گیرند، مانند شتر رام که او را به هر طریق (صحیح و مناسبی) ببرند منقاد و مطیع است و اگر او را روی قطعه سنگی بخوابانند می خوابد)»<sup>۱</sup>.

بدیهی است که منقاد بودن مؤمن در برابر دوستانی است که او را دعوت به خیر و صلاح می کنند.

این سخن را با حدیث دیگری از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پایان می دهیم، فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يُحْرَمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا؟ عَلَى كُلِّ هَيِّنٍ لِيِنَّ قَرِيبٍ سَهْلٍ؛ أَيَا بَه شَمَا خَبَر بَدَهْم كَه أَتَش دُوزَخ فِرْدَاي قِيَامَت بَر چَه كَسِي حِرَام مِي شُود؟ بَر كَسَانِي كَه نَرْمَخُو وَ مَلَايِم وَ صَمِيمِي وَ آسَان گِير هَسْتَنَد.»<sup>۲</sup>

نتیجه این که مؤمن باید در زندگی شخصی سخت گیر نباشد و در برابر دیگران اهل نرمش و ملاحظت و مهربانی باشد.<sup>۳</sup>

\* \* \*

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۵۵، ح ۵۸.

۲. نهج الفصاحة، ص ۲۴۰، ح ۴۵۹.

۳. پیام امام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱۴، ص ۶۷۳-۶۸۷.

## سه صفت مهم

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به علی عَلِيٌّ فرمودند:

«ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَقُمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ يَحْجِزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَخُلُقٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسُ، وَحِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ؛ اِذَا كَانَ فِيهِ هَذِهِ الثَّلَاثُ نَبَّأْتُ بِأَنَّكَ تَقْوَاهُ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَتَقْوَاهُ عِنْدَ الْمَوْتِ نَبَّأْتُ بِأَنَّكَ تَقْوَاهُ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَتَقْوَاهُ عِنْدَ الْمَوْتِ نَبَّأْتُ بِأَنَّكَ تَقْوَاهُ عِنْدَ الْمَوْتِ.»<sup>۱</sup>

این حدیث به کسانی که با مردم سر و کار دارند هشدار می‌دهد می‌گوید: اگر این سه صفت در کسی نباشد کارهایش به سامان نمی‌رسد و برنامه‌هایش با شکست مواجه می‌شود. در واقع در این سه صفت سه نوع رابطه بررسی شده، که به شرح آن می‌پردازیم:

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴۵، ح ۱.

### الف) رابطه انسان و خدا

در جمله اول فرمود: «وَرَعَ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ ورعی که او را از گناهان بازدارد». ورع حالتی است که باعث بازداشتن از ارتکاب گناهان می‌شود و همین حالت را ملکه عدالت می‌نامیم که برخی در تفسیر آن به زحمت می‌افتند. این ملکه باعث ایمنی انسان به طور صددرصد نمی‌شود، چون اگر صددرصد باشد عصمت است. می‌توان این مسأله را به این صورت تشبیه کرد که جاده معصیت برای بعضی صاف و هموار است و بی‌هیچ مانعی آن را طی می‌کنند؛ اما عده‌ای در این مسیر با موانعی همچون سیم خاردار، دره، سنگلاخ و مانند آن مواجه می‌شوند که طی طریق را برای آنان دشوار می‌سازد و مانع سیر آنان می‌شود، ورع نیز نظیر همین موانع آدمی را از گناه باز می‌دارد.

به عبارت دیگر، در جاده معصیت، خود را مواجه با موانع دیدن و نیرویی که انسان را به عقب می‌کشد. به این حالت، ورع و عدالت گفته می‌شود.

### چگونه بدانیم ملکه عدالت داریم؟

پاسخ این سؤال بسیار آسان است، چون قرآن می‌فرماید: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ \* وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ»؛ «بلکه انسان از وضع خویش آگاه است، هر چند (در ظاهر) برای خود عذرهایی

بتراشد».<sup>۱</sup> اگر انسان در مقابل دروغ، غیبت، مال حرام و مانند آن نیروی بازدارنده‌ای داشت که او را به عقب بکشانند، همین نیروی بازدارنده ورع و تقواست، ولی اگر بی‌پروا بود، چشم و گوش و زبان و سایر جوارحش قید و بندی نداشت، معلوم می‌شود که ورع و تقوا ندارد و چنین کسی هیچ‌گاه کارش به سامان نمی‌رسد. اگرچه ممکن است موقتاً پیشرفت‌هایی عایدش گردد، ولی سرانجام سرش به سنگ می‌خورد. لذا باید همراه علم، تقوا هم کسب کنیم و این نخستین وظیفه است.

مرحوم آیه‌الله حکیم رحمته‌الله در مستمسک العروة الوثقی می‌گوید:  
 تقوایی که باید مرجع تقلید داشته باشد با تقوای فرد عادی تفاوت می‌کند. عدالت در او باید در مرتبه‌ی عالی باشد<sup>۲</sup> و گرنه زود آلوده می‌شود، چون هر قدر علم و دانش و موقعیت اجتماعی انسان بالاتر رود به همان نسبت خطر آلودگی او بیشتر می‌شود. خلاصه به نسبت کشش‌های معصیت، باید نیروهای بازدارنده قوی‌تر باشد.

### ب) رابطه انسان و دوستان

حضرت در دومین جمله فرمود: «وَخُلِقُ يُدَارِي بِهِنَّ النَّاسُ؛ و اخلاقی داشته باشد که با مردم مدارا کند».

۱. سوره قیامت، آیات ۱۴ و ۱۵.

۲. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۳.

مردم دارای سلیقه‌های مختلفی‌اند و معمولاً مشمول این کلامند که «صاحبُ الحاجة لا یرى إلا حاجته»<sup>۱</sup> یعنی زمانی که مشکل و حاجتی داشته باشد غیر از مشکل خودش چیز دیگری را نمی‌بیند و انتظار دارد همه کس و همه چیز مطلقاً در اختیار او باشند.

کسی که می‌خواهد جزء رهبران جامعه باشد به این هدف دست نمی‌یابد، مگر آنکه دارای اخلاق نیکویی باشد. به عبارت دیگر باید با مردم مدارا کند، در مقابل دوستان و توقعات و مزاحمت‌های آنها تحمل و صبر داشته باشد، چون چاره‌ای جز این نیست. هرکس در اجتماع موقعیت بالاتری داشته باشد این‌گونه مسائل برای او بیشتر است.

مانند کسی که دست یکی از علما و بزرگان را می‌کشید تا بر آن بوسه زند. وقتی به او گفتند دست آقا را نکش، گفت: می‌خواهم ببوسم. گفتند: دست آقا می‌شکند، گفت بشکند! می‌خواست آقا نشود. باید مدارا کردن با بندگان خدا را از معصومین علیهم‌السلام آموخت که در مقابل بدی‌ها نیکی کرده و طرف مقابل را با حُسن خُلق منفعل و شرم‌منده می‌کردند.

### ج) رابطه انسان با دشمنان

سومین جمله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به حضرت علی علیه‌السلام چنین است: «وَحِلْمٌ يَرْدُّ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ؛ و بردباری که با آن نادانی نادان را رد کند».

۱. الخصائص، ج ۱، ص ۴۸۴. البته ضرب المثل مذکور در این کتاب بدین شکل است:  
«صاحب الحاجة اعمى لا یرى الا قضاها»

انسان در مقابل جاهلان نباید انسان خشونت کند، چون در اسلام خشونت جنبه استثنایی دارد. باید از قرآن بیاموزیم که یک صد و چهارده سوره دارد که همه آنها (جز در سوره توبه) با لفظ «رحمن» و «رحیم» آغاز شده است. در مقابل دشمنان تا جایی که از آن سوءاستفاده نشود و آنان جسور و مسلط نشوند، باید بردبار و بخشنده بود.

### حلیم کیست؟

«حلیم» کسی است که در عین توانایی، در هیچ کاری پیش از وقتش شتاب نمی‌کند و در کیفر مجرمان عجله به خرج نمی‌دهد، روحی بزر دارد و بر احساسات خویش مسلط است. راغب در مفردات می‌گوید: «حلم» به معنی خویشتن‌داری هنگام هیجان غضب است و چون این حالت از عقل و خرد ناشی می‌شود گاه به معنی عقل و خرد نیز به کار رفته است.<sup>۱</sup>

### بردباری در روایات اسلامی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر جمعیتی گذشت که بین آنها مرد پر قدرت و نیرومندی سنگ بزرگی را از زمین برمی‌داشت و مردم آن را سنگ زورمندان، یعنی وزنه قهرمانان می‌نامیدند و همه از عمل آن ورزشکار قوی در شگفت بودند.

۱. رجوع شود به: تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۲۵، ذیل آیه ۱۰۱ سوره صافات.



رسول اکرم ﷺ پرسید: این اجتماع برای چیست؟ مردم کار وزنه‌برداری آن قهرمان را به عرض ایشان رساندند. فرمود: آیا می‌خواهید بدانید قوی‌تر از این مرد کیست؟ سپس فرمود: «رَجُلٌ سَبَّهُ رَجُلٌ فَحَلَمَ عَنْهُ فَعَلَبَ نَفْسَهُ وَعَلَبَ شَيْطَانَهُ وَشَيْطَانَ صَاحِبِهِ؛ قوی‌تر از او کسی است که به او دشنام دهند و بردباری کند و بر نفس سرکش و انتقامجوی خود غلبه کند و بر شیطان دشنام‌گو پیروز شود».<sup>۱</sup>

امام صادق ع در حدیثی فرمود: «الْحِلْمُ سِرَاجٌ اللَّهُ يَسْتَضِيءُ بِهِ صَاحِبُهُ إِلَى جَوَارِهِ وَلَا يَكُونُ حَلِيمًا إِلَّا الْمُؤَيَّدُ بِأَنْوَارِ الْمَعْرِفَةِ وَالتَّوْحِيدِ وَالْحِلْمُ يَدُورُ عَلَى خَمْسِ أَوْجِهٍ: أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا فَيَذِلُّ أَوْ يَكُونَ صَادِقًا فَيُتَّهَمُ أَوْ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ فَيَسْتَخَفَّ بِهِ أَوْ أَنْ يُؤْذِيَ بِلَا جُرْمٍ أَوْ أَنْ يُطَالِبَ بِالْحَقِّ فَيُخَالِفُوهُ فِيهِ، فَإِنْ آتَيْتَ كَلًّا مِنْهَا حَقًّا فَقَدْ أَصَبْتَ. وَقَابِلِ السَّفِيهَةَ بِالْإِعْرَاضِ عَنْهُ وَتَرَكَ الْجَوَابَ يَكُنْ النَّاسُ أَنْصَارَكَ لِأَنَّ مَنْ جَاوَبَ السَّفِيهَةَ فَكَأَنَّهُ قَدْ وَضَعَ الْحَطَبَ عَلَى النَّارِ؛ حِلْمٌ چراغ خداست که انسان با نور آن به قرب پروردگار نزدیک می‌شود. انسان حلیم نمی‌شود مگر آنکه با انوار توحید و معارف الهی تأیید شود. حِلْمٌ در پنج حالت صورت می‌گیرد:

۱. در موردی که عزت و بزرگی داشته و خوار و کوچک شده است.
۲. در حالتی که راست می‌گفته و متهم به دروغ شده. ۳. و در جایی که دعوت به حق می‌کرده و مردم او را اهانت کرده و سبک شمرده‌اند.
۴. اگر بی‌آنکه جرم و گناهی مرتکب شود اذیت و آزارش کنند.

۱. میزان الحکمة، ج ۹، ص ۳۱۳، باب ۲۹۸۶، ح ۲۱۵۱۸.

۵. مطالبه و درخواست حق کند و او را در آن حق مخالفت کنند. پس حلیم در این پنج حالت با وقار و حوصله، حلم ورزیده و کوچک‌ترین تزلزل و ناراحتی پیدا نمی‌کند و حلیم بودن مرد از حلم ورزیدن در این موارد معلوم می‌شود. و سزاوار است که با شخص بی‌خرد و سفیه به سؤال و جواب نپردازد، بلکه از او روی گرداند و اگر اعتراض او را پاسخ نگوید دیگران با او موافقت کرده و یاری خواهند کرد. ولی جواب دادن و بحث کردن با او مانند هیزم‌گذاردن در آتش است که شعله آتش را افروخته و بیشتر خواهد کرد.<sup>۱</sup>

**توضیح این‌که:** حلم در مقابل غضب است و بر اثر صبر و تواضع و خضوع حاصل می‌شود. خضوع و فروتنی حاصل نمی‌شود، مگر پس از تحقق حقیقت توحید و معرفت به عظمت و جلال و قدرت پروردگار متعال. و چون انسان خداوندِ توانا را مؤثر و محیط و حامی مطلق و سلطان حقیقی بر همه موجودات می‌داند، قهراً از خودبینی و خودپسندی و خودخواهی دور گشته، پیوسته با حالت بندگی و خضوع و خشوع و اطاعت و ذلت و تسلیم و تفویض و رضا و صبر زندگی خواهد کرد. این است که در روایات شریفه، علم همراه با حلم ذکر می‌شود. یعنی علمی که توأم با خضوع و خشوع بوده و از خودپسندی و خودخواهی و خودبینی دور باشد، علم نافع خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. مصباح الشریعة، ص ۲۵۳، باب ۵۷.

۲. انوار هدایت، ص ۲۹۷-۳۰۴.



## آبروی ما را حفظ کنید!

سلیمان بن مهران می‌گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که عده‌ای از شیعیان نزد او بودند و او در حال گفتن این مطلب بود: «مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ! كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَ كُفُّوْهَا عَنِ الْفُضُولِ، وَ قُبِحَ الْقَوْلُ؛ ای شیعیان ما! زینت ما باشید و باعث ننگ و بی‌آبرویی ما نباشید، با مردم خوب صحبت کنید، زبانتان را حفظ کنید و از حرف‌های اضافی و زشت پرهیزید.»<sup>۱</sup>

### دو مطلب مهم

امام صادق علیه السلام در این حدیث یک قاعده کلی را بیان می‌کند. حضرت می‌فرماید: ای شیعیان با اعمال خود باعث بی‌آبرویی ما فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله نشوید؛ یعنی به گونه‌ای باشید که وقتی مردم

۱. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۵۱، ح ۶.

شما را می‌بینند به صاحبان آن مکتب درود فرستاده و بگویند آفرین بر کسانی که شما را تربیت کرده‌اند. سپس حضرت انگشت روی مصداق خاص می‌گذارد که زبان است.

### اهمیت زبان

علمای علم اخلاق می‌گویند در سیر و سلوک الی الله اولین عضوی که باید اصلاح شود زبان است و تا زبان اصلاح نشود دل پاک نمی‌گردد. زبان کلید تمام وجود انسان است به طوری که انسان‌ها را از زبان‌شان می‌توان شناخت. امام علیه السلام می‌فرماید: «اِحْتَبِرْهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ»<sup>۱</sup> وقتی خواستید مردم را امتحان کنید، ببینید راست می‌گویند یا دروغ. اگر زبان قفل و بست داشته باشد، روی حساب و کتاب صحبت کرده و در آنچه که می‌گوید دقت می‌کند.

### راه کنترل زبان

یکی از طرق حفظ زبان عمل به دستور امام صادق علیه السلام در آخر روایت است که می‌فرماید: «كُفُّهَا عَنِ الْفُضُولِ» یعنی زیاد صحبت نکنید. کم سخن گفتن یکی از راه‌های نخستین سیر و سلوک و نام آن «صمت» است. یکی از دانشمندان می‌گوید: پنج چیز است که هر ناقصی را کامل می‌کند و شاعر چه خوب در این بیت آنها را جمع کرده است:

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲، ح ۲.

صمت و جوع و سهر و عزلت و ذکری به دوام  
 ناتمامان جهان را کند این پنج تمام<sup>۱</sup>  
 در واقع اگر کسی این امور را رعایت کند به قرب الی الله می‌رسد  
 که اولین آن صمت یعنی سکوت و کم سخن گفتن است. صمت به  
 این معنا نیست که اصلاً صحبت نکند بلکه به این معناست که از  
 حرف‌های اضافی و زشت و ناپسند پرهیزد.<sup>۲</sup>

\* \* \*

۱. کلیات قاسم انوار، ص ۳۳۹. البته شعر مزبور در این منبع با کمی تفاوت به شکل زیر آمده است:

صمت و جوع و سهر و عزلت و ذکر بدوام    ناتمامان جهان را بکنند کار تمام  
 ۲. مشکات هدایت، ص ۲۴-۲۶.



## أُفَّتْ قَلْب

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ دلهای انسانها

همچون حیوانات وحشی است: هر کس از راه محبت وارد شود، با

او الفت می گیرد»<sup>۱</sup>.

### معانی قلب

کلمه قلب چند معنی دارد:

۱. عضو مخصوص درون سینه، که حکم یک تلمبه خودکار برای

نقل و انتقال خون و آبیاری و تغذیه سلولهای بدن را دارد و کار

دیگری از او ساخته نیست. خون را می گیرد و به تمام بدن می فرستد،

منتهی دو دستگاه وجود دارد: دستگاهی است که خون سیاه را به

ریه فرستاده و در آنجا تصفیه می شود و خون قرمز رنگ به قلب بر

می گردد. و دستگاه دیگری که خون را به تمام اعضای بدن می فرستد.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۵۰، ج ۳، ص ۲۴۰.



۲. یک معنای قلب همان عقل و روح انسان است. روح انسان دارای شئوونی است: نفس، عقل، حافظه، عواطف و احساسات. در قرآن کریم هم به این معنای قلب اشاره شده است: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا﴾؛ «عقل دارند اما به کار نمی‌گیرند».<sup>۱</sup>

۳. معانی دیگری هم در قالب کنایه برای قلب بیان کرده‌اند؛ مثلاً به فردی که در جمعیتی شاخص است، قلب آن جمعیت می‌گویند. به عنوان مثال، به امام خمینی علیه السلام قلب تپنده امت می‌گفتند و یا به فلان کس قلب لشکر می‌گویند.

### انسان اجتماعی است یا نه؟

امام علی علیه السلام در این کلام می‌فرماید: دل‌های انسان‌ها، همچون حیوانات وحشی است که از دیگران می‌رمد. هر کس بتواند این قلوب را رام کند و در اختیار بگیرد، این دل‌ها به او توجه می‌کنند. در این جا بین شارحان نهج البلاغه مثل ابن میثم، ابن ابی الحدید و مرحوم میرزا حبیب الله خوئی علیه السلام سؤالی مطرح شده مبنی بر این‌که: معنای این حدیث چیست؟ آیا این حدیث با آنچه می‌گویند انسان مدنی بالطبع است، منافات ندارد؟

در این مورد مفسران نهج البلاغه به فکر تفسیرهای مختلف افتاده و این کلام را بر یک قضیه جزئیّه حمل کرده‌اند؛ مبنی بر این‌که

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

منظور امام همه مردم نیست، بلکه رؤسا مورد نظر می‌باشد که اگر انسان با آن‌ها بجوشد و رابطه داشته باشد، به آن‌ها اقبال پیدا می‌کند. ولی راه حل بهتری هم وجود دارد و آن این‌که: مراد از وحشی، تألیف و اقبال یک چیز اضافه بر مدنیّ بالطبع بودن انسان است. به عبارت دیگر، ما دو مرحله تألیف و الفت داریم: یک نوع همان است که مقتضای زندگی اجتماعی است؛ به این معنا که مثلاً من با کاسب محل و او با من؛ معلم با شاگرد و شاگرد با استاد در ارتباط هستند. منظور امام علیه السلام این الفت نمی‌باشد، بلکه مرحله دومی از الفت وجود دارد که بر محور دوستی و رفاقت دور می‌زند و مرحله بالاتری است. بنابراین، منظور امام این است که علاوه بر مدنیّ بالطبع بودن انسان، زمانی مردم به وی علاقه پیدا می‌کنند که از او محبت ببینند. در واقع، محبت است که جاذبه دارد.

### راه‌های نفوذ در دیگران

درباره راه‌های نفوذ در دیگران، کتاب‌هایی نوشته شده است که علاقمندان می‌توانند به آن‌ها مراجعه کنند؛ از جمله آیین دوست‌یابی؛ راه نفوذ در دیگران؛ زندگی در پرتو اخلاق؛ محجة البیضاء و مانند آن، که در این مختصر به چند راه جلب محبت اشاره می‌کنیم:

۱. خوشرویی و خوشخویی ۲. مردم‌داری ۳. صله رحم ۴. برخورد خوب با همسایه ۵. ادب ۶. برخورد کریمانه ۷. عزت نفس ۸. شوخی و مزاح ۹. نقدپذیری ۱۰. صداقت ۱۱. تواضع ۱۲. عفو و گذشت.

از همه این راه‌ها مهم‌تر، بندگی صادقانه خدای متعال است.  
هرگاه کسی خداوند را صادقانه عبادت کند، خدای متعال او را در  
دل‌ها نفوذ می‌دهد.<sup>۱</sup>

\* \* \*

---

۱. گفتار معصومین علیهم‌السلام، ج ۳، ص ۳۰۷-۳۰۹.





## گنج‌های روزی

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ؛ اخلاق خوش کلید گنج‌های روزی است».<sup>۱</sup>

### جایگاه حُسن خُلق در اسلام و قرآن

هنگامی که به بحث پیرامون صفت «حُسن خُلق» در تفسیر اخلاق در قرآن، جلد ۳، صفحه ۱۳۵ رسیدیم، دامنه این بحث را بسیار گسترده یافتیم و علی‌رغم مطالعات قبلی پیرامون این موضوع، تعبیراتی در قرآن و احادیث یافتیم که در کمتر مسأله‌ای دیده می‌شود!

به عبارت ساده‌تر، حُسن خُلق، خوشرویی، ادب، برخورد مناسب با مردم، از اساسی‌ترین مسایل اسلام است. روایات زیاد با

۱. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۴۱، باب ۱۱۲۴، ح ۵۳۱۰.

تعبیرات کم نظیر و تأکیدات فراوان نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ اهمیت بسیار زیادی برای حُسْنِ خُلُق قایل بوده است. متأسفانه در میان گروهی از مسلمانان یا به این مسأله اهمیت داده نمی‌شود، یا بر خلاف آن عمل می‌شود تا آن جا که بعضی خیال می‌کنند آدم خوب باید عبوس، ترش‌رو، خشن، خشک و بداخلاق باشد! در حالی که این اشتباه بزرگی است.

### حُسْنِ خُلُق و رونق کسب و کار

در واقع آنچه در این روایت آمده یکی از فواید دنیوی اخلاق خوش است. تجربه نشان داده کسانی که اخلاق خوشی داشته‌اند، کار و زندگی آن‌ها هم رونق داشته است.

چهل سال قبل آماری از رونق کسب و کار برخی از کسبه دیدم که طبق آن آمار، کسبه خوش اخلاق ۷۰٪ و کسبه بداخلاق ۳۰٪ موفق بودند؛ یعنی سهم خوش اخلاقی ۴۰٪ است! چرا که حُسْنِ خُلُق مردم را به سوی خود می‌کشاند و اخلاق بد دافعه دارد.

همه مسلمانان مخصوصاً کسانی که با مردم برخورد بیش‌تری دارند باید اخلاقی نیکو داشته باشند، که اخلاق خوش هم جامعه را آباد می‌کند و هم باعث طول عمر می‌شود، چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «إِنَّ الْبِرَّ وَحُسْنَ الْخُلُقِ يَعْزِمَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ»<sup>۱</sup>.

۱. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۴۲، باب ۱۱۲۴، ح ۵۳۱۳.

## ارتباط حُسن خُلق و وسعت رزق و روزی

سؤال: چرا حُسن خُلق باعث وسعت روزی می‌شود؟

پاسخ: در مثال فوق مشتری زمانی از یک کاسب جنس می‌خرد که به او اعتماد کند. اگر نسبت به کاسب مشکوک و بدبین باشد از او فرار می‌کند. بنابراین، کاسب باید اعتماد مشتری را جلب کند و یکی از طرق جلب اعتماد برخورد خوب است. مشتری حُسن خُلق فروشنده را به حساب درستی و امانت و صداقت و اعتماد او می‌گذارد. شخصی نقل می‌کرد که برای معالجه به یکی از کشورهای غربی رفته بودم، پس از پایان معالجه و پذیرایی بسیار شایسته، درخواست صورت حساب کردم، آن‌ها در کمال ادب و احترام گفتند: در این باره عجله نکنید، شما به سلامت به ایران بازگردید، آن‌گاه ما صورت حساب را برای شما ارسال می‌کنیم و شما هزینه بیمارستان را سر فرصت به شماره حسابی که درون آن نامه است ارسال دارید!

در مقابل، بیمارستان‌هایی در کشور اسلامی ما وجود دارد که تا پول نگیرند، بیمار را اساساً پذیرش نمی‌کنند! این کجا و آن کجا؟ متأسفانه آنچه را حضرت علی علیه السلام نسبت به آن بیمناک بود - سبقت دیگران در عمل به قرآن<sup>۱</sup> - در برخی از امور تحقق یافته است!<sup>۲</sup>

\*\*\*

۱. نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۳۲، نامه ۴۷.

۲. صد و ده سرمشق از سخنان حضرت علی علیه السلام، ص ۴۹ و ۵۰، ح ۱۲.





## بهترین رفیق

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«حُسْنُ الْخُلُقِ خَيْرٌ رَفِيقٍ» و قَالَ أَيْضاً: «رُبَّ عَزِيزٍ أَدَلَّهُ خُلُقُهُ وَذَلِيلٍ أَعَزَّهُ خُلُقُهُ؛ بهترین رفیق انسان اخلاق نیکوی اوست» و نیز می فرماید: «چه بسا اخلاق (بد) انسان عزیزی را ذلیل کند و اخلاق (خوب) انسان ذلیلی را به (اوج) عزت برساند».<sup>۱</sup>

### زندگی دستجمعی و ضرورت داشتن دوست

زندگی انسان، یک زندگی دستجمعی است و لذا نمی تواند تنها زندگی کند؛ زیرا در این صورت از همه چیز عقب می ماند. و روشن است که در زندگی اجتماعی و دستجمعی نیاز به دوست و رفیق وجود دارد، تا در مشکلات و گرفتاری ها، خوشی ها و ناخوشی ها، فراز و نشیب های زندگی همراه انسان باشد و به او کمک کند. زندگی بدون دوست و رفیق، زندگی بسیار ناگواری است و موجب

۱. سفینة البحار، ج ۲، ص ۶۷۸.

عذاب روح انسان می‌شود، بدین جهت یکی از شکنجه‌های سخت برای زندانیان، زندان انفرادی است.

### چرا بهترین رفیق حُسن خُلُق است؟

طبق روایت فوق، بهترین دوست انسان خُلُق و خوی خوب خود اوست! زیرا اخلاق خوش موجب می‌شود که دیگران به سوی او جذب شوند و دوستان فراوانی داشته باشد، چون کسی که خوش اخلاق است همه مردم رفیق او هستند. گاه انسان تمام نقاط قوت را داراست؛ مال، مقام، شخصیت، تحصیلات عالی، خانواده‌ای اصیل و مذهبی، اعتقادات راسخ و عمیق و مانند آن، ولی فاقد اخلاق خوش است. چنین انسانی ذلیل می‌گردد. و بالعکس امکان دارد شخصی هیچ یک از امکانات فوق را نداشته باشد، اما دارای اخلاقی نیکو و پسندیده باشد، بدون شک چنین انسانی در نزد همگان عزیز خواهد شد و همه به دیده عزت به او می‌نگرند.

روایت فوق به همین مطلب مهم اشاره دارد، و معنای آن این است که حُسن خُلُق پوششی بر تمام بدی‌ها و کاستی‌ها و نقاط ضعف است، همان‌گونه که اخلاق بد تمام محاسن و خوبی‌ها و نقاط مثبت انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و آن‌ها را می‌پوشاند.

تأکید فراوانی که در روایات و آیات قرآن مجید بر مسأله اخلاق

شده برای این است که اخلاق در مدیریت و رهبری جامعه تأثیر فراوانی دارد. مخصوصاً اهل علم باید نسبت به این مسأله دقت بیشتری داشته باشند، بد اخلاقی‌ها و توهین‌ها را با نرمی پاسخ‌گو باشند، تا آن‌ها را متهم به خشونت نکنند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

---

۱. صد و ده سرمشق از سخنان حضرت علی عليه السلام، ص ۹۷ و ۹۸، ح ۳۳.



## مشایعت همسفر

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش چنین نقل کرده است:

«أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام صَاحِبَ رَجُلًا ذَمِيًّا فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ: أَيَنْ تَرِيدُ يَا عَبْدَ اللَّهِ؟ قَالَ: أُرِيدُ الْكُوفَةَ فَلَمَّا عَدَلَ الطَّرِيقَ بِالذَّمِّيِّ عَدَلَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام - إِلَى أَنْ قَالَ - فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ: لِمَ عَدَلْتَ مَعِي؟ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: هَذَا مِنْ تَمَامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ أَنْ يُشِيعَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ هُنَيْئَةً إِذَا فَارَقَهُ وَكَذَلِكَ أَمَرْنَا نَبِيَّنَا الْحَدِيثَ وَفِيهِ أَنَّ الذَّمِّيَّ أَسْلَمَ لِذَلِكَ؛ عَلَى علیه السلام [در یکی از سفرهایش به سمت کوفه] با یک ذمی [یهودی یا مسیحی] همسفر شد. آن شخص از حضرت پرسید: ای بنده خدا! به کجا می روی؟ حضرت فرمود: مقصد من کوفه است. [و به راه خود ادامه دادند] هنگامی که به دو راهی شام و کوفه رسیدند و ذمی راه شام را در پیش گرفت، مشاهده کرد که حضرت علی علیه السلام نیز همراه او به سمت شام می آید. [با تعجب] پرسید: چرا به سمت کوفه نرفتی و مرا همراهی کردی؟! حضرت فرمود: این کار از نشانه های کمال مصاحبت محسوب می شود. شایسته است انسان

همسفر خود را هنگامی که از او جدا می‌شود، با گشاده رویی بدرقه کند و این دستور پیامبر ماست. در روایت آمده است که شخص ذمی با همین برخورد مسلمان شد.<sup>۱</sup>

### معجزه اخلاق

مسائل اخلاقی در تمام شؤون جامعه اثر دارد. اگر اقتصاد با اخلاق آمیخته شود، سبب رونق اقتصادی و عدالت اجتماعی می‌گردد و آن‌گاه ۸۰ درصد ثروت جهان در اختیار ۲۰ درصد مردم قرار نمی‌گیرد و ۲۰ درصد دیگر به ۸۰ درصد مردم اختصاص داده نمی‌شود؛ بلکه همه ثروت دنیا به طور عادلانه در اختیار همه مردم قرار می‌گیرد. آن‌ها که فاقد اخلاقند، در پی درآمد هرچه بیش‌ترند و برای آن‌ها مهم نیست که این درآمد از کجا به دست می‌آید.

در مسائل سیاسی نیز چنین است. اگر سیاست با مسائل اخلاقی ممزوج شود، جاذبه پیدا می‌کند. صداقت و روحانیت بر آن حاکم می‌شود و باعث پیشرفت می‌گردد.

اخلاق می‌تواند اعتقادات طرف متقابل را نیز متحول کند، همان‌گونه که در روایت مورد بحث چنین شد و شخص غیر مسلمان بر اثر حسن معاشرت و برخورد زیبای حضرت امیر مؤمنان علیه السلام مسلمان شد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۹۲، ح ۱.

اگر همه مسلمانان با پیروان دیگر ادیان و مذاهب با اخلاق نیکو برخورد کنند، فوج فوج به اسلام خواهند پیوست ﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾<sup>۱</sup> و چه بسا در پی مسلمان شدن آن شخص ذمی، عده‌ای دیگر از دوستان و آشنایان و بستگانش مسلمان شده و نسل گروه زیادی از مسلمانان فعلی از همان شخص نشأت گرفته باشد.

### چگونگی برخورد با غیر مسلمانان

رعایت مبانی اخلاق اسلامی مخصوص معاشرت با مسلمانان نیست، بلکه در برخورد با غیر مسلمانان نیز باید مراعات شود و این مطلب از آیه شریفه هشتم سوره ممتحنه استفاده می‌شود:

﴿لَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾؛ «خداوند شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد».

ما در فقه از این آیه استفاده مهمی کرده، و حصر کفار را در کفار حربی و ذمی شکسته‌ایم و کفار معاهد و مهادن را نیز بر آن

۱. سوره نصر، آیه ۲.



افزوده‌ایم.<sup>۱</sup> به هر حال اخلاق اسلامی به معاشرت با مسلمانان اختصاص ندارد و اگر چهره واقعی اسلام ضمن اعمال و ارتباط‌های ما نشان داده شود، جاذبه‌ی زیادی پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

\*\*\*

---

۱. شرح بیشتر را در کتاب ما، استفتانات جدید، ج ۱، ص ۲۹۱، س ۱۱۶۱، مطالعه فرمایید.  
۲. آداب معاشرت در اسلام، ص ۳۸-۴۰، ح ۹.

## صفات چهارگانه مؤمن

حضرت رضا علیه السلام به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:  
 «الْمُؤْمِنُ هَيِّنٌ لَيِّنٌ سَمِحٌ، لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ، وَالْكَافِرُ فَظٌّ غَلِيظٌ، لَهُ خُلُقٌ سَيِّئٌ، وَفِيهِ جَبَرِيَّةٌ؛ مُؤْمِنٌ [دارای چهار صفت است] آسان گیر، نرم، سخاوتمند و خوش اخلاق است؛ ولی کافر سختگیر، خشن و غلیظ، بداخلاق و متکبر است»<sup>۱</sup>.

### سخت‌گیری

آسانگیری بر مردم و نزدیکان مسأله بسیار مهمی است؛ چرا که بسیاری از نابسامانی‌ها در خانواده، جامعه، اجتماع و محل کار بر اثر سختگیری‌هاست. اگر مردم در مسائلی که اهمیتی چندانی ندارد، سختگیری نکنند، زندگی برای همه آسان می‌شود. به چند مصداق توجه کنید:

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۶، ح ۴.

### الف) سختگیری در خواستگاری

وقتی جوانی به خواستگاری دختری می‌رود، سختگیری‌ها شروع می‌شود؛ از داشتن یا نداشتن خانه شخصی، اتومبیل سواری مدل بالا، کسب و کار پردرآمد، تحصیلات عالی، تفاوت سنی و مانند آن سؤال می‌کنند. اگر خواستگار حتی در یکی از این موارد جوابش منفی باشد، پاسخ منفی می‌شنود و ازدواج سر نمی‌گیرد. گاه دختر بهترین سال‌های عمرش را پشت دروازه سختگیری‌های پدر و مادر باید سپری کند؛ در حالی که بسیار کمند افرادی که به هنگام ازدواج دارای خانه ملکی و اتومبیل سواری و زندگی مرفه بوده‌اند، بلکه تدریجاً و پس از ازدواج به آن دست یافته‌اند. افزایش سن ازدواج در میان دختران و پسران در خیلی از موارد به دلیل همین سختگیری‌هاست.

### ب) سختگیری در مورد جهیزیه

برخی از خانواده‌ها می‌پرسند: اگر بر پولی که جهت جهیزیه پس انداز شده، سال خمسی بگذرد، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟ در پاسخ می‌گوییم: آری؛ خمس آن باید پرداخت شود، ولی اگر طرف واقعاً ضعیف باشد به او می‌بخشیم. می‌پرسند: چه کنیم که خمس نداشته باشد؟ گفته می‌شود: اگر قبل از سال خمسی اقلام جهیزیه را تهیه کنید، خمس ندارد.

می‌گویند: این کار ممکن نیست؛ چون با گذشت زمان، وسایل خریداری شده از مد می‌افتد!

می‌گوییم: چه اشکالی دارد با وسایلی که ده سال قبل ساخته شده زندگی کنند؟ چرا با این سختگیری‌ها مانع ازدواج جوانان می‌شویم؟

می‌دانید اگر بر اثر این سختگیری‌ها ازدواج صورت نگیرد و دختر و پسر مرتکب گناهی شوند شما که سختگیری کرده‌اید، در گناه آنان شریک هستید؟<sup>۱</sup>

### ج) سختگیری‌های بی‌دلیل

پس از عبور از مرحله خواستگاری و جهیزیه و مهریه، که متأسفانه خود داستان غم‌انگیز دیگری دارد، سختگیری‌های زن و شوهر در زندگی مشترک شروع می‌شود. اگر بی‌جهت به هم سخت نگیرند، می‌توانند عمری را در کنار یکدیگر سالم و سعادت‌مند زندگی کنند. زن حال شوهرش را رعایت نموده و شوهر شرایط همسرش را درک کند. اگر سختگیری نکنند، زندگی به طلاق منجر نمی‌شود.

سختگیری‌ها و اختلافات جزئی، همچون هسته اولیه بهمن است که اگر به موقع اقدام شود برف تلنبار نمی‌گردد و قابل کنترل است و گرنه پس از مدتی قابل کنترل نخواهد بود و با سقوط آن

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۹۷؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۵، ذیل آیه ۳۲ سوره نور.

افرادی از بین می‌روند. اگر جلو اختلافات هم در ابتدا گرفته شود، خانواده‌ها از هم پاشیده نمی‌شوند.

#### د) سختگیری‌های اداری

وارد صحنه اجتماع می‌شویم. به عنوان مثال چند جوان با ایمان تحصیل کرده رشته کشاورزی تصمیم می‌گیرند با رعایت اصول جدید و مکانیزه یک واحد کشاورزی راه بیندازند. برای اخذ مجوز به اداره مربوطه مراجعه می‌کنند. آن‌قدر آن‌ها را از این اطاق به آن اطاق و از این اداره به آن اداره ارجاع می‌دهند که پس از ماه‌ها و سال‌ها پشیمان شده و کار تولیدی را رها کرده و به کار دیگری می‌پردازند. ما حق نداریم با مردم مانند یک متهم برخورد نموده و با آن‌ها سختگیرانه رفتار کنیم؛ چرا که نتیجه این سختگیری‌ها فرار صاحب سرمایه‌ها از کشور است. طلبکاران به بدهکاران، که به پرداخت بدهی خود توانمند نیستند، مهلت بدهند و با آن‌ها سختگیری نکنند. امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: فلان رفیقت از تو شاکی بود. گفت: بی‌خود شاکی است. من حقم را می‌خواهم از او بگیرم. امام فرمود: آسان بگیر تا خدا آسان بگیرد: «يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ»<sup>۱</sup>. پروردگارا! به ما توفیق تخلق به اخلاق مؤمنان و اجتناب از صفات اخلاقی کافران را عنایت فرما.<sup>۲</sup>

۱. البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۲۴۶، ح ۵۵۲۸.

۲. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۶۳-۱۶۶، ح ۶.

## چگونگی معاشرت با مردم

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِثُّكُمْ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَإِنْ عِشْتُمْ حَنُوا إِلَيْكُمْ؛ به گونه‌ای با مردم معاشرت کنید که اگر مردید بر مر شما اشک بریزند و اگر زنده ماندید به شما عشق بورزند.<sup>۱</sup>»

### اسلام دین اجتماعی

می‌دانیم اسلام دینی اجتماعی است و آیات قرآن و روایات اسلامی به‌طور گسترده از معاشرت خوب با مردم سخن گفته است و روایات متواتری در این باره در منابع حدیث وارد شده، که کلام فوق، یک نمونه آن است.

حدیث مذکور اشاره به این است که پیوند محبت و دوستی را از طریق برخورد خوب و نیکی و خدمت کردن به مردم آنچنان

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۰، ج ۳، ص ۲۲۶.

محکم کنید که شما را به منزله نزدیک‌ترین عزیزان خود بدانند؛ هرگاه از دست بروید جای شما در میان آنها خالی باشد؛ ولی در دل همواره از شما یاد کنند و بر عواطف و محبت‌هایی که نسبت به آنها داشتید اشک بریزند و در حال حیات پروانه‌وار گرد شما بگردند و از معاشرت با شما لذت ببرند.

در واقع امام علیه السلام در اینجا مسئله محبت و نیکی کردن به مردم را با دلالت التزامی و ذکر لوازم بیان فرموده است، زیرا اشک ریختن بعد از مرگ و عشق ورزیدن در حال حیات از لوازم قطعی محبت با مردم است.

### حُسْنُ مَعَاشِرَت

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حسن معاشرت با مردم، نشانه اسلام شمرده شده می‌فرماید: «أَحْسِنُ مُصَاحَبَةَ مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا؛ با کسی که همنشین توست خوش رفتاری کن تا مسلمان باشی».<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری از امام امیر مؤمنان علیه السلام می‌خوانیم: «صَاحِبِ الْإِخْوَانَ بِالْإِحْسَانِ وَتَعَمَّدْ ذُنُوبَهُمْ بِالْغُفْرَانِ؛ با برادران نیکی کن و گناهانشان را ببخش».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةَ مَنْ»

۱. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۶۸، ح ۴.

۲. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۴۱۵، ح ۹۴۸۶.

صَحْبُهُ وَمُرَافَقَةٌ مَنْ رَافَقَهُ؛ آن کس که با دوستانش خوشرفتاری نکند و با رفیقش رفاقت نداشته باشد از ما نیست»<sup>۱</sup>.

این دستورات که نمونه‌های فراوان دیگری نیز در روایات دارد بر خلاف چیزی است که در دنیای مادی امروز معمول است؛ نه در زندگی به دوستان خود عشق می‌ورزند و نه بعد از مرگشان بر آنها اشک می‌ریزند، زیرا در دنیای مادی عواطف را درک نمی‌کنند و همواره دنبال منافع مادی خویشند.

در تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی برای آنچه در بالا آمد دیده می‌شود<sup>۲</sup> که بعد از مرگ افراد نیکوکار شهر آنها یکپارچه عزا شد و در حیاتشان دوستان پروانه‌وار گرد آنها بودند.<sup>۳</sup>

\* \* \*

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۱، ح ۲۱.

۲. مرحوم علامه شوشتری نمونه‌هایی را در بهج الصباغة، ج ۱۳، ص ۳۷۶ به بعد، آورده که برای پرهیز از طولانی شدن بحث از ذکر آنها خودداری شد.

۳. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۸۶ و ۸۵.





## راه نفوذ در دیگران

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«جَبَلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا، وَ بُغِضَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا؛ دلها در بند دوستی کسی است که به آنها نیکی کرده و دشمن آن که به آنها بدی کرده است».<sup>۱</sup>

در جایی دیگر به جای تعبیر «جبلت» چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ جَبَلَ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغْضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا».<sup>۲</sup>

«جَبَلَ» به معنای خلقت است اما نه هر خلقتی، بلکه آن خلقت ریشه دار که قابل تغییر نیست مثل اینکه می گویند: فلان صفت جبلی فلان کس است، یعنی چنان در او ریشه دوانده که قابل تغییر نیست و در واقع از جَبَلَ به معنای کوه گرفته شده است؛ چون کوه را نمی توان از جایش حرکت داد، به همین جهت صفاتی که در خلقت جای می گیرد و قابل تغییر نیست از آن تعبیر به جبل می کنند.

۱. تحف العقول، ص ۲۶.

۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸، ح ۸۱.

در این حدیث می فرماید: خداوند دلها را چنان آفریده است که نسبت به کسانی که به آنها نیکی کنند علاقه عمیق دارند و نسبت به کسانی که به آنها بدی کنند کینه دارند. بنابراین، خوبی سبب عشق و علاقه، و بدی سبب دشمنی است.

### چگونه می توان در دیگران نفوذ کرد؟

بهترین راه برای نفوذ در دیگران راهی است که در روایت آمده است: یعنی نیکی کردن به مردم و حل کردن مشکل آنها؛ البته کمک به حل مشکلات، و نیکی کردن به مردم تنها کمک مادی نیست، بلکه استفاده از سرمایه‌هایی است که در اختیار داریم و فناپذیر است. همان که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

«إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ؛ شما با پول نمی توانید همه مردم را جذب کنید، ولی با اخلاق نیکو می توانید مردم را جذب کنید»<sup>۱</sup>.

این کار هزینه زیادی هم نمی خواهد، مانند برخورد نیکو با همسایه، پیش از او سلام کردن، احوال پرسسی کردن و احوال خویشان او را پرسیدن، در غیاب دوست از او دفاع کردن و اگر بیمار شد عیادتش نمودن و در غم و شادی شریک او بودن.

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۱۰۷ من أبواب أحكام العشرة، ح ۸.

یکی از عوامل پیشرفت رسول اکرم ﷺ در صدر اسلام، نفوذ آن حضرت در دلها بود که در آیه شریفه ۱۵۹ سوره آل عمران - همان‌گونه که گذشت - به آن اشاره شده است.

خداوند متعال، در آیه ۴ سوره قلم، در توصیف اخلاق پیامبرش می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری».

اخلاقی که عقل در آن حیران است، چرا که اگر مردم را به بندگی خدا دعوت می‌کنی تو خود بیش از همه عبادت می‌کنی، و اگر از کار بد باز می‌داری تو قبل از همه خودداری می‌کنی، آزارت می‌دهند و تو اندرز می‌دهی، ناسزایت می‌گویند و تو برای آنها دعا می‌کنی، بر بدنت سنگ می‌زنند و خاکستر داغ بر سرت می‌ریزند و تو برای هدایت آنها دست به درگاه خدا بر می‌داری.<sup>۱</sup>

\* \* \*

۱. گفتار معصومین علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۴۱-۴۳.



## بهترین زندگانی

امام رضا علیه السلام فرمودند: «لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ، وَلَا مَالَ أَنْفَعُ مِنَ الْقُنُوعِ، وَلَا جَهْلَ أَضْرُّ مِنَ الْعُجْبِ؛ هَيْجَ زَنْدَگِی بَهْتَرِ از زَنْدَگِی هَمْرَاهِ بَا حُسْنِ خُلُقِ نِیْسْت، وَ هَيْجَ ثَرْوَتِی سَوْدَمَنْدْتَرِ از قِنَاعَتِ نَمِی بَاشَد، وَ هَيْجَ نَادَانِی بَدْتَرِ از خَوْدِپَسَنْدِی نِیْسْت».<sup>۱</sup>

### زندگی همراه با حُسن خُلُق

امام سه پیام در این حدیث کوتاه برای همه شیعیانش بیان کرده است. اول این که: «هیچ زندگی بهتر از زندگی با حُسن خُلُق نیست». یعنی اگر حُسن خُلُق در شما باشد زندگی تان گواراترین زندگانی خواهد بود.

در باره مسأله حُسن خُلُق هم در قرآن مجید و هم در روایات اسلامی و هم در حالات معصومین علیهم السلام مطالب بسیار زیادی مطرح

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۸، ح ۵.

شده است. منظور از حُسن خُلق برخورد خوب با دیگران، با چهره گشاده، الفاظ محبت آمیز، همراه با احترام و تواضع است. می دانیم زندگانی بشر یک زندگانی دسته جمعی است. پیوند در میان افراد در این زندگانی دسته جمعی همان حُسن خُلق است. اگر ارتباط دوستانه محبت آمیز باشد پیوندهای اجتماعی محکم شده و آثار و برکات آن در جامعه ظاهر می شود. اگر پدر خانواده نسبت به همسر و فرزندان با حُسن خُلق رفتار کند فضای خانه یک فضای نورانی و آرامش بخش می شود. اما اگر عبوس، عصبانی، خشن باشد و با الفاظ بد با هم رفتار کنند فضا، یک فضای کاملاً ظلمانی می شود. کلید حل مشکلات اجتماعی حُسن خُلق است. برادران و خواهران محترم، جوانان عزیز! بیاید از امشب این برنامه علی بن موسی الرضا علیه السلام را در زندگی خود پیاده کنیم. مأمورانی که در ادارات نشسته اند و رؤسای ادارات خیال نکنند قیّم مردمند بلکه خادم مردمند. چون از بیت المال پول می گیرند و باید به مردم خدمت کنند.

### انتقادپذیری و سعه صدر

در سطوح بالای اجتماع مسؤولین بالا باید با حُسن خُلق با یکدیگر و با منتقدانشان رفتار کنند، آستانه تحمل خود را بالا ببرند و انتقاد سازنده باید در جامعه باشد. هر کس چیزی به فکرش رسید چه موافق، چه مخالف باید بگوید. البته در انتقاد باید سه

اصل رعایت شود: دروغ، تهمت و اهانت در آن نباشد. اما آزاد باشند انتقاد کنند. نباید مسئولین انتقادکنندگان را مورد حمله قرار بدهند. امیرمؤمنان علی علیه السلام چقدر عالی می فرماید: «آلَةُ الرَّيَّاسَةِ سِعَةُ الصِّدْرِ؛ ابزار ریاست سعه صدر است». این حدیث را همه مسئولین و مدیر کل ها و وزرا باید بنویسند و در اتاقشان بگذارند. سعه صدر به معنای سختی های حوادث را در خود هضم کردن و عصبانی نشدن و پرخاش نکردن است. امیدواریم إن شاء الله این برنامه اسلامی در محیط ما به نحو احسن اجرا شود. مسئولین با انتقادکنندگان، انتقادکنندگان با مسئولین، ارباب رجوع ادارات با مأمورین ادارات، مسئولین ادارات با ارباب رجوع و خلاصه همه با حُسن خُلق رفتار کرده و این سرمایه بزرگ را حفظ کنند.

### اسباب ورود به بهشت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «می دانید روز قیامت مردم با چه وسیله ای وارد بهشت می شوند؟ با دو وسیله بیش از همه وسایل (این وسیله را بشناسیم و بهشتی شویم) فرمود: «أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ؛ اول تقوی و پرهیز از گناه و دوم حُسن خُلق است».<sup>۱</sup>

ما می گوئیم یکی از معجزات پیغمبر اسلام معجزه اخلاقی بود.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۰۰، باب حسن الخلق، ح ۶؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۷۵، ح ۶.



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در محیطی مملو از خشونت پرورش یافته، که نمونه آن تکفیری‌هایی هستند که دوران جاهلیت را بعد از ۱۴۰۰ سال دارند زنده می‌کنند، کسی که در آن محیط پرورش یافته با آن همه محبت و حُسْنُ خُلُق رفتار می‌کرد. لشکر اسلام فاتحانه وارد مکه شد. مکه‌ای که کانون دشمنان بود، مکه‌ای که خون آن همه جوانان و مسلمانان را در آن ریخته بودند، مکه‌ای که الان موقع انتقام‌گیری است، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد کنار خانه کعبه ایستاد و فرمود: درباره من چه فکر می‌کنید؟ آیا حکم قتل عام بدهم؟ عرض کردند: «أَنْتَ أَخٌ كَرِيمٌ وَابْنُ أَخٍ كَرِيمٍ؛ تو برادر کریم ما هستی و فرزند برادر کریم ما هستی».<sup>۱</sup> فرمود: «أَنْتُمْ الطُّغَّاءُ؛ همه شما آزاد هستید و هیچ کس حق ندارد خون کسی را بریزد».<sup>۲</sup>

اما در جنگ جهانی وقتی آلمان‌ها شکست خوردند و آن به ظاهر متمدن‌های اروپایی (متفقین) وارد آلمان شدند، می‌دانید چه قتل عامی در آنجا به راه انداختند؟ بچه‌های شیرخوار را از داخل گهواره بر می‌داشتند و به آسمان پرتاب می‌کردند و در همان آسمان نشانه‌گیری می‌کردند و با تیر می‌زدند! اینها متمدن‌های بشرند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ۱۴۰۰ سال قبل چه معامله‌ای با دشمنان کرد. این اخلاق پیامبر بود که دنیا را گرفت. اسلام دین محبت و رأفت و رحمت است.

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۲۵، ح ۳.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۵۹، ح ۶.

### قناعت، بهترین ثروت‌ها

اما جمله دومی که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «وَلَا مَالَ أَنْفَعُ مِنَ الْقُنُوعِ؛ بهترین ثروت‌ها قناعت است». روایت داریم از امیرمؤمنان علیه السلام که فرمودند: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْقُذُ؛ قناعت گنجی است که هرگز تمام نمی‌شود».<sup>۱</sup>

برادران، خواهران و جوانان عزیز! ما در شرایطی هستیم که باید به این روایت کاملاً عمل کنیم. قناعت یعنی چه؟ یعنی زندگی فقیرانه؟ ابداء. اسلام می‌گوید: با فقر باید مبارزه کرد. یک ملت فقیر دینش را هم از دست خواهد داد. قناعت یعنی زندگی ساده، یعنی تشریفات را حذف کردن.

یکی از محققان یک حساب آماری جالبی کرده است. می‌گوید: هزینه‌هایی که انسان‌ها می‌کنند سه بخش است: بخش اول ضروریات زندگی (مسکن، لباس و غذا در حد ضرورت). بخش دوم: رفاهیات و بخش سوم: هزینه‌هایی است که در مسیر هوس‌ها خرج می‌شود. سپس اضافه کرده است: بیشترین رقم هزینه‌ها مربوط به بخش سوم و کمترین آن مربوط به بخش اول است.

ما اگر با قناعت زندگی کنیم تحریم‌های دشمنان نمی‌تواند ما را به زانو درآورد. تحریم‌ها وقتی مؤثر می‌شود که قناعت در جامعه

۱. نهج البلاغه، حکمت ۵۷ و ۳۴۹؛ در ضمن همین مطلب در حکمت ۳۷۱ به عبارت دیگری نقل شده است.

نباشد. ما می‌توانیم به نصف آنچه امروز هزینه می‌کنیم زندگی کنیم. این تحریم‌ها شمشیرهای دو لبه است، به آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها هم ضرر می‌زند و منافع مبادلات تجاری ما در جیب حریفان آنها می‌ریزد. اگر به ما ضرر می‌زند به آنها هم ضرر می‌زند. و ما اگر مقاومت کنیم آنها خسته می‌شوند. اقتصاد مقاومتی همین است. بیایید و ان شاء الله جلوی ریخت و پاش‌های زندگی را بگیریم. خیال نکنید به این زودی محاصره اقتصادی را بر می‌دارند. به فرض که ما در مسائل انرژی هسته‌ای کنار بیاییم باز هم می‌گویند تا ده سال دیگر این محاصره‌ها را ادامه می‌دهیم. معلوم نیست چه می‌گویند. واقعاً ملت و دولت آمریکا در مقابل اسرائیل چقدر تسلیم و ذلیل هستند.

رابطه اسرائیل با آمریکایی‌ها مثل رابطه هیپنوتیزم کننده و هیپنوتیزم‌شونده است. نمونه آن جنگ غزه است. در این جنگ همه مردم دنیا اسرائیل را به خاطر کشتن این همه زن و کودک و ویران کردن این همه بیمارستان، مدارس و مانند آن مذمت کردند. اما آمریکایی‌ها گفتند که دولت اسرائیل حق دارد از خودش دفاع کند و تا آخر هم کنار آنها بودند و به آنها کمک کردند. ما نمی‌توانیم از چنین افرادی توقع داشته باشیم به این زودی تحریم‌ها را بردارند. ما باید به سراغ زندگی قانعانه برویم و از این طریق مشت بر دهان تحریم‌کنندگان بکوبیم و به کمک خداوند در این مبارزه آبرومندانه پیروز بشویم.

### جهالت عجب و خودپسندی

امام هشتم در جمله سوم فرمودند: «وَلَا جَهْلَ أَضْرُّ مِنَ الْعُجْبِ؛ هیچ جهلی بدتر از خودپسندی و از خود راضی بودن نیست». در روایات متعددی<sup>۱</sup> آمده افرادی که خودپسند و از خود راضی و خودبرترین هستند، عقلشان ناقص است. اگر عقل درستی داشتند می دانستند انسانی که دیروز یک کودک ناتوان بود فردا هم پایه سن می گذارد ناتوان است، اولش ضعف و ناتوانی، آخرش هم ضعف و ناتوانی. در مقابل یک سلول یاغی سرطانی نمی تواند مقاومت کند. این انسان چرا گرفتار عجب شود و از خود راضی باشد. اسلام دین تواضع و فروتنی است و به پیروانش سفارش می کند که خود را از برتر از دیگران ندانند.

إن شاء الله به این سه برنامه ای که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بیان فرمودند: (حسن خُلق، قناعت و ترک عجب) عمل کنیم و از برکاتش بهره مند شویم.<sup>۲</sup>

\* \* \*

۱. تصنیف غررالحکم، ص ۳۰۸، ذیل عنوان «علل العجب: الف) عدم العقل».  
 ۲. این حدیث شریف در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۳ در صحن جامع رضوی در حضور دهها هزار زائر آستان قدس رضوی توسط حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) تفسیر شد.







## غرفه‌های خاص بهشتی

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

«إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرَفًا يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا لَا يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي إِلَّا مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَى السَّلَامَ وَأَدَامَ الصِّيَامَ وَ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ ... وَ إِفْشَاءَ السَّلَامِ أَنْ لَا يَبْخَلَ بِالسَّلَامِ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ در بهشت غرفه‌ها و اطاق‌هایی است که داخل آن از بیرون و بیرونش از داخل پیداست و تنها کسانی در آن سکونت خواهند داشت که واجد این صفات باشند: الف) کسی که با دیگران بدون خشونت سخن بگوید؛ ب) کسی که به فقرا طعام و غذا بدهد؛ ج) کسی که سلام را افشا کند؛ د) کسی که بر روزه مداومت داشته باشد؛ ه) کسی که توفیق نماز شب داشته باشد... و افشای سلام آن است که در سلام کردن نسبت به هیچ مسلمانی بخل نرزد»<sup>۱</sup>.

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۳۴، ح ۷.



رسیدن به بهشت به کار و تلاش و فعالیت مخلصانه نیاز دارد، و دستیابی به مراتب عالی بهشت، تلاش ویژه‌ای می‌طلبد. طبق روایت مورد بحث کسانی که مشتاق رفتن به غرفه‌های ویژه بهشت هستند، باید واجد صفات پنجگانه زیر باشند:

### ۱. سخنان نرم و مؤدبانه

اولین ویژگی آن‌ها این است که در سخن گفتن و برخورد با دیگران اهل خشونت نیستند، بلکه با مرم محترمانه و مؤدبانه برخورد می‌کنند.

### ۲. کمک به دیگران

ویژگی دیگر آن‌ها، سیر کردن نیازمندان است. البته بعید نیست که اطعام طعام را توسعه دهیم و شامل هرگونه کمکی از جمله اشتغال زایی، تهیهٔ جهیزیّه دختران نیازمند، طرح اشتغال، کمک اجارهٔ مستأجران مستمند و مانند آن بدانیم.

### ۳. افشای سلام

سلام کردن کار کم خرج و پر فایده‌ای است. لذا اسلام سفارش می‌کند که به همه سلام کنید. و در سلام کردن بین کوچک و بزرگ، رئیس و مرئوس، عالم و جاهل، پیاده و سواره تفاوتی نیست، بلکه

بالعکس مناسب است که سواره بر پیاده<sup>۱</sup> و ایستاده بر نشسته<sup>۲</sup> سلام کند تا شخص سواره یا ایستاده خیال نکند بر افراد غیر سوار و نشسته برتری دارد.

#### ۴. مداومت بر صیام

مداومت بر روزه از ویژگی‌های دیگر ساکنان غرفه‌هایی است که رسول خدا ﷺ به آن اشاره کرده است. در ذیل روایت آمده است که اگر ماهی سه روز، روزه مستحبی بگیرد، مصداق حدیث خواهد بود.

#### ۵. نماز شب و راز و نیازهای شبانه

نماز شب و راز و نیاز شبانه در پرورش روح، و تربیت نفوس، و سیر الی الله و حلّ مشکلات تأثیر عجیبی دارد. اگر نمی‌توانید تمام مسحّاتش را به جا آورید، به انجام دادن بخشی از مستحبّات آن قناعت کنید. اگر حال اقامه تمام یازده رکعت را ندارید، سه رکعت آخر را به جا آورید. اگر هر شب نمی‌توانید برای خواندن نماز شب از خواب برخیزید، هرچند شب یک بار و لااقل شب‌هایی که فردای آن تعطیل هستید نماز شب بخوانید.

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۶، باب ۱۸۷۳، ح ۹۰۳۳.

۲. همان، ص ۲۸۵، باب ۱۸۷۴، ح ۹۰۳۱.

ان شاء الله با انجام دادن اعمال پنجگانه مذکور، ما و شما هم ساکن غرفه‌های بهشتی باشیم که رسول خدا ﷺ وعده داده است.<sup>۱</sup>

\* \* \*

---

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۹۵-۹۷، ح ۲.

## همسایگان پیامبر ﷺ در جهان آخرت

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِساً يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَخَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ؛  
نزدیک‌ترین شما، از نظر محل سکونت و زندگی، به من در روز  
قیامت کسی است که اخلاقش از همه بهتر و رفتارش با خانواده‌اش  
نیکوتر باشد».<sup>۱</sup>

در روایت دیگری آمده است که از پیامبر خدا ﷺ پرسیدند:

«مَا أَفْضَلُ مَا أُعْطِيَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ؟ قَالَ: الْخُلُقُ الْحَسَنُ؛ بهترین  
فضیلتی که ممکن است به مسلمان داده شود چه فضیلتی است؟  
فرمود: اخلاق نیکو و پسندیده».<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
فرمود:

«نَزَلَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلُ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ بِحُسْنِ

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۴، ح ۲۴.

۲. همان، ح ۲۸.

الْخُلُقِ فَإِنَّهُ ذَهَبٌ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ<sup>۱</sup> أَلَا وَإِنَّ أَشْبَهَكُمْ بِي أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا؛ جبرئیل از سوی پروردگار دو جهان بر من نازل شد و گفت: ای محمد! بر تو باد به رعایت حسن خلق که تمام خیر دنیا و آخرت در آن است و آگاه باشید که شبیه‌ترین شما به من خوش اخلاق‌ترین شماست»<sup>۲</sup>.

### راز اهمیت اخلاق پسندیده

اولاً: یکی از معجزات پیامبر ﷺ معجزه فرهنگی آن حضرت است. پیامبر ﷺ در منطقه‌ای ظاهر شد که مردمش سرتا پا خشونت بودند. طبق آنچه در کتاب «انساب الاشراف» و «اغانی» آمده است، بین دو طایفه جنگ و درگیری رخ داد. یک طایفه پیروز شد و شکم ۲۰۰۰ زن باردار طایفه مغلوب را پاره کرد!

شاعر طایفه پیروز «صفار محاربی» با افتخار به این جنایت بی سابقه و خشونت کم نظیر، آن را چنین به شعر درآورد:

بقرنا منکم الفی بقیر فلم نترك لحاملة جنیناً<sup>۳</sup>

آری، پیامبر اسلام ﷺ در میان چنان جمعیت بی رحم و خشن و فاقد صفات اخلاقی برانگیخته شد. بدون شک سخن گفتن از حُسن خُلُق و دوستی و محبت و عفو و مانند آن، در چنان محیطی

۱. در بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۸۴، ح ۲ به جای «فانه ذهب بخیر الدنيا والآخرة» جمله «فان

سوء الخلق یذهب بخیر الدنيا والآخرة» آمده و این جمله مناسب‌تر است.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۴، ح ۱۶؛ بحار الانوار، ج ۷۳،

ص ۲۹۶، ح ۳.

۳. الاغانی، ج ۲۳، ص ۲۰۲.

معجزه است و مهم‌تر از آن، رویش بهترین گل‌ها از چنان شوره زاری است. شخصیت‌هایی که هر یک سمبل والگویی عفو و خوش اخلاقی هستند.

عفو و گذشت پیامبر اسلام ﷺ حتی از سرسخت‌ترین دشمنانش، نظیر قاتل عموی بزرگوارش، حضرت حمزه، معجزه کوچکی نیست. **ثانیاً:** روایت مذکور و روایات مشابه نشان می‌دهد که خشونت‌هایی که از ناحیه وهابی‌ها، طالبان و مانند آن‌ها صورت می‌پذیرد، با اسلام هیچ ارتباط و همسویی ندارد، بلکه تجدید عهد جاهلیت است. و ما مسلمانان باید با حُسن خُلق و پرهیز از خشونت ثابت کنیم که این‌گونه کارها به اسلام بی‌ارتباط است. باید در عمل ثابت کنیم که مسلمان کسی است که در برابر دیگران و لو غیر مسلمانان چهره‌ای گشاده، سخنانی محبت‌آمیز، برخوردی صحیح و مؤدبانه دارد.

انسان‌های احمو، عبوس، بدزبان، بی‌محبت، بی‌ادب و بی‌عاطفه، از اسلام بیگانه‌اند. کسانی که در زبان یا در عمل یا در ظاهر یا باطن خشن هستند از اسلام فاصله گرفته‌اند. با این عملکرد می‌توانیم به پیشرفت اسلام کمک کنیم، همان‌گونه که آموزه‌های پیامبر اسلام ﷺ با اخلاق خوش آن حضرت پیشرفت کرد. مسلمانان نسبت به یکدیگر سخت‌گیری نکنند، مسلمانانی که اهل عفو و گذشت نیستند، خداوند هم با آن‌ها سخت خواهد گرفت.<sup>۱</sup>

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۵۸-۱۶۰، ح ۴.



## روش جلب محبت

یکی از معصومین علیه السلام فرمودند:

«صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَ حُسْنُ الْبِشْرِ يَكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ وَ يُدْخِلَانِ الْجَنَّةَ وَ الْبُخْلُ وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ يُبْعِدَانِ مِنَ اللَّهِ وَ يُدْخِلَانِ النَّارَ؛ خدمت به دیگران کردن (و بخل نورزیدن) و برخورد شایسته با مردم، باعث جلب محبت مردم و راه یافتن به بهشت می شود و بخل و ورزیدن و برخورد ناشایست با مردم، انسان را از خدا دور کرده و وارد جهنم می کند»<sup>۱</sup>.

همچنین در روایت دیگری که امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش و آن‌ها از حضرت علی علیه السلام نقل کرده اند، می خوانیم:

«إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حُسْنِ

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۷، ج ۱؛ هرچند در سند روایت نام امامی که روایت از وی نقل شده، صریحاً نیامده است؛ اما علامه مجلسی طبق آنچه در مرآت العقول آمده معتقد است که این حدیث از امام باقر یا امام صادق علیه السلام است (مرآت العقول، ج ۸، ص ۱۷۹).



اللِّقَاء؛ شما نمی‌توانید با ثروتمندان مردم را از خود راضی کنید. سعی کنید این هدف را با گشاده‌رویی و برخورد خوب تحصیل نمایید»<sup>۱</sup>.

### تقابل ثروتمندان مغرور با پیامبران الهی

مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که همواره ثروتمندان مغرور از خود راضی در برابر پیامبر ایستاده‌اند، همان‌گونه که قرآن مجید می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»؛ «و ما در هیچ شهر و دیاری [پیامبر] بیم دهنده‌ای نفرستادیم، مگر این‌که ثروتمندان آن‌ها [که مست ناز و نعمت بودند] گفتند: ما به آنچه فرستاده شده‌اید، کافریم»<sup>۲</sup>.

این مطلب به عصر پیامبران عليهم السلام اختصاص ندارد. در عصر ما نیز ثروتمندان مغرور، بی‌درد با هر ندای حق طلبانه‌ای مخالفت می‌کنند، چرا؟

ثروتمندانی که دارای سرمایه نامشروع هستند، طبیعی است که در مقابل انبیا بایستند؛ زیرا سرمایه خود را در خطر می‌بینند. وظیفه ماست که مراقب آن‌ها باشیم. یکی از توطئه‌های آن‌ها این است که آیین و مذهب را از صحنه اجتماعی خارج کرده و آن را به رابطه‌ای شخصی انسان با خدا تبدیل کنند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۷، ح ۸.

۲. سوره سبأ، آیه ۳۴.

اگر بتوانند به این هدف دست یابند، در مبارزه خویش با اسلام اجتماعی موفق شده‌اند؛ همان‌گونه که درباره مسیحیت این کار را کرده‌اند و نتیجه آن خروج آیین مسیحیت از صحنه اجتماع و سیاست و حصر آن در کلیسا آن هم در روز خاصی از هفته شد.

### توطئه خطرناک دشمن

این نقشه را برای اسلام هم کشیدند؛ لذا یکی از برنامه‌های آمریکایی‌ها در کشورهای اسلامی حذف آیات جهاد و شهادت و مذمت یهود است و عجب آن‌که همفکران آن‌ها در داخل کشور در همین مسیر حرکت می‌کنند. آن‌ها در تلاشند که اسلام را در مسایل اخلاقی منحصر نموده و قصد دارند این‌گونه القا کنند که مسائل حقوقی از قبیل حدود و دیات و قصاص و مانند آن، مخصوص آن زمان بوده است و لذا باید قوانین عرفی را جایگزین آن کرد!

اما با مراجعه به روایات ملاحظه می‌کنیم که جلوه‌های مختلف جنبه‌های اجتماعی و سیاسی و حکومتی اسلام به تصویر کشیده شده که روایت مذکور یک نمونه آن است.

طبق این حدیث، بشاشت وجه و خوشرویی و اخلاق خوش فایده‌ای در دنیا دارد و آن جلب مودت و محبت است و اثری برای آخرت خواهد داشت و آن ورود به بهشت است. اما بخل و بدخلقی، سبب ورود به آتش است.

برخی خیال می‌کنند عبوس بودن، نجوشیدن با مردم، خشونت، اخمو بودن نشانهٔ قداست است، در حالی که این حالات انسان را از خدا دور می‌کند. با عمل به این گونه روایات جاذبهٔ اسلام چند برابر خواهد شد.<sup>۱</sup>

\* \* \*

---

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۶۶-۱۶۸، ح ۷.

### نزدیکترین افراد به پیامبر ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي غَدًا وَ أَوْجَبَكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةً، أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ أَدْيَكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ؛ نزدیکترین شما نسبت به من در روز قیامت و شفاعت شونده‌ترین شما کسانی هستند که راستگوتر در گفتار، امانت دارتر، خوش‌خلق‌تر و به مردم از همه نزدیکتر باشند»<sup>۱</sup>.

### رابطه اعمال با قرب به پیامبر ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ مطابق این حدیث می‌فرماید:

در روز قیامت افراد با ایمان و نیکوکار به تناسب اعمالی که دارند، به من نزدیک می‌شوند، ولی از همه نزدیکتر به من در قیامت کسانی هستند که دارای چهار صفت باشند. همچنین در قیامت

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۱۴ (ابواب احکام العشرة، باب ۱۰۸، ح ۸).

برای همه شفاعت می‌کنم ولی شفاعت من بیشتر شامل کسانی است که این چهار صفت را دارا باشند:

۱. کسی که راستگوتر از همه باشد.

۲. کسی که در حفظ امانت از همه قویتر باشد.

۳. کسی که اخلاقش از همه بهتر باشد.

۴. کسی که به مردم از همه نزدیکتر باشد.

در قرآن مجید و روایات اسلامی اعمال خیر بسیاری بیان شده است، ولی پیامبر از میان اعمال خیر این چهار مورد را انتخاب فرموده است.

### اهمیت صداقت و امانت‌دار بودن

مسئله صدق در گفتار و ادای امانت، اساس زندگی بشر است که اگر این دو باشد، زندگی بشر مرتب و منظم است و اگر نباشد انواع مشکلات در جامعه حاکم شده و در نتیجه جامعه به هرج و مرج کشیده می‌شود. اگر مردم صادق و امانت‌دار باشند دنیا بهشت می‌شود و اگر نسبت به هم بی اعتماد و دروغگو باشند، جهنم می‌شود. منشأ بسیاری از بدبختی‌ها دروغ است؛ کسانی که اکنون ادعای طرفداری از حقوق بشر را دارند، خودشان ناقض حقوق بشرند چراکه در ادعای خود دروغ می‌گویند. اگر واقعاً این دو اصل که دو ستون اجتماع است، زنده شود دیگر مشکلی نخواهد بود. علی‌رغم اینکه بسیاری از بیماری‌ها ریشه‌کن شده، ولی

بیماری‌های روانی در دنیا در حال گسترش است؛ شاید روزی فرا رسد که یک انسان سالم در دنیا از نظر فکر و روان پیدا نشود. کتاب‌های مختلفی در مورد بیماری‌های روانی به رشته تحریر درآمده، و داروهای آرام‌بخش بسیاری تولید شده است، ولی فایده‌ای ندارد. وقتی انسان همیشه دغدغه این را داشته باشد که مبادا در حق او خیانت شود، یا به او دروغ گفته شود، دیگر آرامشی نخواهد داشت. اما اگر امانتداری حاکم باشد آرامش نیز حاکم می‌شود. افزایش پرونده‌های دادگستری و طلاق‌ها با آمارهای تکان‌دهنده، به خاطر دروغ و خیانت است.

### حُسن خُلق و ارتباط نزدیک با مردم

دو عامل دیگر که باعث جلب محبت می‌گردد، حُسن خُلق و نزدیکی و ارتباط با مردم است. آیا نزدیکی فیزیکی و جسمانی مراد است و یا نزدیکی روحی؟

روشن است که مراد نزدیکی به عواطف و درک مشکلات مردم است. بعضی فکر می‌کنند که دیگران هیچ مشکلی ندارند و فقط خودشان دارای مشکل هستند.

مشکلات مردم گاهی فردی است و گاهی اجتماعی که باید به آنها نزدیک شد و برای رفع مشکلاتشان کوشید. گاهی مصیبت زده است و نیاز به آرامش خاطر دارد، یا بیمار است و نیازمند روحیه و امیدواری است، یا مشکل اقتصادی دارد، یا با همسایه و فرزند

خود مشکل دارد که باید پا در میانی کرد؛ پس باید به سراغ دردهای مردم رفت.

### خدمات انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب کارهایی صورت گرفته است که باید مردم را به آن تشویق کرد. از جمله: ستاد دیه، جمعیت بیماران کلیوی و بیماران سرطانی، جشن نیکوکاری و عاطفه‌ها که در آغاز هر سال تحصیلی در جریان است؛ و برنامه‌هایی که برای حمایت از یتیمان درست شده است. این کارها دو فایده دارد: یکی خدمت به جامعه انسانی و دیگری تبلیغ دین است. وقتی که پیامبر این دین چنین می‌فرماید چنین دینی جاذبه پیدا می‌کند.

### وهابیت از اسلام بیگانه است

اما به یک معضل بزرگ هم باید اشاره کنیم و آن اینکه در عصر و زمان ما وهابیت با بی‌رحمی و خون‌ریزی باعث شده، که تعلیمات اسلامی چهره منفوری پیدا کند. آنها عقاید عجیبی دارند که می‌گویند هر کس که مشرک شد، خون، مال و عرضش مباح است. حال از نظر آنها مشرک کیست؟ «محمد بن عبدالوهاب» در کتابش می‌گوید کسی که بگوید: «يَا رَسُولَ اللَّهِ اِشْفَعْ لِي عِنْدَ اللَّهِ» مشرک است؛ با چنین طرز فکری خون بی‌ارزش شده و چه بلایی‌های که بر سر انسان‌ها می‌آورند.

حدود هشتاد سال قبل هم به کربلا حمله کردند و بسیاری از زنها و بچه‌ها را کشتند. اینها چهرهٔ اسلام را در دنیا خراب کردند به طوری که در غرب به مسلمانان به دیدهٔ تروریست نگاه می‌کنند. ما باید بگوییم که اسلام آن نیست که وهابی‌ها می‌گویند بلکه آنها یک اقلیت و افرادی هستند که گرفتار اشتباه و تعصب شده‌اند.<sup>۱</sup> اسلام آن است که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید، سراسر عاطفه و محبت؛ شاهد آن هم یک صد و سیزده سورهٔ قرآن است که با بسم الله و عطف و رحمت عامه و خاصه شروع می‌شود و فقط یک سوره در مورد خشونت است. پس اسلام دین محبت و عاطفه است،<sup>۲</sup> حتی در برخورد با مشرکان هم دستور به محبت می‌دهد.<sup>۳</sup>

\* \* \*

---

۱. شرح بیشتر را در کتاب «وهابیت بر سر دو راهی» و «آئین وهابیت» مطالعه فرمایید.  
 ۲. شرح این مطلب را در کتاب «آیین رحمت» نوشته‌ایم.  
 ۳. مشکات هدایت، ص ۱۴۲-۱۴۶.





## سنگین ترین عمل

حضرت رسول ﷺ فرمودند:  
 «أَثْقَلُ مَا يُوضَعُ فِي الْمِيزَانِ حُسْنُ الْخُلُقِ؛ سنگین ترین عملی که در  
 کفّه ترازوی اعمال انسان نهاده می شود حُسن خلق است».<sup>۱</sup>

### «میزان» در معارف دینی

طبق آنچه که از قرآن مجید و روایات<sup>۲</sup> استفاده می شود، در روز قیامت ترازوهایی وجود دارد که تمام اعمال و کردار انسان را با آن می سنجند. کفّه ترازوی اعمال بعضی سنگین است «ثَقُلْتُ مَوَازِينَهُ»<sup>۳</sup> و این سبب خوشحالی آنها می گردد و کفّه ترازوی اعمال برخی دیگر سبک است «خَفَّتْ مَوَازِينُهُ»<sup>۴</sup>. چون اعمالشان ریاکارانه، عوام فریبانه و توخالی بوده، و چنین اعمالی وزنی ندارد.

۱. المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۲۸۴.

۲. آیات و روایات مذکور را در بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۴۲ به بعد مطالعه فرمایید.

۳. اعراف، آیه ۸ و مؤمنون، آیه ۱۰۲ و قارعه، آیه ۶.

۴. اعراف، آیه ۹ و مؤمنون، آیه ۱۰۳ و قارعه، آیه ۸.

البته ترازوی جهان آخرت همچون ترازوهای این جهان نیست، ولی ما ناچاریم برای مفاهیم بلند آن جهان از الفاظ کوتاه و ناقص این جهان استفاده کنیم.<sup>۱</sup>

### چیزهایی که میزان اعمال را سنگین می‌کند

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چه چیزهایی میزان اعمال انسان را سنگین می‌کند؟

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، طبق روایت فوق، حُسن خلق را سنگین‌ترین چیزی معرفی کرده که در کفّه ترازو نهاده می‌شود، می‌دانیم هر چیزی وزن مخصوص به خود را دارد. در علم امروز وزن مخصوص آب ۱ است و بقیه چیزها را با آن می‌سنجند و وزن طلا ۱۸ می‌باشد و آهن از طلا سبک‌تر است. در مسایل معنوی نیز هر چیزی وزنی دارد و وزن حُسن خُلُق از همه چیز سنگین‌تر است. نماز و روزه و حج و جهاد و دیگر اعمال هر کدام وزن خاصی دارند، اما سنگین‌تر از همه آنها حُسن خُلُق و برخورد مناسب است. این سخن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که ۱۴۰۰ سال قبل در محیطی همچون محیط عربستان بیان شده، واقعاً عجیب است و نوعی معجزه به شمار می‌رود. محیطی که جهالت و خشونت در آن موج می‌زد و هنوز هم بعد از قرن‌ها، نمونه‌هایی از آن را توسط وهّابی مشاهده

۱. شرح بیشتر را در کتاب پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۵۸ به بعد مطالعه فرمایید.

می‌کنیم، اما رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در همان محیط، این قدر بر حُسن خُلق تأکید ورزیده، که این نکته در خور دقت فراوان است.

### مؤمن عبوس نیست

بعضی خیال می‌کنند که مؤمن همیشه باید عبوس و اخمو باشد و از خودش هم قهر کند! در حالی اسلام زهد و تقوا را در این امور نمی‌داند.

اسلام ایمان را در حُسن خُلق، برخورد خوش و رعایت ادب در سخن می‌داند و برای آن آثار عجیبی نقل کرده است. در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا نُزِعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ؛ مدارا در هر چیزی سبب زینت و زیبایی، و خشونت در هر چیزی سبب زشتی آن می‌شود».<sup>۱</sup>

### سه مصداق حُسن خُلق

به دنبال حدیث مورد بحث روایت دیگری از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که حُسن خُلق را تفسیر کرده، و بر سه مصداق بارز آن انگشت گذاشته است. توجه بفرمایید:

۱. «تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ؛ پیوند با کسانی که از تو بریده‌اند!».

اگر برخی اقوام و خویشاوندان قطع صلّه رحم کرده‌اند تو مقابله به مثل نکن، بلکه حُسن خُلق اقتضا می‌کند که مقابله به ضد شود.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۶.

چرا که بسیاری از قهرها بر اثر دوری و ناشی از سوء ظن است و در سایه ملاقات‌ها از بین می‌رود.

۲. «وَتَعْفُو عَمَّن ظَلَمَكَ؛ بخشیدن کسانی که به تو ظلمی کرده‌اند».

قرآن منطق ظلم در برابر ظلم و خشونت جواب خشونت را قبول ندارد، بلکه با سلاح عفو و بخشش، ظالم را خلع سلاح می‌کند. البته روشن است که منظور از ظالم در اینجا ظالمان و مستکبران جهانی نیست.

۳. «وَتُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ؛ عطا کردن به کسانی که تو را محروم

کرده‌اند».<sup>۱</sup>

خدایا! به همه ما توفیق شناختن معارف دین و عمل کردن به آن

و انتقالش به دیگران را عنایت فرما!

\* \* \*

۱. المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۲۸۴.





## ثمره ترشروی

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمودند:  
 «الْإِنْتِقَابُ مِنَ النَّاسِ مَكْسَبَةٌ لِلْعَدَاوَةِ؛ ترشروی کردن در برابر  
 مردم، سبب عداوت و دشمنی است».<sup>۱</sup>  
 مفهوم حدیث این است که خوشرویی و برخورد خوب با  
 مردم، موجب جلب محبت است.

### اسباب تنهایی و دشمنی

این مسأله کاملاً محسوس است و همه آن را تجربه کرده‌اند که  
 کسانی که بداخلاق‌اند و با مردم کج خلقی می‌کنند و با آنها با  
 روی گشاده برخورد ندارند، بلکه به گونه‌ای رفتار می‌کنند که  
 گویا دشمن آنها هستند؛ در زندگی تنها می‌مانند و برای خود  
 دشمن می‌تراشند.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۵.



وقتی شما با کسی ترشرویی می‌کنید، او این عمل بد شما را تجزیه و تحلیل می‌کند و به دنبال علل و عوامل آن می‌گردد و بدینسان، پایه‌های دشمنی ایجاد می‌شود؛ و هرچه این‌گونه برخوردها بیش‌تر شود، عداوت و دشمنی نیز فراوان‌تر می‌گردد؛ در حالی که اسلام دین رحمت و عطف و مهربانی است و پایه‌های آن بر محبت استوار است.<sup>۱</sup>

### وهابی‌های خشن، بویی از اسلام نبرده‌اند

خداوند از وهابی‌های خشک و خشنی که اسلام را به عنوان دینی خشن به دیگران معرفی کردند نگذرد! کسانی که آبروی اسلام را بردند و با این رفتار زشت خود، به اسلام و مسلمین ضربه‌ای بزرگ وارد کردند. اسلام آن‌گونه نیست که آن‌ها معرفی کرده‌اند، بلکه اسلام از محبت و رحمت سرشار است؛ لذا در نمازهای یومیّه مکرّر از رحمانیت و رحیمیت خدا سخن می‌گوییم. اسلام آنقدر دارای رحم و عاطفه است که می‌گوید اگر شخصی از مشرکان برای تحقیق در خصوص اسلام و مطالعه معارف آن، به شما پناه آورد، به او پناه بدهید و پس از تحقیقاتش او را سالم به محل زندگی‌اش بازگردانید!<sup>۲</sup>

۱. شرح این مطلب را در کتاب «آیین رحمت» نوشته‌ایم.

۲. سوره توبه، آیه ۶.

آیا چنین دینی اجازه کشتن مسلمانان را می‌دهد؟ به راستی چگونه وهابی‌ها به کوچک‌ترین بهانه‌ای دستشان را به خون مسلمانان مظلوم آلوده می‌کنند؟!

### تشرویی مکروه است یا حرام؟

مرحوم صاحب وسایل، عنوان بابی که حدیث مذکور را در آن نقل کرده، «کراهة الانقباض من الناس» قرار داده است؛ یعنی تشرویی در برابر مردم کراهت دارد. ولی باید توجه کرد که این کار زشت همیشه مکروه نیست، بلکه گاه ممکن است حرام باشد؛ مثلاً اگر انقباض و تشرویی سبب عداوت و درگیری و اختلاف و خونریزی گردد، بدون تردید حرام خواهد بود، بلکه حتی اگر سبب دلشکستگی شخص مؤمن شود شبهه حرمت دارد.

### تشرویی واجب!

البته تشرویی گاه واجب می‌شود و آن زمانی است که به قصد تنفر از گناه و به عنوان نهی از منکر صورت پذیرد؛ چون همان‌گونه که در روایات از جمله نهج البلاغه آمده است، امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله دارد: مرحله قلبی، زبانی و عملی.<sup>۱</sup> اگر کسی جهت امر به معروف و نهی از منکر به صورت زبانی

۱. نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۶۶، حکمت ۳۷۴.

و عملی توانایی ندارد، لازم است در دل از آن متنفر باشد و این تنفر در چهره‌اش ظاهر گردد و در مقابل منکرات رو ترش نماید و چهره در هم کشد و بدین وسیله نسبت به کارهای زشت عکس العمل نشان دهد.

خلاصه این‌که اسلام آیین محبت و رحمت است و ما مسلمانان نیز باید در عمل و با برخوردهای خوش و محبت‌آمیز و رویی گشاده و دوری از برخوردهای زشت و ناپسند ثابت کنیم که اسلام دین محبت و دوستی است، نه آیین عداوت و دشمنی.<sup>۱</sup>

\* \* \*

---

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۷۰-۱۷۲، ج ۹.

## سرانجام مکر و خدعه و غش و خیانت

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَلَا يَمْكُرُ وَلَا يَخْدَعُ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جِبْرِيلَ يَقُولُ: إِنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ، ثُمَّ قَالَ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا ثُمَّ قَالَ ﷺ: إِنَّ جِبْرِيلَ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَزَلَ عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ بِحَسَنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَلَا وَ إِنَّ أَشْبَهَكُمْ بِي أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا؛ مسلمان مکر و خدعه نمی‌کند؛ چرا که از جبرئیل شنیدم که می‌گفت: صاحب مکر و خدعه در آتش است.» حضرت در ادامه فرمود: «کسی که تقلب کند از ما نیست و کسی که خیانت کند [نیز] از ما نیست.» سپس فرمود: «جبرئیل از سوی خداوند دو جهان بر من نازل شد و گفت: ای محمد! خوش اخلاق باش که سوء خلق و بد اخلاقی خیر دنیا و آخرت را زایل می‌کند. آگاه باشید! شبیه‌ترین شما به من کسی است که اخلاقش از همه بهتر باشد.»<sup>۱</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۱۳۷، ح ۱.

### تفسیر مکر

«مکر» در اصل به معنی چاره جویی است. بدیهی است که چاره جویی گاه مثبت است و گاه منفی. توضیح این که وقتی مکر به خداوند نسبت داده می شود، مثل آیه شریفه: «وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»<sup>۱</sup> منظور چاره جویی مثبت است؛ یعنی خداوند بهترین چاره جویان است؛ چون با وسایل بسیار ساده کارهای بس مهمی انجام می دهد؛ مثل این که پادشاه ستمگری همچون نمرود را با پشه‌ای از پا در می آورد.<sup>۲</sup> ولی واژه مکر در میان ما معمولاً به چاره جویی منفی گفته می شود؛ مثل این که اسباب و مقدمات خلاف و نامشروع برای رسیدن به مقصد نامشروعی ترتیب داده شود.

### معنای خدعه

واژه «خدعه» به معنی فریب و نیرنگ است؛ مثل این که ظاهر چیزی را خوب جلوه دهیم، در حالی که باطنش بد باشد؛ مثلاً شخصی می خواهد با دیگری دشمنی کند، اما لباس دوست می پوشد تا بهتر بتواند او را فریب دهد. یا کسی می خواهد به دیگری زیان برساند، در لباس منفعت رسان ظاهر می شود. این کار فریب و خدعه و نیرنگ محسوب می شود.

۱. سوره آل عمران، آیه ۵۴؛ سوره انفال، آیه ۳۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب اداب السفر، باب ۵، ح ۱.

### غش و خیانت

«غش» به معنی تقلب است؛ غذای تقلبی، داروی تقلبی، پارچه تقلبی، وسایل برقی تقلبی، و بسیاری چیزهای دیگر که متأسفانه نوع تقلبی‌اش در عصر و زمان ما زیاد است، «غش» محسوب می‌شود.

معنای «خیانت» هم روشن است؛ به عنوان یک مصداق؛ مثلاً اگر امانتدار، امانت را به صاحبش برنگرداند، یا بدون اجازه و رضایت صاحبش در آن تصرف کند، مرتکب خیانت شده است.

### سوء خلق

«سوء خلق» به توضیح نیاز ندارد و از رذایل اخلاقی به حساب می‌آید، همچنین از روایت استفاده می‌شود که انسان‌های بد اخلاق و ترش رو و کسانی که به تعبیر مردم برج زهر مارند دورترین مردم از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حساب می‌آیند؛ زیرا از منظر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسانی که اخلاق بهتری دارند، به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزدیک‌ترند. بنابراین، این‌که بعضی تصور می‌کنند خندان و خوشرو بودن برخلاف تقدس و تدین است اشتباه بزرگی است.

### دنیای بدون این صفات رذیله

اگر این صفات زشت از دنیا برچیده شود، یعنی در جامعه نه مکر، نه نیرنگی، نه تقلب، نه خیانتی و نه برخوردهای خشن

و سوئی صورت بگیرد، دنیا گلستان می شود. بدبختی دنیای امروز آن است که به رغم ترقی در جنبه‌های مادی، در زمینه‌های معنوی تنزل کرده است.

جنایاتی امروز رخ می دهد که در قدیم سابقه نداشت. تقلب در داروها که با جان انسان‌ها سر و کار دارد، بردگی جنسی کودکان شرق آسیا که به بهانه تحصیل به اروپا و آمریکا برده می شوند و در نهایت آن‌ها را برای مسائل جنسی به فروش می رسانند؛ از جمله این جنایات است.

در سایه تنزل اخلاق است که برترین دانشمندان جهان، سال‌ها مطالعه و تحقیق و آزمایش انجام می دهند تا سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی و هسته‌ای بسازند و مردم مظلوم و بی‌گناه را به قتل برسانند.<sup>۱</sup>

\* \* \*

۱. آداب معاشرت در اسلام، ص ۱۷۲-۱۷۵، ح ۱۰.

## بد اخلاقی

حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«يَا عَلِيُّ! لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ صَاحِبَهُ كُلَّمَا خَرَجَ مِنْ ذَنْبٍ دَخَلَ فِي ذَنْبٍ؛ أَي عَلِيُّ، هَرِّ گناهی توبه‌ای دارد جز بد اخلاقی، زیرا هرگاه انسان بد اخلاق از گناهی خارج می‌شود (توبه می‌کند)، به گناه دیگری دچار می‌شود».<sup>۱</sup>

در اینجا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خطر سوء خُلق اشاره کرده می‌فرماید: از همه گناهان می‌توان توبه کرد، اما از بد اخلاقی نمی‌توان توبه کرد، زیرا انسان از عمل توبه می‌کند، در حالی که سوء خُلق عمل نیست.

### آثار سوء خُلق

۱. سرچشمه گناهان؛ از جمله می‌توان به گناهی، مانند: اذیت و آزار مردم، دروغ، غیبت، ظلم و مثل آن اشاره کرد.

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۸، ح ۳.



۲. **نفرت عمومی مردم؛** انسان با بدخُلُق، دوستان و جامعه و نفوذش را از دست می‌دهد. مثلاً اگر کاسب است مشتری‌هایش را از دست می‌دهد. و اگر آقا است، مریدان خود را از دست می‌دهد. و حتی گاهی زن و فرزندانش را از دست می‌دهد.

منظور از «دست دادن» این است که آنان از او بیگانه می‌شوند تا جایی که بچه دوست ندارد پدر را ببیند، چون پدر بداخلاق است. میان او و فرزندان فاصله می‌افتد. پس نفرت عمومی و جدا شدن مردم یکی دیگر از آثار سوءِ خلق است.

۳. **شکنجه و عذاب روحی؛** آدم بداخلاق پیش از هر کس خودش اذیت می‌شود. او با آتش بداخلاقی، اول درون خود را می‌سوزاند آن‌گاه برون دیگران را. و این موجب بیماری انسان می‌شود و در کوتاهی عمر او بسیار مؤثر است.

بنابراین سوءِ خلق حداقل این سه اثر منفی را دارد: کثرت گناهان، از دست دادن دوستان و یاران و بستگان و آشنایان، و شکنجه روحی.

### عوامل روحی و روانی بداخلاقی

۱. **توقع بیجا؛** کسانی که پرتوقع‌اند و انتظار دارند مردم به آنها سلام کنند و احترام بگذارند، طبیعتاً با مواردی مواجه می‌شوند که مخالف انتظارشان است لذا از کوره در می‌روند و عصبانی می‌شوند، اما اگر انسان سطح توقع و انتظارش را حتی در مورد

خانواده و نزدیکانش کم کند، عصبانی نمی‌شود و در برابر اتفاقاتی که پیش می‌آید آمادگی دارد. اگر چنین روحیه‌ای پیدا شد، از مشکلات نمی‌هراسد و افسرده نمی‌شود. برخی اشخاص وقتی از دوستانشان ضربه می‌خورند می‌گویند ما چنین چیزی را از دوستانمان توقع نداشتیم.

**۲. کبر و غرور؛** انسان‌های متکبر دوست دارند بالاتر از همه باشند و چون مردم فطرتاً با چنین افرادی ناسازگارند، به آنها اعتنایی نمی‌کنند و اینان نیز وقتی می‌بینند کارها مطابق خواستشان انجام نشده است، عصبانی و بداخلاق می‌شوند.

**۳. عدم گذشت؛** برخی در زندگی گذشت کمی دارند و لذا دچار عصبانیت می‌شوند، اما انسان باید بکوشد کار خلاف را نادیده بگیرد و در برابر ناملازمات گذشت کند، چون اگر آن را فراموش کند اخلاقش هم خوب می‌شود ولی اگر فراموش نکرد هر وقت به ذهنش می‌آید ناراحت و در نتیجه بداخلاق می‌شود.

**۴. کم ظرفیتی؛** انسان‌های کم ظرفیت یا بی ظرفیت نمی‌توانند مسائل را تحمل کنند. به قول معروف «با مویزی شیرین می‌شود و با غوره‌ای ترش» یعنی نسیمی در خانه او طوفان است. چنین کسانی همیشه کج خلق و بداخلاق و عصبانی‌اند. اما اگر انسان بلند نظر باشد، این‌گونه مسائل را به راحتی هضم می‌کند.

آنچه ذکر شد چهار عامل روحی روانی بود، اکنون به عوامل اجتماعی و جسمانی می‌پردازیم:

### عوامل اجتماعی و جسمانی سوء خلق

۱. انسانی که ضعیف المزاج است، گاهی کج خلق می شود. و لذا بیماران معمولاً بد اخلاق می شوند، و باید ملاحظه حالشان بشود و از سر و صدا نزدشان پرهیز گردد و پرستارانشان باید با آنها مدارا کنند، برای اینکه بیمار در وضعی است که کج خلقی جزء طبیعت او شده است. یا مثلاً بعد از ظهر ماه رمضان، برخی مردم عصبانی و بد اخلاق می شوند، چون بر اثر گرسنگی و تشنگی، خون غلیظ می شود و به مغز نمی رسد، اعصاب خسته است و سلول های مغزی تغذیه نمی شوند، طبعاً اعصاب تحت فشار قرار می گیرد و در نتیجه نمی تواند خود را کنترل کند. لذا بهتر است در این هنگام در جایی باشد که عوامل عصبانیت کمتر است، و در ساعاتی که زمینه ها آماده است روابطش را با مردم کم کند. یعنی به گونه ای باشد که کج خلقی خودش را نشان ندهد.

۲. گاهی محرومیت از جایی، سبب بد اخلاقی در جایی دیگر می شود. مثلاً در بازار ضرر کرده، وقتی به خانه می رود زن و فرزندان را می آزارد.

این بد اخلاقی بلای بسیار بدی است، به خصوص کسانی که با مردم سر و کار دارند باید برای پیشبرد کارها در دل مردم نفوذ کنند و مصداق ﴿لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَاقْتَضَى الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾<sup>۱</sup> نباشند، بلکه

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ترجمه: «اگر خشن و سنگدل بودی مردم از اطراف تو پراکنده می شدند.»

مصدقاً «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ»<sup>۱</sup> باشند. ولی کسانی که با مردم سروکار ندارند زیاد از خود کج خلقی و بد اخلاقی نشان نمی دهند. خلاصه گاهی کج خلقی تمام برنامه های انسان را از بین می برد. از این رو باید علاوه بر از بین بردن زمینه ها و عوامل کج خلقی، تمرین خوش خلقی کرد. حضرت علی علیه السلام آن قدر حُسن خلق داشت که دشمنانش او را متهم به مزاح می کردند و می گفتند علی علیه السلام - العیاذ باللَّه - بذله گو است.<sup>۲</sup>

برای اینکه انسان به سوء خلق مبتلا نشود باید نقطه مقابل آن را - که حُسن خُلق است - در خود پیرورد و به اهمیّت آن واقف شود. بدین منظور، توجّه شما خوانندگان عزیز را به بخشی از صفات حمیده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم جلب می کنیم:

#### روایت علی علیه السلام از خلق و خوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

درباره حُسن خُلق، عفو، مهربانی، ایثار، فداکاری و تقوای آن حضرت در کتاب های تفسیر و تاریخ داستان های زیادی آمده است ولی همین قدر باید بگوییم که در حدیثی از حسین بن علی علیه السلام آمده است که فرمود: از پدرم امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره ویژگی های زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اخلاق او پرسیدم و پدرم مشروحاً

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ترجمه: «به سبب رحمت الهی، در برابر مؤمنان، نرم و مهربان شدی!».

۲. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۹۰.

به من پاسخ فرمود. در بخشی از این حدیث آمده است:  
 «پیامبر ﷺ با همنشینانش با خوشرویی و خنده برخورد می‌کرد  
 و نرم‌خو و ملایم بود. هرگز خشن، سنگدل، پرخاشگر، بدزبان،  
 عیب‌جو و مدیحه‌سرا نبود. هیچ‌کس از او مأیوس نمی‌شد و هر که  
 به در خانه او می‌آمد نومید باز نمی‌گشت. سه چیز را از خود دور  
 کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی، دخالت در کاری که به او  
 مربوط نبود. و دو چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی  
 را مذمت نمی‌کرد، به جست‌وجوی لغزش‌ها و عیب‌های پنهانی  
 مردم نمی‌پرداخت.

فقط در مورد اموری که ثواب الهی را امید داشت سخن  
 می‌گفت. هنگام سخن گفتن به قدری کلماتش در دل‌ها نفوذ داشت  
 که همه سکوت اختیار می‌کردند و هنگامی که ساکت می‌شد آنها به  
 سخن در می‌آمدند، اما نزد او هرگز نزاع و مجادله نمی‌کردند. هرگاه  
 مرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می‌گفت و درخواستی  
 می‌کرد، تحمل می‌کرد و به یارانش می‌فرمود: هرگاه کسی حاجتی  
 دارد به او عطا کنید. هرگز کلام کسی را قطع نمی‌کرد تا سخنش  
 پایان گیرد»<sup>۱</sup>.

آری، اگر این اخلاق نیکو و ملکات الهی نبود آن ملت  
 عقب‌مانده جاهلی و آن جمع خشن انعطاف‌ناپذیر به اسلام

۱. معانی الاخبار، ص ۸۳.

نمی‌گرویدند، بلکه به مصداق آیه «لَا تُفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ» همه از گرد او پراکنده می‌شدند و همان راه و روش دوران جاهلیت را ادامه می‌دادند. و چه خوب است که این اخلاق اسلامی امروز زنده شود و در هر مسلمانی، پرتوی از اخلاق و خوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد.

### بدخویی در روایات اسلامی

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «الْخُلُقُ السَّيِّئُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ؛ بدخویی عمل را تباه می‌کند چنانکه سرکه عسل را فاسد می‌سازد».<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری فرمودند: «سُوءُ الْخُلُقِ ذَنْبٌ لَا يُعْفَرُ وَسُوءُ الظَّنِّ خَطِيئَةٌ تُفُوحٌ؛ بدخویی گناهی نابخشودنی است و بدگمانی خطایی است که منتشر می‌شود».<sup>۲</sup>

و در روایت سوم از آن حضرت می‌خوانیم: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَبْلُغُ مِنْ سُوءِ خُلُقِهِ أَسْفَلَ دَرَكِ جَهَنَّمَ؛ بنده بر اثر بدخویی به پایین‌ترین طبقات دوزخ می‌رسد».<sup>۳</sup>

امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «رُبَّ عَزِيزٍ أَذَلَّهُ خُلُقُهُ وَ ذَلِيلٍ أَعَزَّهُ خُلُقُهُ؛ چه بسا عزیزی که اخلاقش او را ذلیل ساخته و ذلیلی که اخلاقش او را عزیز کرده است».<sup>۴</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۹۷، ح ۸.

۲. المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۹۳.

۳. همان.

۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶، ح ۷۹.

و در روایت دیگری فرمود: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِنُوا فِي أُذُنِهِ؛ هر که اخلاقش بد شد در گوشش اذان بگویید».<sup>۱</sup>

**نتیجه این‌که:** با توجه به آثار بسیار زشت سوء خلق در دنیا و آخرت و ثمرات بسیار مهم حُسن خُلُق در این جهان، باید برای تخلُّق به این صفت زیبای اخلاقی و اجتناب از آثار رذیله ناپسند آن، همواره تلاش کنیم.<sup>۲</sup>

\* \* \*

۱. بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۲۷۷، ح ۷۲.

۲. انوار هدایت، ص ۲۳۴-۲۴۱.

## منابع و مأخذ

۱. القرآن الکریم؛ با ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم، مرحله نهم، سال ۱۳۸۹ ه. ش.
۲. آئین رحمت؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی، گردآوری و تحقیق: ابوالقاسم علیان نژادی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۸۵ ه. ش.
۳. آداب معاشرت در اسلام؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، انتشارات صفحه نگار، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۱ ه. ش.
۴. آیات ولایت در قرآن؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات نسل جوان، قم، چاپ اول، سال ۱۳۸۱ ه. ش.
۵. اخلاق در قرآن؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ سوم، سال ۱۳۸۱ ه. ش.
۶. استفتانات جدید؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی، گردآوری: ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ هفتم، سال ۱۳۹۰ ه. ش.



۷. اسد الغابة فى معرفة الصحابة؛ ابن اثير، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، بی تا.
۸. الاصول من الکافی؛ محمّد کلینی، دار صعب و دارالتعارف، بیروت، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۱ ه.ق.
۹. الاغانی؛ ابوالفرج اصفهانی، دارالتونسیة للنشر، تونس، چاپ اول، سال ۱۹۸۳ م.
۱۰. الاقبال بالاعمال الحسنة؛ سیّد بن طاووس، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ دوم، سال ۱۳۷۶ ه.ش.
۱۱. امثال و حکم؛ علی اکبر دهخدا، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پانزدهم، سال ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۲. انوار هدايت؛ آية الله العظمی مکارم شیرازی، تهیة و تنظیم: سیّد میراحمد فقیه نیریزی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۳. بازاریابی شبکه‌ای یا کلاهبرداری مرموز؛ ابوالقاسم علیان‌نژادی دامغانی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۴. بحار الانوار؛ علامه مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۵. البرهان فى تفسیر القرآن؛ سیّد هاشم بحرانی، مرکز الطباعة و النشر فى مؤسسه البعثة، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۶ ه.ق.
۱۶. بهج الصباغة فى شرح نهج البلاغة؛ محمّد تقی تستری، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۶ ه.ش.

۱۷. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۸. پیام قرآن؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۶۹ ه.ش.
۱۹. تصنیف غررالحکم و درر الکلم؛ عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول، سال ۱۳۶۶ ه.ش.
۲۰. تفسیر نمونه؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ بیست و هفتم، سال ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۱. تفسیر نورالثقلین؛ عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۳ ه.ش.
۲۲. تحف العقول؛ حسن بن شعبة الحرانی، مکتبه بصیرتی، قم، چاپ پنجم، سال ۱۳۹۴ ه.ق.
۲۳. تفسیر روح البیان؛ اسماعیل حقی البرسوی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، بی تا.
۲۴. حاضر العالم الاسلامی؛ lot blop stoddard، ترجمه به عربی: استاد عجّاج نوبهض، با حواشی و تعلیقات: امیر شکیب ارسلان، مطبعة عیسی البابی الحلبی و شرکائه، قاهره، چاپ اول، سال ۱۳۵۲ ه.ق.
۲۵. خصال شیخ صدوق؛ ترجمه: محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ دوازدهم، بی تا.
۲۶. الخصائص، ابو الفتح عثمان بن جنّی، تحقیق: دکتر عبدالحمید هندای، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۲۹ ه.ق.

۲۷. جامع الشواهد؛ محمّد باقر شریف اردکانی، کتابفروشی بوذر  
جمهوری مصطفوی، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۹ ه.ق.
۲۸. چهل حدیث اخلاقی، آیه الله العظمی مکارم شیرازی، تهیّه و تنظیم:  
ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم،  
چاپ اول، سال ۱۳۹۳ ه.ش.
۲۹. سفینه البحار؛ شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، تهران،  
چاپ اول، سال ۱۴۱۴ ه.ق.
۳۰. شرح اصول کافی؛ مولی محمّد صالح مازندرانی، المكتبة الاسلامیة،  
تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۷ ه.ق.
۳۱. شرح غرر الحکم و درر الکلم؛ جمال الدین محمّد خوانساری،  
انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۶۰ ه.ش.
۳۲. شرح نهج البلاغه؛ ابن ابی الحدید، دارالکتب العلمیة، قم، چاپ اول،  
بی تا.
۳۳. صد و ده سرمشق از سخنان حضرت علی علیه السلام؛ آیه الله العظمی مکارم  
شیرازی، گردآوری: ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات امام علی بن  
ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۹ ه.ش.
۳۴. فروغ ابدیت؛ جعفر سبحانی، نشر دانش اسلامی، قم، چاپ اول، سال  
۱۳۶۳ ه.ش.
۳۵. کتاب ابلیس لعین؛ اسماعیل سبزواری، کتابفروشی اسلامیة، تهران،  
چاپ اول، سال ۱۳۵۲ ه.ش.
۳۶. کلیات سعدی؛ مقدمه و شرح از محمد علی فروغی، انتشارات ایران،  
تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۶۳ ه.ش.

۳۷. کلیات قاسم انوار؛ تصحیح و مقابله و مقدمه: سعید نفیسی، کتابخانه سنایی، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ ه.ش.
۳۸. گفتار معصومین علیهم السلام؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی، تدوین: سید محمد عبدالله زاده، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ سوم، سال ۱۳۹۱ ه.ش.
۳۹. لغت نامه؛ علی اکبر دهخدا، دانشکده ادبیات، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۳۰ ه.ش.
۴۰. مجمع البیان؛ فضل بن الحسن الطبرسی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ ه.ق.
۴۱. المحجّة البيضاء؛ محسن کاشانی، انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، بی تا.
۴۲. مشکات هدایت؛ آیه الله العظمی مکارم شیرازی، تدوین: محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ چهارم، سال ۱۳۹۲ ه.ش.
۴۳. مرآت العقول؛ علامه مجلسی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۶۳ ه.ش.
۴۴. مستمسک العروة الوثقی؛ سید محسن حکیم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، سال ۱۳۹۱ ه.ق.
۴۵. مصباح الشریعة؛ عبدالرزاق گیلانی، تصحیح و تنظیم: رضا مرندی، انتشارات پیام حق، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ ه.ش.
۴۶. معانی الاخبار؛ محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، سال ۱۳۶۱ ه.ش.

۴۷. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ترجمه: لطیف راشدی، صبح پیروزی، قم، چاپ اول، سال ۱۳۸۹ ه.ش.
۴۸. میزان الحکمة؛ محمّد ری شهري، دارالحديث للطباعة و النشر، بیروت، چاپ ششم، سال ۱۴۳۳ ه.ق.
۴۹. منتهی الامال؛ حاج شیخ عباس قمی، انتشارات هجرت، قم، چاپ اول، سال ۱۳۷۴ ه.ش.
۵۰. مواظ سعدی؛ محمّد علی فروغی، کتابفروشی بروخیم، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۳۵ ه.ش.
۵۱. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده؛ محمّد جعفر امامی و محمّد رضا آشتیانی، زیر نظر آية الله العظمی مکارم، مدرسة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، قم، چاپ سیزدهم، سال ۱۳۸۱ ه.ش.
۵۲. نهج الفصاحة، ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۴ ه.ش.
۵۳. وسایل الشیعه؛ محمّد بن الحسن الحرّ العاملي، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، بی تا.
۵۴. وهابیت بر سر دو راهی، آية الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابی طالب عليه السلام، قم، چاپ نوزدهم، سال ۱۳۹۳ ه.ش.